

شخصیت پیشرفته

پژوهشی در زمینه تاثیر ساختار خانواده
بر شخصیت نوجوانان تهرانی

مهناز جزایری

سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

۱۳۸۴

فهرست مطالب

سخن ناشر ■ ۷
پیشگفتار ■ ۹
مقدمه/ طرح مسئله ■ ۱۴
<u>فصل اول: مروری بر ادبیات پژوهش ■ ۱۹</u>
طبقه‌بندی تعاریف شخصیت ■ ۱۹
۱- تعاریف ساختی ■ ۱۹
۲- تعاریف فونکسیونی ■ ۲۰
۳- تعاریف فونکسیونی - ساختی ■ ۲۲
تأثیر فرهنگ بر شخصیت ■ ۲۳
اجتماعی شدن ■ ۲۸
نهاد خانواده ■ ۳۰
تأثیر خانواده بر شخصیت ■ ۳۱
خانواده و تعلیم و تربیت ■ ۳۳
الگوی مفهومی شخصیت ■ ۳۶
فرایند تکوین شخصیت پیشرفته ■ ۳۹
تعاریف نظری و عملیاتی شخصیت ■ ۴۶
الگوی مفهومی خانواده ■ ۴۹
تعاریف نظری و عملیاتی خانواده ■ ۵۶
الگوی مفهومی متغیرهای کنترل ■ ۵۸
مدرسه ■ ۵۹
اوقات فراغت ■ ۶۳
گروه همسالان ■ ۶۵
تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای کنترل ■ ۶۶
<u>فصل دوم: روش شناسی پژوهش ■ ۶۹</u>
مقدمه ■ ۶۹
جامعه آماری ■ ۶۹

- روش نمونه‌گیری ■ ۷۰
- حجم نمونه ■ ۷۳
- واحد تحلیل ■ ۷۴
- سطح تحلیل ■ ۷۴
- ابزار سنجش ■ ۷۵
- اعتبار ■ ۷۶
- روایی ■ ۷۷
- کدگذاری و استخراج داده‌ها ■ ۷۸
- روش تحلیل داده‌ها ■ ۷۸
- فصل سوم: یافته‌های پژوهش ■ ۸۰
- الف - توصیف متغیرها ■ ۸۰
- ۱ - توصیف وضعیت منابع در خانواده‌های تهرانی ■ ۸۰
 - خانواده ■ ۸۰
 - منزلت ■ ۸۱
 - عشق ■ ۸۱
 - ابزار ■ ۸۱
 - اطلاعات ■ ۸۲
 - خدمات ■ ۸۲
 - پول ■ ۸۳
 - مدیریت ■ ۸۳
- ۲- توصیف وضعیت شخصیت نوجوانان تهرانی ■ ۸۵
 - نمره‌ی عمومی شخصیت ■ ۸۵
 - فعالگرایی ■ ۸۶
 - کوشش برای موفقیت ■ ۸۶
 - خود تنظیمی ■ ۸۷
 - خردورزی ■ ۸۷
 - کنش عاطفی عام ■ ۸۷
 - کنترل محیط درونی و بیرونی ■ ۸۸
 - تحلیل دو متغیره ■ ۹۰

۱- رابطه متغیرهای کنترل با شخصیت ■ ۹۰

رابطه همسالان با شخصیت ■ ۹۰

رابطه مدرسه با شخصیت ■ ۹۱

رابطه اوقات فراغت با شخصیت ■ ۹۲

۲- رابطه متغیرهای زمینه‌ای با شخصیت ■ ۹۳

رابطه جنسیت با شخصیت ■ ۹۳

رابطه نوع مدرسه با شخصیت ■ ۹۵

۳- آزمون فرضیه‌های تحقیق ■ ۹۵

رابطه منزلت با شخصیت ■ ۹۶

رابطه عشق با شخصیت ■ ۹۸

رابطه خدمات با شخصیت ■ ۱۰۰

رابطه ابزار با شخصیت ■ ۱۰۳

رابطه پول با شخصیت ■ ۱۰۵

رابطه اطلاعات با شخصیت ■ ۱۰۷

رابطه مدیریت با شخصیت ■ ۱۰۹

ج - تحلیل چندمتغیری ■ ۱۱۱

۱ - تحلیل رگرسیونی شخصیت پیشرفته ■ ۱۱۱

۲- تحلیل مسیر مدل پژوهشی ■ ۱۱۴

فصل چهارم: خلاصه بحث و تفسیر ■ ۱۱۹

نتیجه گیری ■ ۱۱۹

پیشنهادها ■ ۱۳۴

فهرست منابع

■ فهرست منابع فارسی

■ فهرست منابع لاتین

فهرست جداول و نمودارها

- نمودار (۱) روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته مونچ ■ ۴۵

- نمودار (۲) مدل پژوهشی تحقیق ■ ۶۸

- جدول (۳) حجم نمونه ■ ۷۴

- نمودار (۴) مقایسه میانگین منابع موجود در خانواده‌های تهرانی ■ ۸۴

- نمودار (۵) فراوانی خانواده‌های تهرانی برحسب برخورداری از منابع ■ ۸۴
- نمودار (۶) فراوانی سطوح شخصیت نوجوانان تهرانی ■ ۸۹
- نمودار (۷) مقایسه میانگین ابعاد مختلف شخصیت در نوجوانان تهرانی ■ ۸۹
- جدول دو بعدی (۸) رابطه جنسیت با شخصیت ■ ۹۴
- جدول (۹) همبستگی مفهوم منزلت با معرف‌های شخصیت ■ ۹۸
- جدول (۱۰) همبستگی مفهوم عشق با معرف‌های شخصیت ■ ۱۰۰
- جدول (۱۱) همبستگی مفهوم خدمات با معرف‌های شخصیت ■ ۱۰۲
- جدول (۱۲) همبستگی مفهوم ابزار با معرف‌های شخصیت ■ ۱۰۴
- جدول (۱۳) همبستگی مفهوم پول با معرف‌های شخصیت ■ ۱۰۶
- جدول (۱۴) همبستگی مفهوم اطلاعات با معرف‌های شخصیت ■ ۱۰۸
- جدول (۱۵) همبستگی مفهوم مدیریت با معرف‌های شخصیت ■ ۱۱۰
- جدول (۱۶) تحلیل واریانس شخصیت ■ ۱۱۲
- جدول (۱۷) ضرایب رگرسیونی شخصیت ■ ۱۱۳
- جدول (۱۸) تحلیل واریانس تحلیل مسیر شخصیت ■ ۱۱۶
- جدول (۱۹) ضرایب رگرسیونی متغیرهای تحلیل مسیر ■ ۱۱۶
- نمودار (۲۰) تحلیل مسیر مدل پژوهشی ■ ۱۱۸

سخن ناشر

فعال سازی ظرفیت‌های موجود دانشجویی در کلیه سطوح برای تولید و انتشار آثار علمی، فرهنگی کمترین وظیفه‌ای است که ما در قبال جمعیت عظیم دانشجویان کشور برعهده داریم.

لذا در چارچوب تدابیر و طرح‌های ویژه، دبیرخانه انتخاب پایان نامه سال دانشجویی با هدف بهره‌گیری هرچه بیشتر جامعه از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی این عرصه و نیز به منظور تعمیق، توسعه و ترویج نتایج یافته‌های دانشجویی، طرح انتشار پایان نامه‌های برتر دانشجویی را در دستور کار خود قرار داده‌است. لذا در همین راستا و به منظور ارتباط و تعامل هرچه بیشتر جامعه با ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعدادهای دانشجویی کشور و همچنین حمایت از پایان نامه‌های برگزیده دوره هشتم، این آثار بصورت کتاب منتشر می‌شوند.

اینک که جامعه ما در آستانه خیزش بزرگ علمی است، توسعه علمی، پژوهشی و رونق آموزش عالی به یک جنبش فراگیر تبدیل شده و این نشانه بسیار خوبی از تحولات آینده در کشور است. از سوی دیگر در نیم قرن گذشته با تحولات فکری در کل جامعه جهانی مواجه بوده‌ایم. که باید بکوشیم ضمن درک عمیق این تحولات، زمینه را برای رشد و پویایی هرچه بیشتر فرهنگ ایرانی و اسلامی مهیا کنیم.

زمانی محور اصلی فعالیت‌ها در دانشگاه‌ها، آموزش بود. اما امروز با احساس ضرورت، انجام و رونق پژوهش در کشور تحولات وسیعی را به وجود آورده‌است. آمارهای موجود امیدهای تازه‌ای را ایجاد کرده‌است: از جمله آمار وجود حدود ۷۰۰ محقق در یک میلیون نفر جمعیت، که در برنامه چهارم توسعه، این رقم ارتقاء می‌یابد. همچنین مراکز پژوهشی خصوصی که در گذشته اهمیتی برای پژوهش قائل نبودند امروز در تولید علم و دانش حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. زمینه توسعه ارتباط دانشگاه‌ها با جامعه بیشتر فراهم شده‌است

بطوری که امروز شاهد اتفاقات تازه در این عرصه هستیم. دانشگاهیان ایرانی وارد عرصه‌های بین‌المللی شده‌اند، مقالات آنها در کنفرانس‌های بین‌المللی ارائه می‌شود و هر روز شاهد افزایش ارجاع به مقالات دانشمندان ایرانی هستیم که این خود نشانگر کیفیت بالای تحقیقات است با استقرار توسعه علمی در کشور، ایران به آستانه نوآوری رسیده‌است. همه اینها عواملی هستند که ضرورت پرداختن جدی به پایان‌نامه‌های دانشجویی را (که خود بخش قابل توجهی از تحقیقات دانشگاهی را شامل می‌شود) نشان می‌دهد. امید است سرمایه‌گذاری در علم و پژوهش (به معنی توجه به آینده کشور و توسعه پایدار و مطلوب) هرروز بیشتر و بهتر شود و پژوهش و فناوری به عنوان مفاهیم فراملی بیش از پیش شناخته شوند. بنابراین باید امید داشت در برنامه‌ریزی‌های بومی کشور، تحولات جهانی در نظر گرفته شود و معیارهای بین‌المللی ملاک عمل قرار گیرد. با درک ضرورت توسعه علم، بسط دانایی و تسهیل دسترسی جامعه به نتایج مطالعات پژوهشگران، سازمان انتشارات جهاددانشگاهی با برگزاری «جشنواره پایان‌نامه سال دانشجویی» اقدام به انتخاب بهترین پایان‌نامه‌ها در موضوعات مختلف دانشگاهی نموده‌است اثری که پیش روی شماست حاصل هشتمین دوره برگزاری جشنواره پایان‌نامه سال دانشجویی در سال ۸۳ می‌باشد که در قالب مجموعه پایان‌نامه‌های برگزیده هشتمین دوره پایان‌نامه سال دانشجویی منتشر می‌گردد.

با آرزوی توسعه و تعمیق این حرکت و با امید به جلب نظر تمامی اندیشمندان و دست‌اندرکاران عرصه پژوهش و نگارش از تمامی عزیزانی که سازمان انتشارات جهاددانشگاهی را در این راه همراهی کرده‌اند سپاسگزاری و تقدیر می‌نمائیم.

سازمان انتشارات جهاددانشگاهی
و دبیرخانه پایان‌نامه سال دانشجویی

پیشگفتار

توسعه و پیشرفت جزو مفاهیمی است که اندیشه بشر را همواره به خود مشغول داشته است. بشر از بدو خلقت، به گونه ای محسوس به سوی کمال و غایت خویش در حرکت بوده است و همواره با انگیزه‌های مادی و معنوی به فعالیت در این راستا اهتمام داشته است. در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابت‌های بسیار نزدیک و فشرده جوامع مختلف برای دستیابی به جدیدترین تکنولوژی‌ها، منابع قدرت و... هستیم، جوامع رو به توسعه به دنبال گریز از موانع و یافتن راه‌حل‌های مربوط به خود برای عقب نماندن از این قافله می‌باشند. به زعم کلمن: «سرمایه‌انسانی که در دانش و مهارت افراد تجسم می‌یابد، با تغییر دادن انسان‌ها شیوه‌ای جدید از رفتار را می‌آفریند که خود منبعی جدید در کسب قدرت محسوب می‌گردد». (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۴)

امروز جامعه ما نیز درگیر بحث‌های دائمی نظیر توسعه، اصلاحات، جامعه مدنی و... می‌باشد. برخی از صاحب‌نظران معتقد به تغییر در ساختارها می‌باشند و برخی با تاکید بر عامل انسانی، رویکرد خردگرایانه ای اتخاذ نموده‌اند. آنچه مسلم است، ساختار و کنش، هر دو در امر اصلاحات و توسعه موثر می‌باشند و اصولاً رابطه متقابلی نیز با هم دارند. چنانکه به نظر می‌رسد که رشد و شکوفایی شخصیت پیشرفته، در درون ساختارهای مناسب امکان‌پذیر است و اصلاح و دگرگونی ساختارها بدون

وجود عامل انسانی موثر و خلاق، امکان‌پذیر نمی باشد. بنابراین با توجه به نقش مهم نهادهای آموزشی و پرورشی، در این پژوهش به بررسی تاثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته پرداختیم.

توسعه اجتماعی و اقتصادی در جامعه در سایه فعالیت‌های موثر انسان‌های فعال و تلاشگر و خلاق، با ارزش‌های درونی شده مناسب پیشرفت میسر می‌باشد. برای به دست آوردن ویژگی‌های چنین انسانی، نیازمند مراجعه به نظریه‌های موجود می‌باشیم. در این مطالعه شخصیت پیشرفته در چارچوب نظریه مونیچ مطالعه گردیده است. از نظر وی قطب‌های تنظیم کنش در نظام شخصیت، عبارتند از هوش، ظرفیت اجرا، وابستگی عاطفی و هویت.

تشکل و رشد شخصیت از طریق ترکیب نیازهای ارگانیک با انتظارات اجتماعی در مراحل گوناگون جامعه‌پذیری و در برخورد با محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۷)

مونیچ شکل‌گیری شخصیت را در سه مرحله و در پلان‌های مختلف تشریح می‌نماید که در نهایت، وجود و نفوذ متقابل شش تمایل اساسی و ترکیبی در شخصیت فرد را نشانه ظهور شخصیت پیشرفته می‌داند. این تمایلات عبارتند از: ۱- کوشش برای موفقیت ۲- فعال‌گرایی ۳- کنش بر پایه عاطفی عام ۴- خردورزی ۵- خودتنظیمی ۶- کنترل محیط درونی و بیرونی، که در واقع به عنوان معرف‌های اصلی متغیر وابسته این مطالعه که شخصیت پیشرفته می‌باشد، محسوب می‌شوند.

بورديو معتقد است كه: «جهت‌گيرى‌هاى فرهنگى و عادات كه در مراحل اوليه زندگى به‌طور ناخودآگاه آموخته مى‌شود به‌سختى تغيير مى‌كند و در شكل‌گيرى پاسخ‌ها در تجربيات بعدى زندگى فرد بسيار فعال مى‌ماند. عادات فرهنگى طبقاتى را كودكان از والدين خود آموخته و مسير زندگى خود را تعيين مى‌كنند. (بورديو، ۱۳۸۰، صص ۷-۱)

بورديو همچنين به محيط‌هاى اجتماعى و يا زمينه‌هاى^۱ اشاره دارد كه در آن تحركات اجتماعى شكل مى‌گيرد. اين محيط‌ها به لحاظ تركيب و يا تقابل سرمايه فرهنگى و مادى داراى اهميت نسبي مى‌باشند. افراد هميشه توسط تركيبى از اين دو سرمايه رتبه‌بندى مى‌شوند. (همان)

بنابراين اهميت نقش خانواده مسلم و ضرورى است. براى مطالعه تاثير ساختار خانواده بر شخصيت، از نظريه منبع لى پلى استفاده شده كه در آن خانواده به عنوان توزيع‌كننده شش منبع اساسى: عشق، منزلت، اطلاعات، ابزار، خدمات و پول به فرزندان ياد شده است، و هر چه بهره‌مندى شخص از اين شش منبع بيشتر باشد، قدرت فرد در مبادله اين منابع در جامعه افزايش مى‌يابد. از آنجايى كه خانواده تنها محيط شكل‌دهنده شخصيت و تنها نهاد جامعه‌پذيركننده نمى‌باشد و با توجه به امكانات و فرصت محدود مطالعه، محيط مدرسه، نحوه گذران اوقات فراغت و نيز تاثير گروه همسالان را نيز به عنوان متغيرهاى كنترل در اين مطالعه وارد نموديم. پرسشى كه در اين پژوهش مورد بررسى قرار گرفته است اين است كه با توجه به ابعاد شخصيت پيشرفته و توصيف خانواده‌ها

1 - Field.

به کمک تئوری منبع، کدام خانواده‌ها بیشتر موفق به تولید چنین شخصیتی می‌شوند و اصولاً در میان نهادهای جامعه‌پذیرکننده کدامیک در جامعه‌ما نقش اساسی‌تری را در تکوین شخصیت به عهده دارند. برای آشنایی بیشتر با محتوای این پژوهش به مباحث مطرح در فصول اشاره می‌شود:

فصل اول مشتمل بر مقدماتی درباره‌ی موضوع تحقیق است، که به مباحث نظری پیرامون موضوع و آرایه‌ی الگوی مفهومی متغیرها و درنهایت چارچوب تئوریک می‌پردازد. از آنجا که این مطالعه با رویکردی جامعه‌شناختی صورت می‌گیرد، مطالعه‌ی عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر شخصیت مورد تاکید قرار گرفته است. این بحث فرهنگ، شخصیت و به دنبال آن جامعه‌پذیری را شامل می‌شود. با توجه به اطلاعات به دست آمده از این مباحث، اقدام به ارائه چارچوب تئوریک بحث نموده و در این چارچوب مفهومی، مفاهیم تعریف و نحوه‌ی عملیاتی کردن آن‌ها را تشریح کرده ایم. در فصل دوم که روش‌شناسی پژوهش را شامل می‌شود، توضیحاتی پیرامون روش مطالعه واحد تحلیل، سطح تحلیل، روش نمونه‌گیری، جامعه آماری، حجم نمونه، آزمون‌های مقدماتی و نهایی و همچنین روش سنجش و روایی و اعتبار و تجزیه و تحلیل آماری آورده شده است.

در فصل سوم به آرایه‌ی یافته‌های پژوهش پرداخته که شامل سه بخش: توصیف متغیرهای پژوهش، تحلیل دومتغیره با آزمون فرضیه‌ها و سپس تحلیل چندمتغیره با استفاده از تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر مدل پژوهشی می‌باشد. آخرین فصل نیز به نتیجه‌گیری یافته‌ها و آرایه پیشنهادهایی در رابطه با موضوع و نیز محدودیت‌های تحقیق پرداخته شده است.

انجام این پژوهش بدون راهنمایی های مؤثر استاد محترم جناب آقای دکتر عبداللهی میسر نبود. همچنین از جناب آقای دکتر چلبی و جناب آقای دکتر قانعی راد که مرا مرهون لطف خویش نمودند و نیز از سرکار خانم مریم جزایری که در نمونه خوانی و تهیه تست های روانشناسی قبول زحمت کردند، سرکار خانم رقیه شکوئی و آقایان محمدپژمان و منصورملکی که در مطالعات میدانی همراهی نمودند، خانم ها زینب ملکی، محدثه جزایری و معصومه جزایری که زحمت ورود داده ها به رایانه را تقبل نمودند و سرکار خانم رنجکش که با حروفچینی زیبای خود این مجموعه را مزین ساختند، کمال تشکر را دارم. و با تشکر از دبیرخانه پایان نامه سال دانشجویی و سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی که امکان چاپ این اثر را فراهم نمودند. امید است که با تمام کم و کاستی هایش، مورد توجه قرار گیرد و گامی کوچک در راه پیشبرد اهداف متعالی میهن اسلامی مان باشد.

تهران - بهمن ۱۳۸۳

مهناز جزایری

مقدمه - طرح مسأله

بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که جامعه‌ی ما در دوران گذار به‌سر می‌برد که یکی از مهم‌ترین نشانه‌های آن آنومی می‌باشد. بی‌هنجاری، نابسامانی، بی‌قانونی، بی‌تفاوتی روزافزون انسان‌ها نسبت به یکدیگر، افزایش جرم و جنایت و کاهش سطح اعتماد عمومی در جامعه و... از اموری است که روزانه بسیاری از ما آن را لمس و یا مشاهده می‌نماییم.

این مشکلات و عوارض نامحدود آن، به عنوان دغدغه‌ای برای هر ایرانی در آمده است. طرح و شکل‌گیری مباحثی چون توسعه پایدار، اصلاحات، جامعه مدنی و... به عنوان واکنش‌هایی در مقابل این مشکلات تلقی می‌شوند. اما اینکه تا چه اندازه‌ای حرکت‌های مختلف تاثیرگذار بوده است جای بحث دارد.

ظهور هر پدیده‌ی اجتماعی نیازمند لوازم و زمینه‌های عینی و ذهنی آن می‌باشد. چنانکه فون مارتین می‌گوید: «شکل‌گیری یک فرهنگ یگانه^۱ همیشه مستلزم پیوستن یک ایده‌ی روحی - معنوی و یک واقعیت جامعه‌شناختی است. ایده‌ها برای نفوذ در زندگی تاریخی به علایق ملموس و محسوس می‌پیوندند و تنها پس از آن می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر جای گذارند و از قلمروهای ناب خصوصی به قلمروی اجتماعی عبور کنند». (قانع‌ی راد، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰)

بنابراین به‌وجود آمدن انواع مختلف جوامع و پدیده‌های اجتماعی دیگر در طی تاریخ یک کشور، تصادفی و یا ارادی نیست و انسان‌ها در درون یک

1 - Unitary culture.

شرایط خاص و با لحاظ محدودیت‌های موجود باید اراده‌ی خود را به عنوان یک عامل دیگر در فرآیند دگرگونی‌های اجتماعی وارد جریان تاریخ نمایند. حال اگر رهیافت جامعه‌شناختی به این مسأله درست باشد، باید این سؤال را مطرح کرد که برای به‌وجود آمدن یک جامعه توسعه یافته، یا تحقق اصلاحات یا جامعه مدنی و... کدام دسته از شرایط مساعدتر است؟

برای پاسخ به چنین سؤالی، «جامعه‌شناسی مدت‌ها تحت تاثیر دوگانه‌گرایی دکارتی بوده است؛ یعنی وجود دوئیت‌های گوناگون نظیر انسان/ جامعه، تغییر/ نظم، عینیت/ ذهنیت، ارزش / واقعیت، دانش/ عمل، جزء/ کل، جبر/ اختیار، هویت/ رابطه و... بصورت جداگانه در نظر گرفته می‌شدند و بذل توجه به یک وجه اغلب به هزینه چشم‌پوشی از وجه دیگر بود». (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۵)

«اما امروز بعضی از جامعه‌شناسان به‌وجود رابطه همزیگری^۱ بین کنش و ساخت اذعان دارند. به‌طور مثال زتومکا در بحث خود در این مورد نتیجه می‌گیرد که «نوعی دیالکتیک کنش‌ها و ساخت‌ها وجود دارد، ساخت‌هایی که در آنها کنش‌ها جزئاً از طریق ساخت‌های قبلی تعیین می‌شوند و ساخت‌های بعدی که توسط کنش‌های مؤخر تولید می‌شوند.» (زتومکا، ۱۹۹۴، ص ۵۳؛ چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۵)

یکی از مشکلات عمده در راه اصلاحات در کشور ما نیز ناشی از تلقی‌های یک‌جانبه‌نگرانه روشنفکران و یا حتی تا حدودی از برخوردهای انفعالی با مظاهر توسعه در جهان پیشرفته ناشی می‌شود.

1 - Symbiotic relationship.

یک نمونه تاریخی، نظرات اصلاحی و نوگرایانه میرزاملکم خان می‌باشد که دکتر داوری در نقد آن آورده است: «او اشتباه نمی‌کرد و نادرست نمی‌گفت، ولی سطحی بود و گمان می‌کرد که رمز پیشرفت اروپا در این است که قوانین اساسی و قانون مدنی و جزایی مدون دارد و اهمیت نمی‌داد که این قوانین از کجا آمده و ضامن نگهداری آن چیست، اگر مردمان نگاهبان قانونند چه تعلق به آن دارند و ریشه این تعلق کجاست... برای اینکه قانون اساسی پایه استواری داشته باشد باید در وجود مردمان ساری و منتشر باشد و این نه با بخشش سیاست‌مداران حاصل می‌شود و نه با تجربه و آزمون و خطا و... قانونی که ملکم از آن ستایش می‌کرد خواستنی بود، اما اساس و مبنا نداشت و به این جهت هم وقتی آمد، پایدار نماند. قانون اگر با جان یک قوم نسبت نداشته باشد، جنبه تشریفاتی پیدا می‌کند و حتی وسیله ظاهرسازی می‌شود». (داوری، ۱۳۵۷، ص ۱۴۲)

بنابراین یکی از مشکلات عمده در راه توسعه پایدار، درون‌زا نبودن اینگونه حرکت‌هاست که یافتن راه‌کارهای نوین برای آن تبدیل به دغدغه اصلی جامعه‌شناسان گشته است.

ژول فری در کتاب اصلاح حقیقی طرح می‌کند که برای اینکه اصلاح واقعی در جامعه‌ای صورت گیرد، باید از ساختارهای درونی آن جامعه نشأت گیرد که مهم‌ترین آنها نهادهای متولی تولید شخصیت نظیر: مدرسه، خانواده و رسانه‌ها می‌باشد. در واقع وی به بعد انسان‌شناختی و فردی توسعه توجه دارد.

«متأسفانه در ادبیات توسعه، معمولاً کسانی که طرفدار اصالت تسمیه و فردگرایی متدولوژیک هستند تنها به فرد و ابعاد شخصیتی او توجه می‌کنند و

آثار تجمعی ابعاد مزبور را بر تغییر و توسعه مورد توجه قرار می‌دهند. درمقابل، کسانی که طرفدار رئالیسم اجتماعی و جمع‌گرایی متدولوژیک هستند تنها به ساختار اجتماعی و ابعاد آن نظر دارند. درحالی‌که ما در این میان مایل بر این باور هستیم که این هر دو مهم هستند و برای بحث توسعه هر دو به یک اندازه لایق توجه‌اند. برای ما توسعه اجتماعی بدون افرادی با نوع شخصیت رشد یافته امکان‌ناپذیر می‌نماید و در همان حال بدون توسعه و تکامل ساختاری رشد شخصیت برای اکثریت و امکان مشارکت خلاقانه، آگاهانه و داوطلبانه اکثریت غیرقابل تصور است. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۷)

لذا از آنجایی که توسعه اجتماعی بدون وجود افرادی با نوع شخصیت رشد یافته امکان‌پذیر نمی‌باشد و تکامل ساختاری و تکامل فردی دارای ارتباطی متقابل می‌باشند، با اخذ رویکرد نظری تلفیقی از ساختار و کنش، اقدام به مطالعه تاثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته نمودیم. انتخاب موضوع شخصیت، محقق را ناچار به اخذ فردگرایی روش شناختی نمود، درحالی‌که خانواده به عنوان یک شبکه اجتماعی که متولی پرورش شخصیت انسانی می‌باشد و نیز مطالعه نهاد مدرسه، گروه همسالان و نحوه گذران اوقات فراغت که همگی بیانگر تاثیر اجتماعی در شخصیت می‌باشند، پایه‌های جامعه‌شناختی این مطالعه را تضمین می‌نماید.

تحقیقات انجام شده در کشورهای دیگر حاکی از آن است که عوامل موثر بر تکوین شخصیت رشد یافته، در چرخه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تمرکز یافته که در میان خانواده‌ها، طبقات، قشرها، مدرسه، گروه همسالان و... جریان دارد. در این تحقیقات عوامل یاد شده تحت عنوان سرمایه‌ای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شناخته

می‌شوند، که رشد شخصیت در نتیجه‌ی تحصیل این سرمایه‌ها و انتقال آن توسط خانواده‌ها میسر است.

حال با توجه به مطالعات قبلی پرسش‌های اساسی این پژوهش عبارتند از:

- ۱- شخصیت کنونی نوجوانان ما چه نسبتی با شخصیت پیشرفته دارند؟
- ۲- در درون جامعه ما و با توجه به شرایط بومی، کدام گزینه‌ها در تولید شخصیت پیشرفته نقش مؤثرتری دارند؟
- ۳- چه نسبتی میان شخصیت پیشرفته و خانواده وجود دارد؟ اصولاً چه نوع ساختاری از خانواده با چه ویژگی‌هایی توفیق بیشتری در تولید چنین شخصیت‌هایی دارد؟
- ۴- تاثیر عوامل بیرون از خانواده بر شخصیت تا چه اندازه می‌باشد؟
- ۵- رابطه منابع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خانواده با تولید شخصیت پیشرفته چیست و کدامیک نقش مؤثرتری را بر عهده دارند؟
- ۶- چنانچه مدرسه در تولید چنین شخصیتی نقش دارد، کدام دسته از مدارس (دولتی - غیرانتفاعی) در انجام این مهم موفق‌ترند.
- ۷- تاثیر گروه همسالان و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت بر شخصیت نوجوانان تا چه اندازه است؟

فصل اول: مروری بر ادبیات پژوهش

طبقه‌بندی تعاریف شخصیت

با یک نگاه بر تعاریف ارائه شده در زمینه شخصیت آن‌ها را می‌توان در سه محور زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- تعاریف ساختی

این تعاریف ناظر بر جریان ساخت شخصیت هستند و در واقع به اجزاء تشکیل‌دهنده ساختمان شخصیت، اشاره دارند. برای مثال زمانی که واتسون، مجموعه سازمان یافته عادات را اساس تعریف شخصیت یا کل آن می‌پندارد، در واقع بیش از آنکه به فونکسیون شخصیت و یا روابط و اجزای درون سازمانی آن توجه کند، دقت نظر خویش را بر اجزای تشکیل‌دهنده که همان عادات است، متمرکز نموده است. آلپورت به روشنی اظهار می‌دارد که شخصیت عبارت است از مجموعه عوامل درونی. اگر چه در ادامه تعریفش، بر فونکسیون شخصیت اشاره کرده است، اما زیربنای تعریف ساختی است. در تعاریف ساختی غالباً به شخصیت با دید انتزاعی توجه شده است. لذا اگر چه عوامل مختلفی در

شکل‌گیری و ساختمان شخصیت تاثیر دارند، اما این نکته قابل توجه است که شخصیت و نحوه‌ی شکل گرفتن آن در رشد، تغییر و شکل‌گیری جدید شخصیت بی‌تاثیر نیست. تغییرات عمده‌ای که در ساختمان شخصیت به‌وجود آمده است، ناظر بر آن است که دیدگاه ساخت‌گرایانه در رابطه با آن، به تنهایی نمی‌تواند مفهوم علمی نتیجه‌بخشی را در این زمینه به دست دهد. اعتقاد به ساخت‌گرایی محض، در واقع اعتقاد به نوعی ثبات و عدم تغییر در شخصیت است، زیرا توجه به فونکسیون هر امری است که امکان تغییر ساخت را در کنار فونکسیون یا به عنوان نتیجه آن مطرح می‌سازد؛ چرا که ساختار یک پدیده همواره به دنبال نوعی سازمان یافتگی است که فونکسیون ویژه‌اش را طلب می‌کند. اگر چنین تفکری در رابطه با پدیده‌های مادی امکان‌پذیر باشد، در رابطه با انسان و شخصیت اوجای تامل دارد.

۲- تعاریف فونکسیونی

برخی دیگر از تعاریف که در زمینه شخصیت مطرح شده‌اند، عمدتاً فونکسیون یا کارکرد شخصیت را مطمح نظر قرار داده‌اند. به عبارت ساده‌تر، این قبیل تعاریف بیش از آنکه به مفهوم ساخت پردازد، جریان‌های کارکردی و نتایج حاصل از شخصیت و اقسام آن را بررسی می‌کند. این نوع تعاریف غالباً پژوهش‌گر را به دقت در پیچیدگی رفتار و نتایج حاصله از آن در شخصیت رهنمون می‌شوند و روابط درونی و ارگانیکی اجزاء و عناصر شخصیت را که در ساختار آن ارائه می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد. «کرچمر و شلدون» از جمله اندیشمندانی هستند که تعاریف خود را از شخصیت بر جنبه‌های کارکردی آن متمرکز

کرده‌اند. جنبه‌های کارکردی شخصیت، اشتراکات فونکسیون شخصیت در افراد مختلف و نیز تجلی شخصیت در قالب رفتارها و عوامل اساسی روابط اجتماعی، این اندیشمندان و برخی پژوهش‌گران دیگر را به سوی بررسی فونکسیون شخصیت در قالب درونی و بیرونی‌اش کشانده است. تداوم این نوع بررسی‌هاست که عدم تعادل رفتاری و یا نابهنجاری شخصیت را که در موارد پیشرفته آن، آسیب‌های شخصیت^۱ است، بخشی از مطالعات روان‌شناسانه یا روان‌شناسی اجتماعی قرار داده است. امروزه از روند حرکات و جریانات اجتماعی اعم از خانواده یا محیط گروه‌های اولیه^۲ و یا ثانویه^۳ می‌توان تأثیرات اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری و تغییر شخصیت را مورد توجه قرار داد و بررسی نمود. در بررسی مفهوم شخصیت مسلم شد که کارکرد امر خاص مثل نقاب و ایفای نقش نیز اندیشمندان را به بررسی ساختار این امر رهنمون شده است. آلپورت می‌گوید: «شخصیت سازمان پویایی (دینامیکی) از منظومه‌های روانی است که سازگاری بی‌همتای فرد با محیطش را موجب می‌شود». (استوتزل: ۱۳۷۱، ص ۱۹۷)

این برداشت به دو امر تأکید دارد: الف - سازگاری ب - بی‌همتایی. مفهوم سازگاری بطور مشخص بر جنبه‌های کارکردی شخصیت تأکید دارد. اگر صفت بی‌همتایی را از سازگاری غیرقابل تفکیک بدانیم، در این صورت تأکید مجددی بر جنبه کارکردی آن خواهد بود. ژان استوتزل به کارکرد شخصیت معتقد است و وظیفه‌ای که به عهده

1 - Personality Pathology.

2 - Primary Group.

3 - Secondary Group.

شخصیت است از نظر او اهمیت بیشتری دارد و این وظیفه را وحدت و هویت شخصی می‌بیند. (استوتزل: ۱۳۷۱، ص ۱۹۸)

باتوجه به این نکته، شخصیت علاوه بر آنکه امری کارکردی است، درعین حال رسالتش نیز کارکرد و در رابطه با تجلی وحدت شخصی است.

۳- تعاریف فونکسیون - ساختی

این قبیل تعاریف در دهه‌های اخیر بیشتر از سایر زمان‌ها مطرح شده است. اندیشمندانی که این تعاریف را ارائه کرده‌اند در واقع معتقدند که شخصیت نوعی از ساخت است که فونکسیون شخصی را ارائه می‌کند. برای مثال «شخصیت سلطه‌جو» معمولاً به سبب روابط خارج از خودش که بر او تحمیل شده است و ویژگی خاصی یافته است، سیستم عملکردی خاصی را ارائه می‌دهد.

اگرچه فروید^۱ روان‌شناس اتریشی‌الاصیل را، که مکتب روان‌کاوی را پایه‌گذاری کرد، می‌توان از متفکران ساخت‌گرایی در امر شخصیت معرفی کرد، اما پیروان او در این محدودیت نمانده و گام را فراتر نهاده‌اند. آدلر از پیروان روان‌کاوی مورد نظر فروید، از جمله کسانی است که عواملی از قبیل مکانیسم قدرت را در تشکیل شخصیت به عنوان عوامل ساخت آن پیشنهاد کرد و بلافاصله اظهار داشت که رفتارهای اساسی افراد در رابطه با نوع شخصیت آن‌هاست. برای مثال شخصیت سلطه‌جو که درصدد برقراری نوعی سلطه یا پذیرش سلطه است، همواره روش‌ها، بینش‌ها و نگرش‌هایش را بر این محور قرار می‌دهد. اریک اریکسون نیز از کسانی است که در تعاریفی که از شخصیت ارائه می‌دهد،

1 - Sigmund Frouid.

درواقع جنبه‌های ساختی و کارکردی آن‌ها را توأمأً به عنوان پایه‌های اساسی تعریف خویش از شخصیت مطرح می‌کند. با توجه به طبقه‌بندی تعاریف مختلف شخصیت، می‌توان اذعان داشت که تعریف شخصیت پیشرفته مونچ، منطبق بر تعاریف فونکسیونی-ساختی می‌باشد، که در این مطالعه در تبیین شخصیت به کاررفته است.

تأثیر فرهنگ بر شخصیت

فرهنگ به شیوه‌های زندگی که اعضای یک جامعه می‌آموزند، در آن مشارکت دارند و از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد، اطلاق می‌شود. فرهنگ شیوه زندگی یک گروه است و جامعه گروهی از افراد است که در محل معینی اجتماع کرده، با هم زندگی می‌کنند و احساس وحدت، تشکل و منافع مشترکی کرده، دست کم در بخشی از یک فرهنگ سهیم‌اند. مسأله مهمی که درباره فرهنگ می‌توان گفت این است که «فرهنگ فرضیه‌های بیان نشده‌ای درباره مطلوب بودن اشکالی از روابط انسانی در شرایط مختلف می‌باشد، برای مثال در فرهنگ‌های جمع‌گرا، در مقایسه با فرهنگ‌های فردگرا، تقسیم اشتراکی و درجه‌بندی قدرت از ارزش بیشتری برخوردارند» (تریاندیس، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷)

آنچه مسلم است و از مطالعات تاریخی درباره فرهنگ به دست آمده، این است که فرهنگ شیوه‌های متعددی را در دوره‌های زمانی و مکانی مختلف به دست داده است که بر اساس آن نیز دانشمندان تعاریف متنوع و متعددی از آن را به کار برده‌اند. در اینجا با استفاده از تعریف تایلر و محققان دیگر اقدام به ارائه تعریفی جامع از فرهنگ می‌نمائیم:

« فرهنگ مجموعه‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس، و عمل است که کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی افراد فرا گرفته می‌شود و بین آن‌ها مشترک است و در شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود، تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد. تبیین این تعریف به ما امکان می‌دهد تا خصوصیات اساسی‌ای را روشن کنیم که انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان برای بازشناسی فرهنگ بر آن توافق دارند. (گی روشه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳)

هر فرهنگ دارای سه عنصر مادی، شناختی و قواعد سازمانی است. جنبه شناختی یک فرهنگ از باورها، اسطوره‌ها، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و دانش‌ها تشکیل می‌شود. جنبه مادی یا فنی هر فرهنگ شامل مهارت‌های فنی، هنرها، ابزار، وسایل و اشیای مادی دیگری است که اعضای آن جامعه از آن استفاده می‌کنند. قواعد سازمانی را شیوه‌های زندگی مردم، آداب و رسوم، قوانین و نقش‌هایی تعیین می‌کند که به پایگاه‌های مختلف آن فرهنگ وابسته است. همچنین قواعد سازمانی شامل مقررات، نظام‌ها و آیین‌هایی است که انتظار می‌رود اعضای آن گروه هنگام فعالیت‌های روزمره زندگی از آن پیروی کنند.

با شناخت هنجارهای اجتماعی، فرد می‌تواند با دیگر افراد ارتباط برقرار کند، دانش فراگیرد و به دیگران بیاموزد و نیز فعالیت‌های خود را هماهنگ و متعادل سازد. هرگونه کوشش برای همکاری با دیگران در جامعه، مستلزم وجود یک زبان مشترک است. جامعه هنگامی خواهد توانست به آرامی وظایف خود را انجام دهد که افراد بتوانند رفتار یکدیگر را پیش‌بینی کنند و از پاره‌ای قواعد و الگوهای رفتاری که

دیگران احتمالاً به کار می‌برند، آگاه باشند. نه تنها قوانین، بلکه قواعد ضمنی که در شیوه زندگی مردمان نهفته است، آداب و رسوم و ارزش‌ها، مفهومی از عضویت و تعلق به جامعه را به افراد القا می‌کند. (بروس کوئن، ۱۳۷۲، ص ۷۲)

افراد در طی جریان حیات دارای خصوصیات خاصی می‌گردند که سبب تفاوت یافتن آن‌ها از دیگران می‌شود، البته در عین حال که در داخل هر جامعه شباهت نیز وجود دارد. از این‌روست که مردم خصوصیات مثبت یا منفی خاصی را به اقوام دیگر نسبت می‌دهند. ارزش‌های حاکم بر جامعه و میزان وابستگی افراد در هر یک از اجزاء فرهنگی، در تطابق روانی و اجتماعی افراد اثر کامل دارد و علت بسیاری از نابهنجاری‌های روانی را هم بی‌تردید باید در همین عدم تعادل روانی بدانیم. در مراحل اولیه زندگی، تأثیر فرهنگ مادی به مراتب بیش از فرهنگ معنوی است، زیرا کودک در سنین خردی قبل از اینکه با محتویات فرهنگ غیرمادی سروکار پیدا کند، با اشخاص و اشیای پیرامون خود آشنا می‌شود و پس از آن است که افکار و عقاید و آداب و رسوم اجتماعی جلوه‌گر می‌شوند. ارتباط با فرهنگ غیرمادی مستلزم رشد سنی و عقلی خاصی است. طبیعی است پرورش شخصیت افرادی که از ابتدای طفولیت از کلیه تجهیزات لازم برخوردار بوده و با انواع وسایل آشنا می‌شوند، شبیه به جامعه‌ای نخواهد بود که فقط وسایل اولیه زندگی در آن یافت می‌شود.

مهم‌ترین جنبه از اثر فرهنگ غیرمادی در شخصیت، مربوط به نحوه انتقال اخلاق و آداب و رسوم است. آثار فرهنگ غیرمادی در بسیاری از

جهات اصلی رفتار انسان مشهود است و از ابتدایی‌ترین روابط انسانی تا مراحل پیچیده تفکر و بررسی را شامل می‌شود. آداب و رسوم خاصی که در میان ملت‌های مختلف موجود است حاکی از این تنوع فرهنگی است.

از جمله مهم‌ترین عواملی که در بحث روابط اجتماعی مؤثر در شخصیت باید مورد توجه قرار گیرد، روابط گروهی فرد است. فرد در اغلب موارد برخی از گروه‌های بزرگ یا کوچک را به‌عنوان گروه مرجع انتخاب کرده و مانند آن‌ها رفتار می‌کند. در جوامع ابتدایی اثر روابط گروهی در شخصیت آشکارتر است، زیرا ترکیب گروهی ثابت است و فرد تنها در گروه‌های معدودی عضویت دارد. در جوامع صنعتی اثر گروه‌ها در شخصیت فرد صورت متنوع‌تر و پیچیده‌تری پیدا می‌کند. (محسنی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۰)

هنجارها و ارزش‌های فرهنگی که فراگرفته می‌شوند به دو صورت عینی و ذهنی در شخصیت افراد نمود می‌یابند. در حالت عینی، تفکرات و احساسات عملی، که اشخاص به‌طور مشترک دارا هستند، روابطی را ایجاد می‌کند که هر یک آن را واقعاً احساس می‌نمایند. این شاخص مشترک برای هر یک از اشخاص به همان وضوح یک واقعیت عینی به‌شمار می‌رود که واقعیت‌های محسوس‌تر دیگری که آن‌ها به‌طور اشتراکی دارا هستند (نظیر سرزمین، ساختمان‌های عمومی، آثار و بناها و کالاهای مادی و غیره).

بنابراین «فرهنگ یکی از عواملی است که منبع آنچه که دورکیم، همبستگی اجتماعی^۱ و آگوست‌کنت، وفاق^۱ جامعه می‌نامد، می‌باشد. و

1 -Solidasit'e Sociale.

به‌علاوه فرهنگ به شیوه‌ای نمادی این وحدت نسبی جمع را فراهم می‌آورد و به آن، به دو صورت، خصوصیتی متمایز می‌بخشد. نخست آنکه بسیاری از شیوه‌های جمعی، تفکر، احساس و عمل، عبارتند از نمادهای ارتباطی و یا لاقط نمادهایی که ارتباط را میسر می‌سازند.

دوم آنکه این سمبولیسم و نمادگرایی مشترک است که سرشار از حالات جمعی تفکر و احساس و عمل است. احترام به مدل‌ها که عموماً پیوستگی با ارزش‌ها را نمادی می‌کند به نوبه خود تعلق به جمع مشخصی را نمادی می‌نماید. بنابراین همبستگی بین اعضای یک جمع هرگاه به عنوان یک واقعیت حس شود، از طریق دستگاه وسیع نمادی که هر یک از اعضا در آن سهیم است، حس، ادراک و بیان می‌شود.» (گی‌روشه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶)

به عبارت دیگر، پیوستگی با فرهنگ دائماً به‌وسیله هر یک از اعضای جمع تأیید می‌گردد. این تأیید از طریق و به‌وسیله معنای نمادی مشارکت است که جزو رفتار بیرونی قابل مشاهده آن‌ها می‌باشد. و همچنین معنای نمادی رفتارهاست که به اعضای یک جمع و افرادی که بدان تعلق ندارند امکان می‌دهد که مرز غیرمادی را که بین اعضا و غیراعضا وجود دارد مشخص نمایند.

بنابراین فرهنگ فراگیرنده هر چیزی است که از راه آموزش به گسترده‌ترین معنای کلمه از راه جمع به فرد انسانی می‌رسد، از آداب رفتار و هنجار و ارزش‌ها گرفته تا باورهای دینی و دانش علمی و متون و هر آنچه از نظر مادی و معنوی در ساختار زندگی انسان حضور و

کارکرد دارد. از دل این زیست‌جمعی در فضای عالم فرهنگی است که فردیت انسان نیز پدید می‌آید، یعنی موجودی خودآگاه به موجودیت خود در عین وابستگی به یک جمع و در عین حال جدا از آن و گاه در رویارویی با آن. (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴)

اجتماعی شدن

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری^۱ که از اوان طفولیت آغاز می‌شود، فرآیندی است که توسط آن، فرد با فراگیری گرایش‌ها، اندیشه‌ها و انگاره‌های رفتار مورد پسند جامعه، از طریق تماس با دیگران، نقش‌هایی را که تعیین‌کننده رفتار اجتماعی اوست و با پایگاه وی در گروه‌های مختلف اجتماعی انطباق دارد، به عهده می‌گیرد. در جریان جامعه‌پذیری است که شخصیت تکوین می‌پذیرد. (روسک، ۲۵۳۰، ص ۳۸)

برخی اجتماعی شدن را برابر با تطابق و هم‌نوایی گرفته‌اند: «اجتماعی شدن جریانی است که به برکت آن شخص انسانی در طول حیات خویش، تمامی عناصر اجتماعی- فرهنگی محیط خود را فرا می‌گیرد و درونی می‌سازد و با ساخت شخصیت خود تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنادار یگانه می‌سازد تا خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زیست نماید تطبیق دهد». (گی روشه، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸)

جریان جامعه‌پذیری به دو صورت پیش می‌رود، یا گروه عمداً به جامعه‌پذیر کردن فرد می‌پردازد، چنان‌که خانواده و مدرسه، آگاهانه هنجارهای زندگی گروهی را به کودک می‌آموزند. و یا اینکه زندگی گروهی، خود به‌خود فرد را جامعه‌پذیر می‌کند، چنان‌که رفتار پدران و

1 -Socialization.

مادران بی‌آنکه خود آنان متوجه باشند، سرمشق رفتار کودکان می‌گردد. (اگبرن و نیمکف، ۱۳۲۳، ص ۱۲۴)

همنوایی شخص با هنجارهای اجتماعی شامل، رسم‌ها، میثاق‌ها، آداب، تشریفات، شعائر، شیوه‌های قومی، سنت‌ها، اخلاق اجتماعی، قوانین و... می‌شوند، به دو صورت می‌باشد: مجاب شدن یا همنوایی عمقی^۱ و همنوایی سطحی. همنوایی سطحی شخص را بر آن می‌دارد که فقط محض حفظ ظاهر در رعایت هنجارها بکوشد، ولی همنوایی عمقی فرد را به قبول باطنی هنجارها برمی‌انگیزد. از این رو جامعه‌پذیری وقتی تام و تمام است که فرد به «درونی کردن»^۲ هنجارهای اجتماعی بپردازد. این هم در صورتی امکان می‌یابد که بین فرد و جامعه وفاق کافی برقرار باشد. (همان، ص ۱۲۵)

اگر جریان جامعه‌پذیری عمیقاً صورت گیرد و دوام آورد، افراد از مشابهت‌های فراوانی برخوردار خواهند شد. به این ترتیب همتایی اجتماعی رخ می‌دهد. فرهنگ‌پذیری، جریانی است که فرد را عمیقاً و از هر لحاظ با فرهنگ جامعه همانند می‌کند. چنان‌که جامعه‌پذیری جریانی است که فرد را کمابیش با هنجارهای اجتماعی سازگار می‌گرداند. (همان، ص ۱۲۶)

اجتماعی شدن، روند اخذ معارف، مدل‌ها، ارزش‌ها و نمادها می‌باشد و به‌طور خلاصه شیوه‌های عمل، تفکر و احساس خاص گروه‌ها، جامعه شدن است که هر شخص مجبور به زندگی در آن است.

1 -Conviction.

2 -Internalization.

همان‌طور که گفته شد اجتماعی شدن فرآیندی است که از طریق آن یک فرهنگ به اعضای خود می‌آموزد، عملکرد خود را با راه‌هایی که از نظر اجتماعی مورد پذیرش است، هماهنگ کنند.

بنابراین چنانچه درصدد تکوین شخصیت پیشرفته باشیم، می‌باید همزمان به ساختار فرهنگ و نمادهای مداخله‌کننده در امر اجتماعی شدن توجه داشته باشیم. فرآیند اجتماعی شدن از طریق تاثیر والدین، رسانه‌های گروهی، همسالان، مدرسه و مذهب صورت می‌گیرد.

نهاد خانواده

خانواده یک گروه خویشاوندی است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی نیازهای بنیادی دیگر، مسئولیت اصلی را بر عهده دارد. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، معمولاً به ایفای وظایف متعددی می‌پردازد که البته ماهیت کارکردهای آن و سطح اجرای آن از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است.

خانواده در طول تاریخ حیات بشری، نخستین مؤسسه برای اجتماعی کردن جوانان و نوجوانان بوده است. خانواده در شکل‌گیری وجهه نظرها، ارزش‌ها و باورداشتهای کودک نقش اصلی را بر عهده دارد و بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر دارد، تاثیر می‌گذارد. (بروس کوئن، ۱۳۷۲، صص ۱۸۰-۱۷۹)

خانواده علاوه بر کودک‌زایی و کودک‌پروری، کارکردهای دیگری نظیر تولید اقتصادی و پرورش و آموزش را نیز بر دوش دارد. تغییرات ساختاری سبب گردید که خانواده قسمتی از کارکردهای تربیتی دیرین

۳۱ ■ مروری بر ادبیات پژوهش ▶

خود را به سازمان‌های دیگری مانند پرورشگاه، آموزشگاه، مدرسه و رسانه‌ها و... محول کند.

با این وصف، پدرومادر هنوز وظایف تربیتی خطیری بر عهده دارند، زیرا کودکان معاصر بیش از کودکان گذشته، به پدرومادر خود اعتنا می‌کنند و رفتار آنان را سرمشق قرار می‌دهند. برای اعتنای شدید کودکان به پدران و مادران دو علت می‌توان برشمرد: «اولاً خانواده جدید به سبب موانع اقتصادی، از تولید مثل فراوان خودداری می‌ورزد، در نتیجه کودک در محیط خانه همسازی کافی نمی‌یابد و ناگزیر بیش از کودکان دوره‌های پیشین به پدرومادر توجه می‌کند و رفتار خود را بر رفتار آنان منطبق می‌سازد. همچنان که پدرومادر نیز باید محض مصالح کودک، همواره رفتار خود را بر موازین تربیتی تطبیق دهند. افزایش تحرک اجتماعی به سبب متمرکز نبودن مسکن و شغل نیز دلیل دوم است، زیرا کودکان کمتر با هم‌محله‌ای‌های خود انس می‌گیرند و در نتیجه توجه‌شان به پدرومادر افزایش می‌یابد. (اگ‌برن، ۱۳۲۳، ص ۳۳۶)

تأثیر خانواده بر شخصیت

خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا می‌کند. طبق تحقیقات بیشتر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، تجارب سال‌های اول کودکی که معمولاً در خانواده ایجاد می‌گردد سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک است. (امیری، بنی جمال، ۱۳۷۶، ص ۸۸)

هدف تمامی شیوه‌های پرورشی کودک، آماده‌سازی وی برای ایفای نقشی است که گروه و حوزه فرهنگی وی بر عهده‌اش می‌گذارد. کودکان

چنان پرورش می‌یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را پی‌گیرند. والدین و آموزگاران، واسطه انتقال آرمان‌های اجتماع به کودک هستند. آرمان‌های فرهنگی هر اجتماع تعیین‌کننده نوع و چگونگی آموزش‌هایی هستند که کودک باید فراگیرد. از آنجا که الگوها و آرمان‌های فرهنگی گوناگون در یک جامعه وجود دارد، والدین نیز براساس الگوها و آرمان‌های فرهنگی خود، کودکان را به شیوه‌های گوناگونی پرورش می‌دهند.

به زعم ماسگرو^۱ ادعای مربوط به اینکه مدارس در «منش» کودکان تاثیر دارند احتمالاً هم مبالغه‌آمیز است و هم بی‌اساس. به نظر او تاثیر مذکور به‌طور کلی «قابل توجه» نیست. (ماسگرو: ۱۹۶۶، ص ۴۷)

تاثیر واقعی و اصیل در خانواده است و اگر در آنجا محرومیت از والدین، محرومیت ذهنی یا معنوی وجود داشته باشد، شخصیت کودک نیز دچار نوعی محرومیت خواهد شد.

اجتماعی شدن در خانواده چیزی بیش از صرف مساله آموزش‌های خانگی، فراگرفتن معدودی قاعده و قبول یا طرد ضمانت‌های اجرایی خانواده است و سرآغاز درونی کردن فرهنگ خانواده، جامعه است که اگر کودک از آن فرهنگ به‌طور کلی جدا نشود، در تمام عمر او ادامه خواهد داشت. درست است که خانه و اعضای خانواده ممکن است او را در این درونی کردن یاری کنند، ولی این سخن نیز درست است که مجموعه عقاید، اعتقادات و اعمال والدین ممکن است برخلاف درونی کردن مذکور عمل کند. بسیاری از کودکان به دلیل آموزشی که والدین

1 - F.Musgrove.

برای آنان فراهم کرده‌اند، یا به دلیل فقدان چنین اموری، برای جامعه شایسته نیستند. به علاوه مناسبات مربوط به نقشی که جامعه از افراد انتظار دارد، ممکن است خانواده اصلاً وجود نداشته باشد و دلیل آن الزاماً این نیست که خانواده به مفهوم متداول کلمه «بد» است، بلکه بدان سبب است که اعتقادات والدین محدود و محدودکننده است. در اوایل اجتماعی شدن کودک، ممکن است سلسله‌هایی از اعتقادات متضاد در او به وجود بیاید که در احساسات و مناسبات او عدم تعادل ایجاد کند. «اینگونه احساسات متضاد عشق، تنفر، وفاداری، طغیان‌گری و مانند آن احتمالاً اجتناب‌ناپذیرند.» (فلیچر، ۱۹۶۶، ص ۳۶)

ولی تا وقتی که عمدتاً در چارچوب خانواده وجود داشته باشند، می‌توان آن‌ها را به وسیله اعضای خانواده حس کرد. لکن هرگاه به خصومت خانه و جامعه منتهی شوند، به دلیل ناهماهنگی کامل و ناتوانی فرد در بهبود و پیشرفت احساسات خانوادگی و اجتماعی، خطر محسوب می‌شود.

خانواده و تعلیم و تربیت

خانواده یکی از گروه‌های اولیه اجتماعی است که با مناسبات چهره به چهره سروکار دارد. با این حال، در تمام تاریخ حیات انسان و در سراسر جهان، خانواده تنوع فرهنگی قابل ملاحظه‌ی دارد. فرزند انسان تا مدت طولانی از لحاظ بقای زیست‌شناختی به بزرگان این نهاد متکی است. «خانواده واحد بسیار تخصصی‌تأمین‌محبتی است که به حصول اطمینان از ثبات عاطفی کمک می‌کند. تحقق این امر هنگامی است که زن

و مرد در شرایط امروزی، زندگی موفقیت‌آمیزی داشته باشند». (ماسگرو، ۱۹۶۵، ص ۱۹)

پارسونز در مطالعه «نقش‌های اصلی خانواده‌ی هسته‌ای» بر این واقعیت تاکید می‌کند که شخصیت انسان «مادرزاد» نیست، بلکه باید در فرآیند اجتماعی شدن «ساخته شود». با ملاحظه این امر است که خانواده‌ها اصولاً نهادهایی اساسی هستند، اینها کارخانه‌هایی هستند که شخصیت‌های انسان را تولید می‌کنند. (پارسونز، ۱۹۵۶، ص ۱۶)

در خانواده هسته‌ای یک نقش ساختی اساسی وجود دارد که اجتماعی شدن را توسعه می‌دهد. خانواده به مفهوم واقعی کلمه یک شبکه اجتماعی دارای نقش‌های متقابل است و با آنکه خود پارسونز اطلاق اصطلاح «جامعه کوچک» را به خانواده مردود می‌داند. (همان، ص ۱۹) اما در این مورد از خرده نظام ویژه اجتماعی استفاده می‌کند که با مفهوم جامعه خرد آنقدرها فاصله ندارد. با این حال حقیقت آن است که پارسونز از لحاظ ذی نقش بودن خانواده، قدرت پدر را در جنبه‌ی «ابزاری» و قدرت مادر را در جنبه‌ی «ابزاری» بیشتر می‌داند. وی اظهار می‌دارد که قلمرو نقش ابزاری پدر با مناسبات نظام خانواده با موقعیت آن در خارج از این نظام سروکار دارد. نقش مذکور به رفع نیازهای مربوط به انطباق شرایط به حفظ تعادل و به ایجاد مناسبات مطلوب با هدف‌های خارجی محیط خانه مربوط می‌شود. از طرف دیگر، قلمرو نقش ابزاری مادر بیشتر با امور داخلی نظام خانواده و با مناسبات درونی اعضای مختلف آن سروکار دارد. نقش مذکور، به تنظیم الگوها و

تنش‌های اجزای تشکیل‌دهنده خانواده (همان، ص ۴۷) یعنی به ارتباطات متقابل و کنترل و توسعه عواطف مربوط می‌شود.

نه تنها خانواده نهادی است که کودک را در دوران قبل از بلوغ جسمانی حمایت می‌کند، بلکه نهادی است که نخستین فرصت‌های اجتماعی شدن و تعلیم و تربیت را برای او فراهم می‌آورد. میچل اشاره کرده است که «پدر و مادر بودن، سریعاً به حرفه‌ای که نسبت به خود، آگاهی بسیار زیاد دارد، تبدیل می‌شود». (میچل، ۱۹۶۳، ص ۱۵۷) این خودآگاهی در قلمرو مناسبات متقابل افراد و روابط اجتماعی عمل می‌کند. اجتماعی شدن را به بیان ساده می‌توان فرآیندی دانست که به موجب آن، فرد با محیط اجتماعی انطباق حاصل می‌کند و به تدریج خود را عضو جامعه و از اعضای موثر در آن می‌بیند.

کودک باید چگونگی زیستن در «خرده‌نظام متمایز جامعه» یعنی خانواده یا در بین اعضای آن را فراگیرد، ولی طبق معمول، خانواده و اعضای آن زمینه اجتماعی شدن محسوب می‌شود. حیات خانوادگی کودک، ممکن است با حیات کلی خانواده‌ها در جامعه مشابهتی نداشته باشد. مسلماً در جامعه‌ای که قشربندی اجتماعی باشد، خانواده نمی‌تواند تمام جنبه‌های حیات اجتماعی را در خود نشان دهد. با این حال به طوری که سویفت اشاره می‌کند: «کودک برخی از الگوهای رفتاری، ادراکات مربوط به واقعیات و عادات اندیشیدن را که از مشخصات محیط اجتماعی بزرگتر است و بعضی از آن‌ها مختص خانواده خود اوست، یاد خواهد گرفت». (سویفت، ۱۹۶۹، ص ۶۸)

با این حال ما در اینجا با کل مسأله رشد شخصیت سروکار داریم. بروز دادن گرایش‌های اجتماعی، توسعه خودآگاهی و دیگر انواع آگاهی همه از عوامل اجتماعی شدن فرد محسوب می‌شوند.

الگوی مفهومی شخصیت

مطالعه شخصیت به شیوه‌های گوناگونی صورت پذیرفته است. یکی از مقدمات مطالعه اخذ شیوه مطالعه، رویکرد فلسفی نسبت به ماهیت انسان می‌باشد. در معرفت‌شناسی شخصیت، رویکردهای مختلف نسبت به انسان وجود دارد که این مبانی فلسفی زمینه‌ای برای تبیین تئوری‌های مختلف، زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، شده‌اند.

ماهیت مطالعاتی جامعه‌شناختی ایجاب می‌کند که انسان را در جامعه مورد مطالعه قرار دهد. ارزیابی جامعه‌شناسی از انسان به مثابه فرد اجتماعی است، بنابراین تمرکز بر زمینه‌های اجتماعی تکوین شخصیت وی دارد، نه شرایط جسمانی، غریزی و ارگانیکی، لذا اکثر جامعه‌شناسان، شخصیت را در چارچوب شبکه‌ای اجتماعی مطالعه می‌نمایند که اغلب مسدود نمی‌باشند.

«آنچه برای سودمندتر ساختن چنین تبیینی ضروری است، مفهومی از ساختار اجتماعی به مثابه تبیین نظام‌های نهادی و کارکردهای مختلف است. برای چنین مطالعاتی، جامعه‌شناسی باید نظریه‌هایی عرضه نماید. درباب این موضوع که از یک طرف، انواع شخصیت چگونه به صور گوناگون به هر یک از این نظام‌های نهادی بستگی دارند و از طرف دیگر، خود این نظام‌های نهادی چگونه به صور گوناگون با یکدیگر ترکیب می‌شوند و ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهند. (گرث و میلز، ۱۳۸۰، ص ۲۹)

بنابراین هدف کلی آن است که شخصیت را با توجه به ساختار اجتماعی مطالعه نماییم. لذا ما با اتخاذ شیوه تلفیقی ساختار و کنش، اقدام به مطالعه شخصیت با توجه به تاثیر نهادهای دست‌اندرکار جامعه‌پذیر نمودیم. البته موضوع اصلی مورد مطالعه، بررسی تاثیر ساختار نهاد خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته می‌باشد، که با توجه به نقش بسیار مهم خانواده به عنوان گروه نخستین بر جامعه‌پذیری، سایر نهادهای دست‌اندرکار این فرایند نظیر مدرسه و نقش گروه همسالان و اوقات فراغت نیز به عنوان متغیرهای کنترل در طرح نظری تحقیق قرار گرفتند.

در چارچوب تئوریکی این تحقیق، شخصیت پیشرفته به عنوان متغیر وابسته از تئوری مونچ اخذ گردید. مونچ نظام شخصیت را با استفاده از چارچوب اصیل پارسونز در سطح شرایط انسانی اینگونه مطرح می‌کند که نظام مزبور در ارتباط ویژه با ارگانسیم (G) و نظام رفتاری (A) و نظام اجتماعی (I) و نظام فرهنگی (L) شکل می‌گیرد. او می‌گوید که در ابتدا ارگانسیم در وحدت اولیه با محیط است، ولی ضمن رشد و درونی کردن نظام‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی مختلف، قطب‌های تنظیم کنش شخصیت به تدریج ظاهر می‌شوند. به بیان پارسونز، اقطاب تنظیم کنش که در نظام شخصیت شکل می‌گیرند و کار نظارت و تنظیم رفتار انسانی را بر عهده دارند، عبارتند از: هوش (A)، ظرفیت اجرا (G)، وابستگی عاطفی یا تعهد (I) و هویت (L). (مونچ، ۱۹۸۸؛ چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۸)

به عبارت دیگر، تشکل و رشد شخصیت از طریق ترکیب نیازهای ارگانیک (آلی) با انتظارات اجتماعی در مراحل گوناگون جامعه‌پذیری و در برآورد با محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. با

تشکل شخصیت، اجتماع دیگر چیزی غریبه و جدا از فرد نیست بلکه جزئی از او و در اوست، گرچه هر دو مانند هم نیستند. (مونچ، ۱۹۸۸؛ چلیبی، ۱۳۸۱، ص ۸۷)

هوش، استعداد یادگیری تعمیم یافته است که در نظام رفتاری، تمرکز یافته است. اگر این قطب از طریق برخورد اثباتی فرد با محیط‌های مختلف حاصل می‌شود، از این طریق فرد نقشه شناختی محیط‌های مختلف را درونی می‌کند. هوش فرد، عامل تغییردهنده در شخصیت می‌باشد، که به فرد آمادگی بیشتر برای پذیرش تغییر و نوآوری را می‌دهد. درمقابل آن، قطب وابستگی عاطفی قرار دارد که وظیفه نظم‌دهندگی رفتار را ایفا می‌کند. هر چه وابستگی عاطفی در اثر برخورد با محیط‌های مختلف تعمیم یافته‌تر باشد، شخص برای تنظیم رفتار خود با دیگران و ملاحظه انتظار آن‌ها بیشتر آماده می‌گردد.

مونچ (۱۹۸۸) به درستی استدلال می‌کند که در فرایند جامعه‌پذیری، ارتباط خرده نظام‌ها و وسایل ارتباطی آن‌ها می‌تواند روابط مختلفی به خود بگیرند که می‌تواند موجب شکل‌دهی انواع شخصیت گردد. یکی از مطلوب‌ترین آن‌ها به زعم پارسونز نفوذ متقابل است که از ویژگی‌های فرایند نوسازی است. (همان، ص ۲۲۹)

از نظر مونچ (۱۹۸۸) شخصیت پیشرفته شخصیتی است که در آن تفکیک و انسجام صورت گرفته باشد، یعنی ضمن اینکه اقطاب کنترل شخصیت شامل هوش، ظرفیت اجرا و وابستگی عاطفی تعمیم یافته و هویت فردی رشد یافته باشند، در عین حال همگی آن‌ها در یکدیگر نفوذ کرده باشند، یعنی اینکه شخصیت پیشرفته در هر وضعیتی دارای

هدف باشد، استعداد یادگیری تعمیم یافته خود را به کارگیرد، دارای هویت باشد و در همان حال دارای تعهد تعمیم یافته نسبت به دیگران باشد. در رابطه با کم و کیف اقطاب تنظیم کنش در شخصیت و کم و کیف رابطه این اقطاب با همدیگر، مونچ ترکیب‌های مختلفی از شخصیت ارایه می‌دهد که البته در چارچوب نظری این تحقیق نمی‌گنجد.

فرآیند تکوین شخصیت پیشرفته

مونچ روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته را در سه مرحله کلی قرار می‌دهد. در مرحله اول که تمایلات اساسی در ارتباط متقابل نیازهای ارگانیک با محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد دارای سه فاز می‌باشد:

«در فاز اول، فرد (G) با محیط اثباتی (A) ارتباط متقابل برقرار می‌کند. در امتداد محور (G-A) در اثر نفوذ متقابل این دو قطب، دو نوع تمایل اساسی ایجاد می‌شود: ۱- میل به لذت‌طلبی ۲- میل به انطباق با محیط. در فاز دوم رشد شخصیت، ارگانیزم با محیط اجتماعی رابطه متقابل برقرار می‌کند. در امتداد محور (G-I)، در اثر نفوذ متقابل این دو قطب، دو تمایل اساسی دیگر حاصل می‌شود: ۱- میل به پیوند عاطفی ۲- میل به سازگاری.

سومین فاز شکل‌گیری تمایلات اساسی در امتداد محور (GL) صورت می‌گیرد. در اثر نفوذ متقابل نیازهای ارگانیک با محیط فرهنگی دو تمایل اساسی به وجود می‌آیند: ۱- میل به فعال‌گرایی ۲- تمایل به خردورزی (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲).

لذت‌طلبی یک تمایل اساسی است که به طرف یک سرخوشی کوتاه مدت از طریق دستکاری در محیط، جهت‌گیری شده است. یعنی جهت‌دهی به محیط برای نیازهای ارگانیک، درحالی‌که میل به انطباق با محیط، بیانگر هم‌آرایی ارگانسیم با شرایط محیطی است، یعنی ارگانسیم، نیازهای خود را با شرایط محیطی وفق می‌دهد.

تمایل به پیوند عاطفی، ناشی از رشد گرایش مثبت ارگانسیم نسبت به دیگران است. در اثر تعامل فرد با دیگران، پتانسیل‌های عاطفی نهفته در نظام ارگانیک بیدار شده، به صورت مثبت نسبت به محیط اجتماعی جهت‌گیری می‌شوند، درحالی‌که تمایل به سازگاری، میل به آمادگی برای هم‌آوایی با انتظارات اجتماعی است که چیزی بیش از انطباق با پاداش و جزایهای محیطی است. لذا کسی که مورد خطاب انتظارات اجتماع واقع می‌شود، خود را حتی‌المقدور با کسی که انتقال‌دهنده انتظارات اجتماعی است، می‌پندارد، یعنی سازگاری بر اساس تعهد درونی استوار می‌گردد.

فعال‌گرایی حاصل پیوند ارگانسیم با محیط فرهنگی و تمایل به تنسيق و تنظیم نمادهاست، برای غلبه بر محیط، جهت تامین منافع آنی، بدون اینکه نیازها تعدیل مهمی را تجربه کنند. در مقابل، میل به خردورزی بیانگر تنسيق نیازهای ارگانیک توسط نمادهاست. با برخورداری از تمایل اخیر، فرد ارضای نیازها را با توجه به انتظارات اجتماعی از پیش محاسبه می‌نماید (تعدیل ایجاد می‌کند).

در مرحله اول رشد شخصیت، تمام تمایلات اساسی از طریق ارتباط متقابل نیازهای ارگانیک با محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی به‌وجود می‌آیند.

طبق نظر مونچ در مرحله دوم رشد شخصیت، این امکان بالقوه وجود دارد که تمایلات اساسی در راستای محورهای مختلف در یکدیگر نفوذ نمایند، و در اثر این نفوذ، تمایلات اشتقاقی حاصل گردند. این مرحله با فاز چهار آغاز می‌شود. در این فاز در اثر نفوذ متقابل بعضی تمایلات اساسی در راستای محورهای (GA) (GL) دو تمایل اشتقاقی به وجود می‌آیند: ۱- تمایل به کنترل محیط خارجی و داخلی ۲- کوشش برای موفقیت.

در فاز پنجم رشد شخصیت، در تمایل اشتقاق، در اثر نفوذ متقابل، تمایلات اساسی در امتداد محورهای (G-I) (G-L) منتج می‌شوند: ۱- میل به خودتنظیمی ۲- تمایل به کنش با پایه عاطفی تعمیم یافته.

فازهای چهارم و پنجم در مرحله دوم رشد شخصیت قرار دارند که چهار تمایل اساسی این مرحله عبارتند از: تمایل به کنترل محیط خارجی و داخلی، کوشش برای موفقیت، میل به خود تنظیمی و تمایل به کنش با پایه عاطفی عام.

تمایل به کنترل محیط داخلی و خارجی به فرد این اجازه را می‌دهد که هم نیازهای ارگانیک خود را کنترل نماید و هم محیط اثباتی خارجی را. ترکیب چهار تمایل اساسی اولیه فعال‌گرایی، لذت‌طلبی، خردورزی و انطباق با محیط، تحت عنوان کوشش برای موفقیت می‌باشد که صبغهی غالب در این تمایل، مرکب فعال‌گرایی است.

خودتنظیمی، یک تمایل اشتقاقی است. این تمایل در اثر تنسيق پتانسیل عاطفی و میل به تأمین انتظارات اجتماعی براساس محاسبه عقلانی پیامد به وجود می‌آید. سلوکی که مبتنی بر این تمایل باشد، ضمن اینکه حائز وابستگی عاطفی است، در عین حال بیشتر مستقل و مبتنی بر

توجه عقلانی است. و در عین اینکه فعال است، در همان حال به قواعد نیز مقید است. به عبارت ساده‌تر، کنش همزمان مبتنی بر عاطفه، قواعد، عقلانیت و فعالیت است.

تمایل به کنش عاطفی بر پایه عاطفی عام، بیشتر واجد تأکید عاطفی است که در نتیجه بسط وابستگی‌های عاطفی به دیگران ایجاد می‌شود. در عین حال این تمایل فعال و خردگراست و در ضمن به قواعد نیز معطوف است. این تمایل بیانگر وابستگی عاطفی به همه موجودات انسانی به شکلی فعال، عقلانی شد و معطوف به قاعده است.

مرحله سوم تکوین شخصیت، مرحله‌ای است که تمایلات پیچیده‌تر در آن شکل می‌گیرد. در فاز ششم، ترکیب پیچیده‌تری از تمایلات در اثر نفوذ متقابل تمایلات اساسی به همراه تمایلات اشتقاقی فازهای چهارم و پنجم به وجود می‌آید. در صورتی که در فرایند جامعه‌پذیری چنین ترکیبی حاصل شود، این خود موجب به وجود آمدن مرکز واقعی نفوذ متقابل، یعنی هسته تمایلات شخصیت کاملاً پیشرفته خواهد شد. این هسته از دو تمایل اشتقاقی تشکیل می‌شود، که عبارتند از کنش هوشمند و مسئولیت شخصی. از روی تسامح می‌توان گفت که تمایل به کنش هوشمند، میل به تنسيق فعالانه و خردمندانه محیط درونی و بیرونی است. این تمایل نشانگر ترکیب بالاتری از محاسبه پیشرفته و کنش فعال است. فعال‌گرایی محض، ترکیبی از تمایل به کنترل محیط داخلی و خودتنظیمی و کوشش برای موفقیت و وابستگی عاطفی تعمیم یافته را نیز به همراه دارد.

مسئولیت شخصی یا اخلاق مسئولیت، نمایانگر عالی‌ترین تمایل شخصیتی است که می‌تواند در روند رشد شخصیت به دست آید.

مسئولیت شخص نیز مانند کنش هوشمند، یک تمایل کاملاً پیچیده است مرکب از: فعال‌گرایی، کوشش برای کسب موفقیت، کنترل محیط درونی و بیرونی، خردورزی، خودتنظیمی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته. وجود این دو تمایل در شخصیت، حاکی از آن است که رشد شخصیت نه تنها فرایند تفکیک را از هم گذرانده بلکه فرایند ترکیب با نفوذ متقابل را نیز به‌طور کامل تجربه کرده است. به عبارتی با بلوغ شخصیت، تفکیک شخصیت و انسجام شخصیت در سطح بالاتر و پیشرفته‌تری صورت می‌گیرد. (تلخیص: مونچ، ۱۹۸۸؛ چلبی، ۱۳۷۵، صص ۲۳۱ - ۲۳۶)

چنانچه مشخص است تئوری مونچ از شخصیت پیشرفته، بسیار پیچیده و از مفاهیم چند بعدی تشکیل شده است که البته همین ماهیت چند بعدی بودن مفاهیم، مشکل بسیار بزرگی را در راه عملیاتی نمودن واژه‌ها ایجاد می‌نماید.

ابتدا برای وضوح بیشتر نظریه مونچ اقدام به رسم نمودار روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته نمودیم. چنان‌که در عالی‌ترین سطح تکوین شخصیت که فاز ششم آن در مرحله سوم باشد، دو تمایل اساسی برای شخصیت پیشرفته تحت عنوان کنش هوشمند و مسئولیت شخصی وجود دارد، که در تعریف آورده که این دو تمایل حاصل اشتقاق شش تمایل دیگر می‌باشد.

بنابراین وجود همزمان شش تمایل یاد شده: کوشش برای موفقیت، فعال‌گرایی، کنش بر پایه‌ی عاطفی عام، کنترل محیط درونی و بیرونی، خردمندی و خودتنظیمی را می‌توان با کمی اغماض بیانگر وجود اخلاق مسئولیت و کنش هوشمند دانست. در واقع این شش تمایل را می‌توان

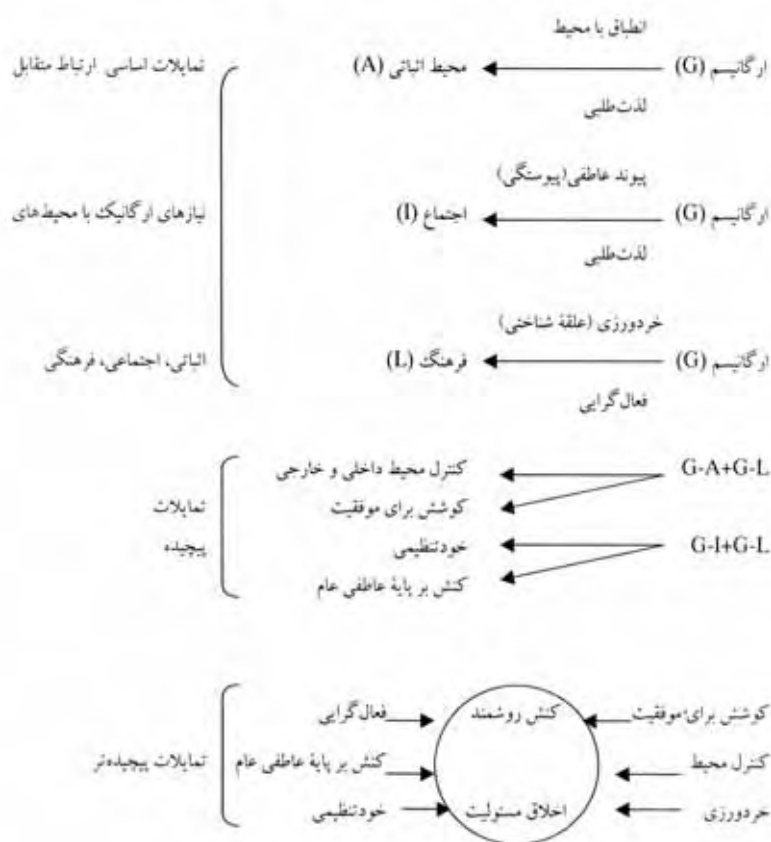
به عنوان معرف‌های درجهٔ یک این دو خصلت در نظر گرفت، که به علت پیچیدگی خود این شش تمایل، آن‌ها را نیز به صورت مقیاس مطرح می‌نماییم.

همانگونه که در روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته مشهود است، ارتباط ارگانسیم با محورهای (L,I,A) به‌گونه‌ای نمادین شده، می‌باشد. یعنی عامل (L) در تمام اشتقاق‌ها به‌گونه‌ای دخیل می‌باشد که در طرح عملیاتی خود از این وجه اشتراک استفاده کرده، ابعاد و گویه‌های نظام شخصیت را به عنوان نظام واسط میان ارگانسیم و فرهنگ، پی‌ریزی نموده‌ایم.

در نظر گرفتن مفاهیم شش‌گانه یادشده به عنوان مقیاس به ما این فرصت را می‌دهد که با در نظر گرفتن معرف‌های متنوعی تا حد بضاعت، اقدام به سنجش مفاهیم چندوجهی یاد شده بنماییم.

۴۵ ■ مروری بر ادبیات پژوهش ▶

نمودار ۱- روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته (مونچ)



تعاریف نظری و عملیاتی شخصیت

شخصیت پیشرفته: شخصیت، نظام تمایلی هنجاری شده‌ای است که در اثر تعامل نظام‌های آلی (ارگانیکی) و اجتماعی (جامعه) در فرآیند جامعه‌پذیری، تکوین و رشد می‌یابد و همزمان به صورت نظام واسط بین نظام آلی و نظام اجتماعی عمل می‌کند. تمایلات، نیازهایی هستند که طی فرآیند جامعه‌پذیری، هنجاری می‌شوند.

از نظر مونچ شخصیت پیشرفته، شخصیتی است که در آن تفکیک و انسجام صورت گرفته باشد، به طوری که ضمن اینکه اقطاب کنترل شخصیت شامل هوش، ظرفیت اجرا و وابستگی عاطفی تعمیم یافته و هویت فردی رشد یافته باشند، در عین حال همگی آن‌ها در یکدیگر نفوذ کرده باشند. (مونچ، ۱۹۸۹؛ چلبی، ۱۳۷۵)

تعریف عملیاتی: شخصیت پیشرفته در این مطالعه به وجود همزمان تمایلات اساسی، کوشش برای موفقیت فعال‌گرایی، خردورزی، کنترل محیط درونی و بیرونی، خودتنظیمی و کنش بر پایه عاطفی عام دلالت دارد. هر چه امتیاز تمایلات یاد شده بالاتر باشد شخصیت بیشتر به سمت رشد گرایش دارد و در غیراین صورت شخصیت، رشد نیافته و یا ابتدایی متصور می‌گردد.

۱- فعال‌گرایی - در اثر ارتباط ارگانیسم، با نظام فرهنگ تولید می‌شود، تمایل به تنسيق نمادها برای غلبه به محیط برای تامین منافع آنی، بدون آنکه نیازها تعدیل مهمی را تجربه کنند. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۳).

تعریف عملیاتی: در این مطالعه فعال‌گرایی به وسیله شاخص لذت‌طلبی و استفاده بهینه از فرصت‌ها سنجیده می‌شود. (درگیری با محیط اثباتی جهت پاسخ‌گویی به حوائج اولیه). پیروی از احساس، عمل خودمدارانه، همکاری خاص‌گرا، استفاده از فرصت‌ها و موقعیت‌ها و تلاش برای رفع نیاز، از نشانه‌های فعال‌گرایی می‌باشند.

۲- خردورزی = خردورزی نیز حاصل ارتباط ارگانسیم با محیط فرهنگی می‌باشد که جزو ابعاد تغییردهنده شخصیت محسوب می‌شود، تنظیم نیازهای ارگانیک توسط نمادهای فرهنگی که در آن فرد برای برآوردن نیازهای خود از پیش اقدام به محاسبه می‌نماید (تعدیل در نیازها). (همان)

تعریف عملیاتی: خردورزی به وسیله معرف‌های تجربه‌گرایی، نوگرایی و عقل‌گرایی مورد سنجش قرار می‌گیرد. نوگرایی، انجام کارهای جدید، توجه به اطلاعات، نفی سنت‌گرایی، اخذ راه و روش جدید، توجه به حال و گذشته و آینده، برنامه‌ریزی، اعتماد به علم و محاسبه، از نشانه‌های خردورزی می‌باشند.

۳- کوشش برای موفقیت = در اثر ارتباط ارگانسیم با محیط اثباتی و فرهنگی ایجاد می‌شود، که جزو ابعاد تغییردهنده نظام شخصیتی می‌باشند.

تعریف عملیاتی: به میزان میل به کوشش جهت نیل به موفقیت، به وسیله معرف‌های وجود انگیزه موفقیت و هدف‌مداری سنجیده می‌شود. تمایل به موفقیت، داشتن هدف، عزم و اراده، برنامه‌ریزی برای رسیدن

به هدف، محاسبه در تعیین هدف، از نشانه‌های میل به کوشش برای موفقیت است.

۴- کنترل محیط درونی و بیرونی = جزو ابعاد نظم‌دهنده شخصیت
می‌باشد و بیانگر آن است که انسان تا چه حد قادر است نیازهای فردی و محیط را همزمان کنترل نماید. این تمایل، حاصل ارتباط ارگانیسم با نظام اثباتی و فرهنگی می‌باشد. (همان)

تعریف عملیاتی: در این مطالعه سنجش کنترل محیط درون و بیرون با سنجش توانایی نظارت بر محیط بیرونی و نیز توانایی در ایجاد تطابق با محیط انجام شده است. عدم اعتقاد به نفی کنترل و مجبور بودن انسان، توانایی در کنترل محیط بیرونی و انعطاف‌پذیری در محیط کار و زندگی، تطابق با محیط و توانایی شناخت محیط، از نشانه‌های میل به کنترل محیط درونی و بیرونی می‌باشد.

۵- خودتنظیمی = حاصل ارتباط ارگانیسم با نظام فرهنگی و اجتماعی
می‌باشد که از ابعاد نظم‌دهنده شخصیت محسوب می‌شود. خودتنظیمی در اثر تنسيق یا تنظیم پتانسیل عاطفی و میل به تامین انتظارات اجتماعی براساس محاسبه عقلانی عملکرد به وجود می‌آید.

تعریف عملیاتی: آنچه که از تعریف نظری استنباط می‌شود، توجه به انتظارات اجتماعی همراه با محاسبه عقلانی می‌باشد که توسط معرف‌های انعطاف‌پذیری، بردباری و تحمل، قانون‌مداری و قبول مسئولیت مورد سنجش قرار گرفته است. توجه به سلايق متنوع، تحمل عقیده مخالف، عدم همنشینی خاص‌گرا، گذشت در اختلاف، توجه به

قانون و مقررات، مسئولیت در کار، نظم در امور و توانایی برقراری ارتباط از نشانه‌های خودتنظیمی است.

۶- کنش بر پایه عاطفی عام = در ارتباط ارگانیک با نظام اجتماعی و فرهنگ به بسط وابستگی‌های عاطفی به دیگران اشاره دارد که توسط نمادهای فرهنگی تعریف می‌شود. تمایل به کنش عاطفی تعمیم یافته جزو ابعاد نظم‌دهنده شخصیت می‌باشد. (همان)

تعریف عملیاتی: کنش عاطفی عام به وسیله معرف‌هایی نظیر: تعهد تعمیم‌یافته، دلبستگی عاطفی مورد سنجش قرار گرفته است. تعهد به جامعه، عدم خودخواهی، تعهد به هم‌نوع و انسان‌مداری، تعهد به وطن، تمایل به روابط، روحیه یاری‌رسانی، توجه به دیگران جزو نشانه‌های کنش بر پایه عاطفی عام می‌باشد.

الگوی مفهومی خانواده

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی است که از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن بر فرزندان و کیفیت آن از حیث تطابق بعدی فرد در جامعه دارای آثار وسیعی می‌باشد. بسیاری از جامعه‌شناسان و نیز روان‌کاوان عقیده دارند که رفتار اجتماعی در جامعه و خانواده، چگونگی برخورد والدین و به‌طور کلی تمام مکان‌هایی که نوجوان با آن‌ها در تماس است، می‌تواند در طرز تفکر و رفتار فرد مؤثر واقع شود و هر کدام تعلیمات خاصی را در نوجوان به‌وجود آورد.

درباره رابطه بین عملکرد خانواده و شخصیت نوجوانان دو دسته نظریه وجود دارد. در ابتدای دهه نود بین طرفداران گروه خوش‌بین و

گروه بدبین درباره نقش ساختار خانواده بر روی شخصیت و سلامت کودکان بحث شروع شده است. بلانکن هرن^۱ در اثرش به نام «دوباره سازی خانه، یک پیمانۀ جدید برای خانواده های آمریکایی»، اظهار داشته، که تغییرات اخیر در ساختار خانواده، نظیر آزادی زنان، گسترش آموزش و اشتغال زنان و... مفید بوده و دارای تأثیرات مثبت بر روی عملکرد پرورش فرزندان می باشد. (بلانکن هرن، ۱۹۹۰، ص ۲۴۰) درحالی که طبق نظر مخالفان، به هر حال تغییرات ساختاری رخ داده در خانواده، باعث افت قابل توجهی در میزان اجتماعی شدن فرزندان در خانواده شده است.

پوپینو^۲ (۱۹۸۸، ۱۹۹۳) در اثرش به نام سقوط خانواده، با اخذ رویکردی بدبینانه تغییرات ساختاری در خانواده را تحت عنوان «زوال خانواده» مطرح نموده است. به زعم وی از بارزترین نتایج تغییرات، افزایش طلاق، تک سرپرستی خانواده، پدیده مادرخواندگی و... می باشد که مجموعاً منجر به زوال خانواده شده است.

مطالعات ساستر و فریر^۳ (۲۰۰۰) نشان داد که احساس قوی تری در رشد شخصیت در نوجوانان با افزایش خشنودی از زندگی خانوادگی رابطه دارد، چنانچه این رضایت از زندگی همراه با افزایش خرسندی از کار یا تحصیل باشد، به سطوح بالاتری از رضایت از زندگی دامن می زند.

1- Blanken Horn
2- Popeneo.
1 -Saster & G.ferrier

در چارچوب مفهومی این مطالعه، ما نیز با اخذ رویکردی خوش‌بینانه، تاثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته را مفروض قرار دادیم. با توجه به توضیحاتی که در مورد نقش ساختار خانواده بر فرآیند اجتماعی شدن فرزندان داده شد، و نیز با اتکا بر مطالعاتی نظیر آنچه که ساستر و فریر انجام داده‌اند، یعنی رابطه میان رشد شخصیت و خشنودی از زندگی خانوادگی، ما نیز برای تبیین متغیر مستقل این مطالعه یعنی ساختار خانواده از تئوری فردریک لی‌پلی^۱ استفاده نمودیم.

لی‌پلی، معتقد است که خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی که بر همه ویژگی‌های مهم اجتماعی تاثیر دارد، طی فرآیند تولید و مصرف منابع در خانواده، بر رفتار اجتماعی فرد تاثیر می‌گذارد. چگونگی مواجهه خانواده با نیازهای مادی و غیرمادی فرد، معیاری برای عملکرد اجتماعی است. شناخت کیفیت پرورش فرد در خانواده، شاخص مهمی برای رفتار اجتماعی فرد تلقی می‌شود.

با این توضیحات قلمرو خانواده تحت عنوان کیفیت زندگی خانوادگی با شاخص‌های جهانی^۲ مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. لی‌پلی با استفاده از تئوری‌های اکولوژی انسانی، تئوری منبع و مبادله با این فرض اساسی که خانواده به عنوان یک منبع مهم مادی، معنوی و

2 -Fredrik Leepely.

1 -Global.

انرژی و اطلاعاتی است و این دنیامیک‌ها برای درک کلی تجربه انسانی مهم هستند، به تبیین نظریه خود پرداخته است.

کیفیت عملکرد خانواده بر اصلاح یا ترقی انسان متمرکز است و بر ویژگی خوب و رضایت‌بخش زندگی خانوادگی دلالت می‌کند. (ریتیچ و رانت، ۱۹۹۹، ص ۳۰۸)

در تئوری لی‌پلی از شاخص‌های واقعی و مفهومی استفاده شده است. شاخص‌های واقعی، میزان‌های غیرمستقیم رفاه شخصی هستند. زیرا آن‌ها اوضاع زندگی مردم و محیطی را که در آن زندگی می‌کنند نشان می‌دهد. شاخص‌های واقعی به جنبه‌های اقتصادی، فیزیکی، محیطی و اجتماعی دلالت دارد، درحالی‌که شاخص‌های مفهومی، درصدد اندازه‌گیری تجربه فردی (احساس) از زندگی می‌باشد. شخص، واحد تجزیه و تحلیل است و توسط او قلمروهای خانواده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

البته این مفاهیم بر تعریف نیازهای انسانی و نحوه برآورده شدن آن‌ها تمرکز دارد. تجربیات مفهومی شخص مرتبط با شرایط واقعی می‌باشند و بر پایه ارزش‌ها، استانداردها و آرزوها که تابعی از ساختار اجتماعی است، می‌باشد.

لی‌پلی در تئوری منبع، شش گروه از منابع را مشخص می‌کند که همه آن‌ها برای تأمین عملکرد مناسب خانواده، مورد نیاز هستند. منبع، هر وسیله یا سمبلی است که با رفتار بین فردی انتقال می‌یابد و به عنوان یک وسیله برای برآورده شدن مثبت یا منفی نیازها قابل دسترس می‌باشد، این منابع خانوادگی که در نحوه شکل‌گیری شخصیت فرزندان

در خانواده تاثیرگذار می‌باشند عبارتند از: عشق^۱، وضع اجتماعی^۲، اطلاعات^۳، پول^۴، لوازم^۵ و خدمات^۶.

در تئوری لی‌پلی، شش منبع یاد شده به‌طور پیوسته با یکدیگر مرتبط بوده، دارای ساختمانی دایره‌ای می‌باشند که بر دو پایه استوار می‌باشند: ۱- حالات سمبولیک ۲- حالات واقعی.

خدمات و ابزار، جزو منابع بسیار واقعی هستند، زیرا قابل لمس و درک تجربی می‌باشند، درحالی‌که وضع اجتماعی (منزلت) و اطلاعات، منابع بسیار سمبولیک هستند، زیرا به‌وسیله رفتارهای شفاهی منتقل می‌شوند.

عشق و پول در وسط این طیف قرار می‌گیرند، زیرا دارای هر دو شکل سمبولیک و واقعی می‌باشند.

منابع خانوادگی، تأثیرات مکملی بر یکدیگر دارند، مثلاً وجود عشق و دوستی بدون ارائه همزمان احترام، امری نادر است. رضایت و رفاه فرزندان در صورت بهره‌گیری مناسب از هر شش منبع در خانواده متصور می‌باشد. فردی که عشق یا دوستی را در خانواده مبادله نمی‌کند، حتی اگر منزلت یا وضع اجتماعی مناسبی را دریافت کند، که بطور منطقی رضایت بخش باشد، در مقایسه با وجود روابط عاطفی گرم، درجات پایین‌تری از رضایت خانوادگی را خواهد داشت. پول و ابزار

1 - Love.
2 - Status.
3 - Information.
4 - Money.
5 - Means.
6 - Service.

نمی‌توانند به‌طور رضایت‌بخشی جانشین نیاز به عشق، و وضع اجتماعی شوند. (ریتیج و رانت، ۱۹۹۹، صص ۳۱۱-۳۰۹)

لی پلی شرح می‌دهد که فرد در مبادله میان منابع به یک تعادلی می‌رسد، یعنی زمانی که در مورد منبعی با کمبود مواجه می‌شود، ممکن است، استفاده از منبع دیگر را به چند برابر برساند. انگیزه تبادل هر شخص، تابعی از تجربیات گذشته و حال وی می‌باشد. برای اینکه یک شخص انگیزه بالا برای دادن منابع یادشده داشته باشد، باید این منابع را از حداقل نیازهایش داشته باشد. تنها در این صورت است که شخص ممکن است ظرفیت ارائه منابع به دیگران و انگیزه کمتر برای گرفتن منابع از دیگران داشته باشد. در واقع خانواده مرجعی است که در آن ظرفیت‌های افراد به سطح قابل قبولی رسانده می‌شود. ظرفیتی که یک نفر برای دادن منابع دارد، تابعی از سطح برخورداری بالقوه‌ای است که خانواده در هریک از شش طبقه منابع، مالک آن است.

محیط اجتماعی نیز به عنوان سومین عامل مؤثر در تبادل، قابل توجه می‌باشد. منبع سمبولیک عشق و روابط عاطفی در روابط نزدیک و با دوام، امکان مبادله می‌یابد، و خانواده در این زمینه بی‌مانند است، زیرا گسترده‌ترین میزان منابع در آنجا مبادله می‌شود. وجود فضای خصوصی و برخوردهای مکرر، در مدت زمانی طولانی در خانواده میسر می‌باشد. ابزار، اطلاعات و پول علاوه بر خانواده در محیط‌های عمومی و موسسات آموزشی به‌گونه‌ای وسیع‌تر مبادله می‌شوند، زیرا آن‌ها نیازی به فضای خصوصی برای مبادله ندارند. (همان، ۳۱۵-۳۱۰ ص)

باتوجه به توضیحات ارائه شده، لی پلی فرض کرد که خانواده، هم منابع مادی و هم سمبولیک را برای اعضایش فراهم می‌کند تا به آنها برای مواجه شدن با انواع مختلف نیازهای شخصی کمک کند. میزان تأمین منابع از سوی خانواده به وسیله ارزیابی موثر شخص از محیط خانوادگی خود، بخصوص به وسیله سطحی که در آن خانواده با منابع مختلف مادی و سمبولیک، نیازهای شخصی را مرتفع می‌سازد، سنجیده می‌شود. در این مطالعه با استفاده از تئوری لی پلی، منابع شش‌گانه این تئوری را به عنوان معرف ساختار خانواده فرض نمودیم:

- عشق و محبت به عنوان نماینده ساختار عاطفی و روانی.
- احترام و منزلت به عنوان نماینده ساختار اجتماعی.
- خدمات، مالکیت و پول به عنوان نماینده ساختار اقتصادی.
- اطلاعات به عنوان نماینده ساختار فرهنگی.

لی پلی این منابع را با توجه به نیازهای اساسی انسان تدوین نموده است. همانگونه که مشهود است، جای ساختار سیاسی در این مجموعه خالی می‌باشد، اگرچه به زعم لی پلی میزان پر بودن ظرفیت‌های بالقوه فردی از این منابع شش‌گانه، تعیین‌کننده قدرت وی خواهد بود، ولی ما در طرح نظری این مطالعه، ساختار سیاسی خانواده را به وسیله مفهوم مدیریت و نیز نظرخواهی از فرزندان مورد سنجش قرار دادیم. فرض اساسی مبتنی بر ساختار خانوادگی رضایت‌بخش، بر آن استوار است که منابع، با نیازهای شخصی همه اعضای خانواده و بنابر یک عملکرد روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ظاهر شود.

تعاریف نظری و عملیاتی (خانواده)

- ۱- عشق: حالتی از توجه، محبت و گرمی و راحتی در روابط می‌باشد. (ریتیچ و رانت، ۱۹۹۹، صص ۳۴۲-۳۰۷)
- تعریف عملیاتی: در این مطالعه جهت سنجش مقیاس عشق در خانواده، از میزان انتقال محبت، علاقه به خانواده، تفاهم با خانواده، احساس لذت نوجوان از زندگی در خانواده، و گرمی روابط خانوادگی به عنوان معرف استفاده نمودیم.
- ۲- وضع اجتماعی: قضاوت راجح ارزشمندی است که احترام یا ارزش نسبت به فرد (منزلت) را منتقل می‌کند. (همان)
- تعریف عملیاتی: در این مطالعه وضع اجتماعی به وسیله میزان احترام نوجوان در خانواده و نیز اعتبار وی سنجیده شده است. احترام بزرگ‌ترها، مورد احترام بودن، مشارکت در تصمیم‌گیری، وجود آزادی قابل قبول، جزو نشانه‌های منزلت در خانواده می‌باشد.
- ۳- خدمات: فعالیت و تخصص غالباً یدی که اغلب در همیاری به کار می‌رود، دلالت بر انجام خدمت و کار برای دیگری دارد. (همان)
- تعریف عملیاتی: برای سنجش مقیاس خدمات در خانواده از معرف میزان حمایت خانواده از نوجوان و نیز ارزیابی نوجوان از درجه رفاه و آسایش در خانه استفاده نمودیم. کمک به خانواده، توجه والدین به فرزندان، حمایت والدین و عدم بی‌تفاوتی در خانواده، از نشانه‌های وجود خدمات در خانواده می‌باشد.

۴- اطلاعات: شامل: عقاید، باورها، نصایح، آموزش یا تنویر افکار می‌باشد. (همان)

تعریف عملیاتی: در این مطالعه برای سنجش مقیاس اطلاعات، وجود شرایط گفتمانی مناسب، یعنی وجود گفتگو به جای اجبار و فرصت آزاداندیشی و نیز شرایط واقعی، دسترسی به منابع مطالعاتی به عنوان معرف در نظر گرفته شده است. قبول رأی جمع، تنوع روش گفتگو، امکان مخالفت، ابراز اندیشه و دسترسی به منابع اطلاعاتی از نشانه‌های منبع اطلاعات مناسب در خانواده می‌باشد.

۵- ابزار: شامل محصولات، اشیا و مواد موردنیاز و قابل لمس می‌باشند. (همان)

تعریف عملیاتی: جهت سنجش مقیاس ابزار در خانواده، میزان مرتفع شدن نیازهای ابزاری و رضایت از ابزار و شکل مالکیت ابزاری نوجوان به عنوان معرف استفاده شده است. وجود امکانات نظیر اتاق خصوصی، دوچرخه، وسیله نقلیه خانوادگی، رایانه، از نشانه‌های منبع ابزار در خانواده می‌باشد.

۶- پول: هر سکه رایج یا پول اعتباری که دارای استانداردهای ارزشی در جامعه می‌باشد. (همان)

تعریف عملیاتی: درآمد خانواده، میزان پول در دسترس نوجوان و امنیت مالی در خانواده، به عنوان معرف‌های مقیاسی پول در نظر گرفته شده است. نبود مشکل مالی، امکان پس‌انداز، پول در دسترس برای

خرید لباس و وسایل، تناسب پول دریافتی با هزینه‌ها بیانگر وضع منبع پول در خانواده می‌باشد.

علاوه بر مفاهیم شش‌گانه تئوری لی پلی از مفهوم مدیریت در خانواده نیز برای سنجش ساختار سیاسی خانواده استفاده نمودیم.

۷- مدیریت: مطابق با تعریف چستر برنارد «مدیریت، همکاری دو یا چند نفر انسان برای نیل به هدف معین و مشخص می‌باشد». (پرهیزگار، ۱۳۷۲)

تعریف عملیاتی: برای سنجش بعد مدیریتی در خانواده، از معرف‌هایی نظیر شیوه تصمیم‌گیری و میزان اهمیت دادن به نظرات نوجوان، استفاده نمودیم.

الگوی مفهومی متغیرهای کنترل

مطالعه شخصیت، ابعاد متنوع و گسترده‌ی دارد. همان‌گونه که از عنوان طرح مشخص است، هدف از این مطالعه، تأثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته می‌باشد. اما همان‌طور که همگان می‌دانیم، عوامل متنوع و متعدد دیگری نیز بر رشد و شکوفایی شخصیت موثر می‌باشند. باتوجه به اینکه پژوهش دامنه وسیعی دارد و متغیرهای متعددی وجود دارند که البته از محدوده مطالعه خارج می‌باشند، کنترل چنین متغیرهایی ضروری می‌باشند. از طرفی باتوجه به اینکه حوزه مطالعه جامعه‌شناسی می‌باشد، بخشی از عوامل اجتماعی را که بر تکوین شخصیت موثر می‌باشند ولی در حوزه مطالعه قرار ندارند، مورد سنجش قرار داده‌ایم. تا با کنترل اثر هر یک، نقش خانواده در کنار سایر عوامل روشن گردد.

لذا در این مطالعه علاوه بر مطالعه خانواده و شخصیت، سه دسته دیگر از عوامل نظیر مدرسه، اوقات فراغت و گروه همسالان مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

مدرسه

تربیت افراد مسئول و متعهد، یکی از اهداف مهم نظام آموزشی می‌باشد. مدرسه به عنوان یک سازمان آموزشی و تربیتی، پس از خانواده، وظیفه سازماندهی به شخصیت نوجوانان را بر عهده دارد. این نقش تنها به انتقال دانش و مهارت منحصر نمی‌شود، بلکه دامنه تأثیر آن به ایجاد و تغییر نگرش‌ها، رفتارها، ارزش‌ها و هنجارها گسترش یافته، در نهایت درصد هم‌نوآوری نسل جوان با ارزش‌های اجتماعی می‌باشد.

امروزه آموزش به معنی قلمرو معینی از معرفت بشری است که از اجزای گوناگون به هم پیوسته تشکیل شده است. جامعه‌شناسان تأکید دارند که آموزش اساساً یک موضوع اجتماعی است و جنبه خاصی از یک پویای اجتماعی است، که اهداف آن همواره به ماهیت جامعه‌ای بستگی دارد که آموزش در آن صورت می‌گیرد.

یکی از کارکردهای آموزش، رشد و پرورش شخصیت کودکان به گونه‌ای است که برای عضویت در جامعه آماده می‌شوند. کنت معتقد بود که یکی از اهداف آموزش، تهذیب و اصلاح آن است. اذعان کنت بر اهمیت حیاتی عواطف در آموزش متمرکز بود. گابریل تارد، تأکید بر اهمیت عوامل محیط روانی اجتماعی در شکل دادن رفتار انسان داشته‌اند، و بر تأثیر آموزش بر شخصیت اشاره نموده‌اند. هربرت اسپنسر، با تأکید

بسیار بر کارکرد اجتماعی آموزش، به مشابهت ارگانیک بین فرد و اجتماع قائل بود. به زعم برخی روان‌شناسان، از مهم‌ترین کارکردهای آموزش سازگاری با زندگی گروهی و افزایش کارایی فردی می‌باشد، به‌گونه‌ای که مرتباً فواید اجتماعی را افزایش دهد. (روسک و وارن، ۲۵۳۵، ص ۳۱۶)

دیویی در این زمینه می‌نویسد: «از آنجا که در واقع رشد از هر چیز به غیر از رشد بیشتر، بالاتر است و نیز آموزش و پرورش از هر چیزی به غیر از آموزش و پرورش بیشتر، بالاتر است. لذا هدف از تعلیم و تربیت آموزشگاهی، تامین تداوم آموزش و پرورش از رده سازماندهی نیروها و توانایی‌هایی است که رشد را تامین و تضمین می‌کنند. تمایل به یاد گرفتن از خود زندگی و نیز تمایل به تنظیم شرایط زندگی به‌گونه‌ای که همه امور در فرایند زندگی فراگرفته شود، خود، عالی‌ترین محصول تحصیل است.» (دیویی، ۱۹۱۶، ص ۵۸)

یکی از قضایای رشد شخصیت مدرن، فرصت‌های فردی در ابعاد امکان آموزشی، شغلی، سیاحتی، گروهی و مادی می‌باشد. (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۹) «دسترسی به فرصت‌های آموزش رسمی، امکان جهش در سوگیری‌های ارزشی را برای شخص فراهم می‌نماید. لازم است به یاد آوریم، که انگاره‌های ارزشی در نظام خانواده عمدتاً خاص‌گرا، عاطفی و انتشاری است. درحالی‌که در سازمان رسمی مدرسه انگاره‌های ارزشی اساساً عام‌گرا، خنثی و ویژه هستند. انتظارات نقش‌های دانش‌آموز و معلم دارای همین سوگیری‌های ارزشی هستند. به‌علاوه کسب اطلاعات،

۶۱ ■ مروری بر ادبیات پژوهش ▶

دانش، مهارت و شناخت بیشتر از طریق آموزش رسمی به شخص کمک می‌نماید که افق هنجاری و نهادی خود را تعمیم بخشد و با تنسيق نمادی محیط و محاسبه دقیق‌تر، اهداف خود را در چارچوب کلی جامعه به صورت شفاف‌تر تدوین نماید. افزون بر این، آموزش رسمی یکپارچه، احساس عضویت در اجتماع جامعه‌ای را در فرد تلقین می‌کند، و به او اجازه می‌دهد تا احساس تعلق و تعهد خود را نسبت به آن تعمیم و تقویت نماید. با ایجاد و تقویت این احساس عضویت و تعلق است که شخص احساس تعهد عمومی^۱ به جامعه کل کسب می‌نماید». (تلخیص: چلبی، ۱۳۷۵، صص ۱-۲۴۰)

باتوجه به توضیحات ارائه شده برای سنجش تاثیر مدرسه بر شخصیت، اقدام به گزینش برخی از عوامل کرده‌ایم. وجود فرصت آموزشی و دسترسی به وسایل و امکانات مناسب را با طبقه‌بندی به دو گروه موسسات آموزشی: دولتی و غیرانتفاعی، مورد بررسی قرار داده‌ایم. فرض بر این است که فرصت‌ها و امکانات آموزشی در مدارس غیرانتفاعی در مقایسه با مدارس دولتی از کیفیت و کمیت بیشتری برخوردار باشد. این امر به وسیله معرف آموزش غیررسمی مورد سنجش قرار گرفت. تاثیر محیط مدرسه بر عام‌گرایی عاطفی و تعریض افق هنجاری نیز با معرف‌هایی نظیر عام‌گرایی عاطفی و تحرک محیطی مورد سنجش قرار گرفت.

1 - Public commitment.

امکان گروهی نیز جزو عوامل موثر بر رشد شخصیت مدرن می‌باشد. «مراد از این عنوان کلی، امکان تشکل گروهی به صورت داوطلبانه و عضویت در گروه به منظور شرکت در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه مختلف است. به تعبیری ساده‌تر، منظور از عنوان مزبور، امکان برقرار کردن «روابط انجمنی»^۱ و تداوم آن‌ها در عرصه‌های چهارگانه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است...». (همان، ص ۲۴۲)

انجمن‌های داوطلبانه، دارای کارکردها و اثرات بی‌شماری می‌باشند که در اینجا به برخی از آثار خرد آن اشاره می‌شود:

«۱- رایه فرصت اجتماعی به افراد برای عضویت در گروه‌های اجتماعی بیشتر.

۲- رایه فرصت اجتماعی جهت بسط روابط اجتماعی شبکه شخصی^۲ افراد.

۳- رایه فرصت اجتماعی برای فکرکردن و تدوین مسائل در عرصه عمومی براساس شیوه مجاب‌سازی.

۴- رایه فرصت اجتماعی برای ابراز عقیده و پیشنهاد راه‌حل در عرصه عمومی براساس شیوه مجاب‌سازی.

۵- رایه فرصت اجتماعی برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی براساس مجاب‌سازی.

۶- رایه فرصت اجتماعی برای رأی‌گیری، انتخاب شدن و انتخاب کردن در عرصه عمومی.

1 - Associational relationships.

2 - Personal community.

۷- رایۀ فرصت اجتماعی برای بالابردن تحمل اجتماعی در برخورد منطقی با سلايق، مسایل و راه‌حل‌های متفاوت براساس اصل مجاب‌سازی». (همان، ص ۲۴۳)

باتوجه به مراتب فوق انجمن‌های داوطلبانه نوعی آژانس جامعه‌پذیری خاص است که می‌تواند در تقویت و ترکیب ابعاد مختلف شخصیت موثر باشد. بنا به اهمیت و تاثیر نقش انجمن‌های داوطلبانه در رشد شخصیت، علاوه بر آموزش غیررسمی و فعالیت عام‌گرایانه، عضویت در گروه را به عنوان یکی دیگر از معرف‌های مقیاس مدرسه انتخاب نمودیم.

اوقات فراغت

واژه اوقات فراغت واژه‌ای جدید است که مربوط به دوره انقلاب صنعتی می‌باشد. جدا شدن کار از زندگی خانوادگی و طبقه‌بندی اوقات شبانه‌روز به زمان کار، استراحت و فراغت مربوط به این دوره می‌باشد. «عصری که پس از انقلاب صنعتی در تمدن بشری آغاز گردید، عصری که گروه‌های وسیع مردم را به کارهای منظم در محیط‌های معین واداشت، آن‌ها را وادار کرد قسمتی از ساعات شبانه‌روز خود را فقط به کار، آن هم با شرایط و ضوابطی که جامعه تعیین می‌کرد اختصاص دهند». (عمرانی، ۱۳۶۸، ص ۲)

امروزه نقش نحوه‌گذران اوقات فراغت بر پرورش و رشد شخصیت به‌روشنی ثابت شده است. در سال ۱۹۶۰ در کنفرانس بین‌المللی یونسکو که در مونترال برگزار شد، منشوری در زمینه تعلیم و تربیت و فعالیت و زندگی جوانان به تصویب رسید. در ماده ی ۴ این منشور آمده:

«باید جوانان را تشویق کرد که به شیوه‌ای درست و موثر از اوقات فراغت خویش بهره برند و به این کار عادت کنند. اوقات فراغت باید

وسيله تقويت نيروهاى خلاقه و قوه ابتكار جوانان باشد. عادت به استفاده موثر و مفيد از اين اوقات، سرمايه گرانبهايى براى دوران بعدى زندگى فعال جوانان فراهم خواهد آورد. براى كمك به استفاده سازنده و خلاق از اوقات فراغت جوانان، يونسكو در همين كنفرانس به فعاليتهايى مانند ترتيب سخنرانى، ايجاد نمايشگاههاى مربوط به فيلمهاى آموزشى، تحقيقى، اجتماعى، تفريحي، تنظيم مسافرتهاى فرهنگى و گردش علمى و تحقيقى و... تاكيد مى كند». (احسان نراقى، ۱۳۵۴، ص ۱۹۲)

يكى از اثرات بسيار اساسى اوقات فراغت بر رشد شخصيت، امكان سياحتى مى باشد:

«امكانات سياحتى به افراد اين اجازه را مى دهد تا تحرک فزيكى خود را افزايش دهند و از اين طريق با محيطهاى اثباتى، فرهنگى و اجتماعى در عرض جامعه آشنا شوند. اين خود، احتمال تعريض افق هنجارى و بسط عام گرايى را افزايش مى دهد. اين انتظار وجود دارد كه اگر امكانات سياحتى به عنوان جزئى از برنامههاى پرورشى نظام آموزش رسمى براى مقاطع مختلف تحصيلى فراهم گردد، به طورى كه دانش آموزان بتوانند به صورت دسته جمعى به اقصى نقاط جامعه سفر كنند و از نزديك با آداب و رسوم، هنر و سبك زندگى، خرده فرهنگها و اقوام مختلف جامعه آشنا شوند، در اين صورت از خودمحورى، قوممدارى و خاص گرايى آنها كاسته مى شود و در عوض مى آموزند و به اين باور مى رسند كه ديگران را در هر نقطه اى از جامعه به اصطلاح به يك چشم نگاه كنند. (چلبى، ۱۳۷۲، ص ۲۴۱)

باتوجه به توضيحات داده شده درمورد اهميت اوقات فراغت در پرورش شخصيت، در اين تحقيق اوقات فراغت را به وسيله معرفهاى تحرک مكاني و جنبه آموزشى - هنرى اوقات فراغت را مورد سنجش قرار داديم.

گروه همسالان

گروه همسالان جزو عوامل بسیار موثر در اجتماعی شدن می‌باشد. گر چه هدف عمده‌ی گروه همسالان همبازی شدن و سرگرمی است، اما اینگونه گروه‌ها پس از خانواده جزو موثرترین عوامل اجتماعی شدن می‌باشند. «از آنجا که گروه همسالان تقریباً همسن یکدیگرند و احساس برابری می‌کنند، معمولاً از معیارهای مشترکی که به اشخاص مسئول گروه مرتبط است پیروی می‌کنند. گروه همسالان به عنوان عامل اجتماعی ساختن، در دوران بلوغ به اوج اهمیت و تاثیر خود می‌رسد. در این هنگام، کسب محبوبیت و موردپسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان می‌شود و پذیرش ارزش‌های گروه همسالان به‌طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه کمک می‌کند. (توسلی، فاضل، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱)

مطالعات زیادی درباره‌ی تاثیر گروه همسال با شخصیت نوجوانان شده است. هرنزل و اردلی (۱۹۹۴) نشان دادند که پذیرش همسال و ایجاد دوستی با رفتار اجتماع پسند مرتبط است و عدم پذیرش همسال نیز منجر به رفتار ضداجتماع می‌شود. نتایج تحقیقات آفر و گارسون (۱۹۷۷) نیز نشان داد که پذیرش گروه همسال بر رشد خودپنداره مثبت در شخصیت کودکان مؤثر است. (آفر و گارسون، ۱۹۷۷، ص ۵۹۵)

پذیرش همسال بر کنش عاطفی عام نیز موثر می‌باشد، زیرا جوانان که دارای شبکه روابط دوستی می‌باشند، بر هدف‌هایی که بیشتر دوستانه است تاکید می‌کنند، لذا رفتارهای اجتماع‌گرایانه در آنها بیشتر رشد می‌کند. مطالعات درباره‌ی نقش همسالان در سازش اجتماعی نشان داده که عدم سازش با همسالان و طرد همسال منجر به پرخاشگری و خصوصاً پرخاشگری کلامی می‌گردد. (فلومن و دوج، ۱۹۸۷، ص ۲۱۱)

باتوجه به توضیحات ارائه شده، چنانچه درصدد یافتن تاثیرات مثبت گروه همسالان بر رشد شخصیت باشیم، می‌بایست بر عواملی نظیر پذیرش همسال و نقش آن در سازگاری اجتماعی و کنش عاطفی تعمیم یافته تاکید بنماییم. لذا برای سنجش این مفهوم، از معرف تناسب همسالان استفاده نمودیم. وجود دوستان زیاد، وجود رابطه مثبت با دوستان، انجام فعالیت‌های مشترک و نزدیکی ایده‌آل‌های نوجوان با گروه همسال خود می‌تواند بیانگر تاثیر مثبت بر شخصیت وی باشد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای کنترل

۱- **مدرسه:** مدرسه نهادی است که در آن یک نظام تربیتی، دارای کارکردهای متنوع آموزشی و پرورشی پیاده می‌شود. در این مطالعه سنجش کارکرد پرورشی مدرسه به وسیله معرف‌های آموزش غیررسمی، تحرک مکانی و عضویت در گروه مورد سنجش قرار گرفته است.

تعریف عملیاتی: در این مطالعه منظور از آموزش غیررسمی، وجود کلاس‌های فوق برنامه آموزشی، وجود امکانات تفریحی و سیاحتی و امکان عضویت در گروه از طریق عضویت در انجمن‌های علمی، ادبی، تحقیقاتی، فرهنگی و هنری می‌باشد. در مدرسه عام‌گرایی عاطفی از طریق انجام فعالیت‌های انسان‌دوستانه و مشارکت و همیاری در کمک به فقرا، جنگ‌زدگان، سیل‌زدگان و غیره صورت می‌گیرد.

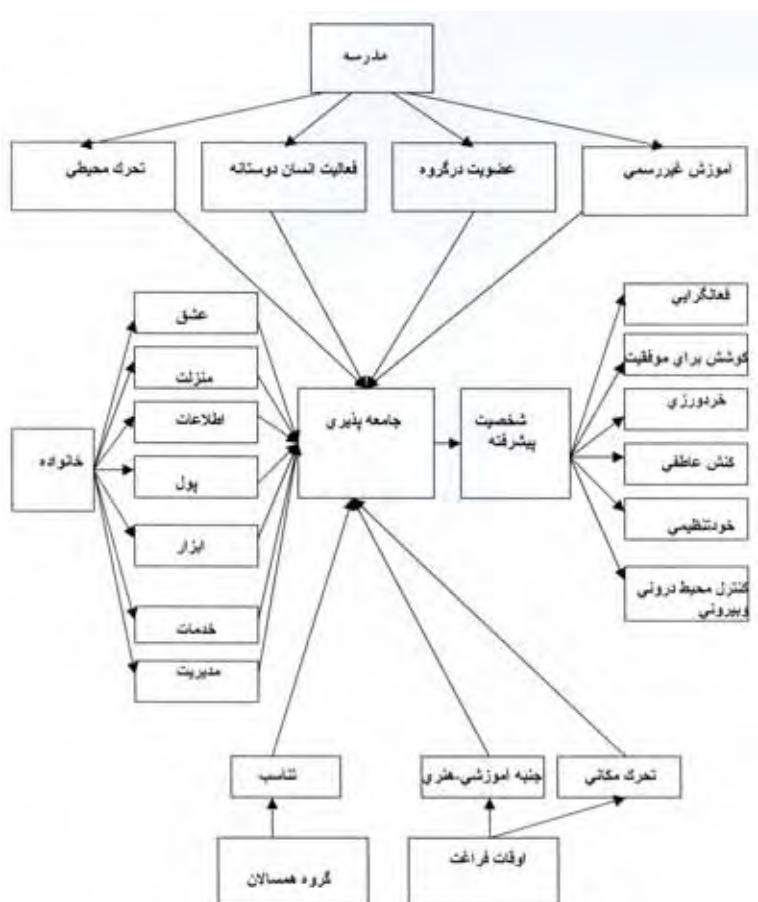
۲- **اوقات فراغت:** گذران اوقات فراغت به مجموع فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که شخص پس از رهایی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آن‌ها می‌پردازد و غرضش استراحت و تفریح همراه با توسعه دانش خود یا به کمال رساندن شخصیت خویش یا به

ظهور درآوردن استعدادها، خلاقیت‌ها و بالاخره بسط مشارکت آزادانه اجتماعی است. (جمشید بهنام، ۱۳۴۸، ص ۲۹۲)

تعریف عملیاتی: در این مطالعه گذران اوقات فراغت به وسیله معرف‌هایی نظیر تحرک مکانی که عبارت است از مسافرت به خارج شهر یا کشور، و جنبه آموزشی - هنری که شامل مراجعه به کتابخانه و یا سینما و انجام مطالعه در فراغت می‌باشد مورد سنجش قرار گرفته است.

۳- همسالان: گروه همسالان جزو عوامل بسیار مؤثر در اجتماعی شدن فرد است. گرچه هدف عمده این گروه‌ها، هم‌بازی شدن و سرگرمی می‌باشد، اما پس از خانواده جزو مؤثرترین عوامل در تکوین شخصیت می‌باشند.

تعریف عملیاتی: برای بررسی نقش همسالان بر تکوین شخصیت از معرف تناسب بادوستان استفاده نمودیم، که در آن داشتن دوستان ایده‌آل، شکل روابط و نیز داشتن آرزوها و امیال و فعالیت‌های مشترک، رابطه مثبت، تعدد دوستان و تایید آن‌ها توسط خانواده مدنظر می‌باشد. حال با توجه به متغیرهای شخصیت، خانواده، مدرسه، همسالان، اوقات فراغت، معرف‌ها و شاخص‌های مربوط با رایه مدل پژوهشی روابط بین این متغیرها نشان داده می‌شود.



نمودار ۲- مدل پژوهشی تاثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته

فصل دوم:

روش‌شناسی پژوهش

مقدمه

در این فصل به بحث درباره روش‌های به‌کار گرفته شده و جمع‌آوری داده‌ها پرداخته می‌شود. ابتدا به تعریف و تعیین جامعه و نمونه آماری و روش‌های نمونه‌برداری اشاره می‌شود، تعاریف نظری و عملیاتی و مقیاس‌بندی، اعتبار و روایی، واحد تحلیل و سطح تحلیل، روش تحلیل داده‌ها و تحلیل‌های آماری مورد استفاده پرداخته می‌شود.

جامعه آماری

باتوجه به اینکه موضوع مورد مطالعه، تاثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته می‌باشد، حساسیت زیادی در تعیین جامعه آماری برمی‌انگیزد. از طرفی باتوجه به اهمیت سنجش خانواده، جامعه آماری باید موجد صفت زندگی با والدین باشد، لذا فرزندان خانواده به عنوان جامعه آماری لحاظ می‌شوند. از طرفی از آنجایی که هدف تحقیق، سنجش شخصیت پیشرفته می‌باشد، انتخاب سن مورد نظر درمورد جامعه آماری اهمیت خاص می‌یابد. از یک‌سو باتوجه به تئوری‌های شخصیت و مراحل مختلفی که در تکوین شخصیت توسط نظریه پردازان آورده شده، نیازمند انتخاب محدوده سنی‌ای به گونه‌ای بودیم که پوشش‌دهنده اهداف پژوهشی باشد. به زعم پارسنز «نوجوانی مرحله بحرانی در مسیر

رشد شخصیت است. گستردن جهان خارج از خانواده و روی هم انباشتن تجربیات تازه در محیط‌هایی است که امکان ورود به آنها اکنون فراهم شده است و درونی کردن تدریجی ارزش‌های مربوط به بزرگسالان...» (گی‌روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵)

سن نوجوانی که در آن فرزندان به سمت استقلال نسبی پیشرفته، پیش رفته روابط خارج از خانواده تأثیر قوی‌تری پیدا می‌کنند، برای مطالعه تأثیرات بیرون از خانواده بر شخصیت، حائز اهمیت می‌باشد. از طرفی باتوجه به اینکه پرسشنامه سنجش شخصیت از نظریه مونچ استنباط و مفاهیم مورد نظر در این نظریه و نحوه و محتوای پرسش‌ها و گویه‌ها ایجاب می‌کرد که پاسخ‌گو واجد بلوغ ذهنی مناسب برای درک چنین مفاهیمی باشد و نیز باتوجه به محدودیت زمانی و مکانی و محدودیت‌های لجستیکی که محقق را مجبور به محدود کردن دایره مطالعه میدانی می‌نمود، تصمیم گرفته شد که از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی به عنوان جامعه آماری استفاده نماید. این انتخاب این حسن را داشت که به مطالعه مدرسه به عنوان متغیر کنترل نیز پرداخته شود. لذا جامعه آماری این تحقیق عبارت است از نوجوانان دختر و پسر که در سال سوم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) در دبیرستان‌های تهران اشتغال به تحصیل دارند.

روش نمونه‌گیری

باتوجه به جامعه آماری مورد نظر، با مراجعه به دفتر فن‌آوری اطلاعات آموزش و پرورش استان تهران اقدام به جمع‌آوری اطلاعات آماری در سطح دبیرستان‌های تهران نمودیم. ابتدا آمار کلی دانش‌آموزان

مناطق نوزده‌گانه تهران، که البته این اطلاعات حاوی نسبت جنسی، نوع مدرسه برحسب دولتی یا غیرانتفاعی بودن و نیز تفکیک بر حسب رشته تحصیلی بود.

از آنجایی که یکی از مهمترین اهداف محقق در انجام نمونه‌گیری، انتخاب مواردی براساس دانش به قضاوت و یا تصادف به‌گونه‌ی است که نمونه درمجموع معرف جمعیت موردنظر باشد، نیاز به یک استراتژی برای انتخاب خوشه‌هایی از مناطق ۱۹گانه تهران احساس می‌شد.

باتوجه به اینکه یکی از متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق، منطقه مسکونی بود که بیانگر تاثیر طبقه اجتماعی خانواده محسوب می‌شود، بر آن شدیم که انتخاب خوشه‌ها، پوشش‌دهنده طبقات مختلف جامعه نیز باشد.

لذا در ابتدا با اخذ روش غیراحتمالی انتخاب قضاوتی که «مبتنی بر انتخاب سنجیده و واحدها به طریقی است که هر یک معرف بخشی از جمعیت باشد» (سرایبی، ۱۳۷۲، ص ۱۲) منطقه ۱ آموزش و پرورش را به عنوان نماینده طبقه بالا و منطقه ۶ را به عنوان نماینده طبقه متوسط و منطقه ۱۹ را به عنوان نماینده طبقه پائین جامعه انتخاب نمودیم.

پس از انتخاب سه منطقه یاد شده، نیازمند انتخاب نمونه‌ای از افراد داخل آنها برای مشاهده بودیم. بنابراین مرحله دوم، انتخاب مدارس داخل منطقه بود که با کمک لیست‌هایی که توسط مناطق موردنظر در اختیارمان قرارگرفت، و حاوی نام دبیرستان‌ها، اعم از دولتی یا غیردولتی بودن، دخترانه یا پسرانه بودن و آدرس و تلفن آنها بود صورت گرفت. با توجه به اینکه زمان مطالعه میدانی در فصل تابستان بود، مشکل اساسی

در یافتن دانش‌آموزان، ایجاب می‌کند که مدارس را که دارای کلاس‌های فوق برنامه تجدیدی، تقویتی و پایگاه‌های تابستانی بودند مد نظر قرار دهیم. از طرفی باتوجه به اینکه این مدارس در مناطق پایین، بخصوص در آن زمان بیشتر واجد دانش‌آموزان با سطح تحصیلی و آموزشی پایین بود که سبب می‌شد انحراف دریافته‌ها را ایجاد کند، لذا با اخذ روش تصادفی تا حد امکان به اغلب مدارس مناطق که در زمان ثبت‌نام دانش‌آموزان مورد مشاهده، بسته به شانس، در نمونه لحاظ می‌شدند که اگر چه موجب طولانی شدن زمان جمع‌آوری پرسش‌نامه گردید، ولی به قیمت افزایش اعتبار داده‌ها ختم شد. بنابراین انتخاب دانش‌آموزان در این مرحله به گونه‌ای تصادفی انجام شد.

بخش دیگر نمونه‌گیری انتخاب دانش‌آموزان به گونه‌ای بود که نسبت جنسی در آن رعایت شود، لذا مجبور به انتخاب روش سهمیه‌ای بودیم، زیرا «در نمونه‌گیری سهمیه‌ای^۱ سعی می‌شود ساختار نمونه، مشابه ساختار جمعیت باشد. لذا برای مؤلفه‌های این ساختار، سهمیه‌هایی متناسب با حجم آنها در نظر گرفته می‌شود». (سرای، ۱۳۷۲، ص ۱۲)

در این مرحله با محاسبه تعداد کل دانش‌آموزان در مقطع مورد نظر، تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر بسیار نزدیک به هم بودند. به هر حال باتوجه به داشتن آمار دختران و پسران در این سه منطقه پس از محاسبه حجم نمونه که در بخش مربوطه توضیح داده می‌شود و محاسبه نسبت فراوانی دختر و پسر در هر منطقه، اقدام به پر کردن پرسش‌نامه بر حسب

1 - Quota Sampling.

این تعداد نمودیم. بنابراین روش نمونه‌گیری در مرحله سوم برای انتخاب نسبت جنسی در مناطق، روش سهمیه‌ای بود.

حجم نمونه

حجم نمونه بستگی به دو عامل دارد: «اول هزینه‌ای که برای تحقیق در نظر گرفته شده و دوم قابلیت اعتماد و اطمینانی که برای دقت نتایج مورد نظر است». (منصوری فر، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷)

بنابراین در برآورد حجم نمونه ابتدا باید برآوردی از دقت احتمالی مطلوب، چه به صورت اشتباه استاندارد و چه به صورت فاصله اطمینان، در دست باشد. پس از آن است که می‌پرسیم: برای رسیدن به این دقت احتمالی در این طرح نمونه‌ای معین، نمونه باید حدوداً شامل چند واحد باشد؟ پس از برآورد دقت احتمالی مطلوب، با استفاده از فرمول مناسب برآورد حجم نمونه را به دست می‌آوریم.

در این مطالعه برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که در آن مقدار n ، ۳۸۰ نفر به دست آمد.

در مرحله بعد با توجه به روش سهمیه‌ای، تعداد دختران و پسران هر منطقه به شکل روبرو محاسبه شد:

جدول (۳) محاسبه حجم نمونه

منطقه	تعداد کل دانش آموزان	تعداد بر حسب جنسیت		نسبت جنسی به دست آمده در حجم نمونه		حجم نمونه
		پسر	دختر	پسر	دختر	
هریک از مناطق	منطقه					
۱	۹۸۵۴	۴۷۱۶	۵۱۳۸	۷۹/۹	۷۳/۳	۱۵۳/۲
۶	۹۳۵۲	۵۰۱۸	۴۳۳۴	۶۷/۴	۷۸	۱۴۵/۴
۱۹	۵۲۲۲	۲۳۱۹	۲۹۰۳	۴۵	۳۶	۸۱
جمع کل	۲۴۴۲۸	۱۲۳۷۵	۱۲۰۵۳	۱۹۲/۳	۱۸۷/۳	۳۷۹/۶ ~ ۳۸۰

پس از انجام محاسبات فوق و به دست آوردن حجم نمونه، در هر یک از مناطق یک و شش و نوزده و نیز حجم نمونه بر حسب جنسیت در این مناطق، علاوه بر روند نمودن ارقام به سبب انجام روش *test.R.test* جهت اخذ پایایی بیرونی، نهایتاً ۴۲۰ پرسش نامه توزیع گردید، که ۳۸۰ مورد آن متناسب با نوع نمونه گیری و ۴۰ مورد بعدی در دو مرحله از بیست نفر دانش آموز تست انجام گرفت.

واحد تحلیل

در این مطالعه، واحد تحلیل فرد یا فرزند خانواده است که در محیط مدرسه انتخاب شدند و با توجه به شرایط پژوهش، در سال سوم دبیرستان (پیش دانشگاهی) اشتغال به تحصیل دارند که البته دارای میانگین سنی ۱۷ سال می باشند.

سطح تحلیل

در کلی ترین حالت سطح تحلیل مطالعه تاثیر خانواده بر شخصیت، نوجوانان ۱۷ ساله تهرانی می باشد. در مرحله بعد سطح تحلیل به مناطق سه گانه یاد شده اختصاص می یابد.

ابزار سنجش

در این تحقیق، جهت اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته و کنترل موجود در طرح پژوهشی، از روش پیمایشی و پرسش‌نامه کتبی استفاده شد. وسیله اندازه‌گیری متغیرها و جمع‌آوری داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه می‌باشد، که در آن سنجش شخصیت به وسیله شش مقیاس فعال‌گرایی، خردورزی، کنش عاطفی عام، کنترل محیط درونی و بیرونی، خودتنظیمی و کوشش برای موفقیت صورت می‌گیرد و متغیر خانواده به وسیله هفت مقیاس عشق، منزلت، خدمات، اطلاعات، پول، ابزار و مدیریت مورد سنجش قرار می‌گیرد. همچنین سه مقیاس مربوط به مدرسه، همسالان و اوقات فراغت متغیرهای کنترل این مطالعه را شامل می‌شوند.

مقیاس‌های مزبور با استفاده از منابع موجود در تحقیقات گذشته، پرسش‌نامه‌های مختلف و خصوصاً در بخش شخصیت، با استفاده از مقیاس‌های مربوط به پرسشنامه شخصیت آقای دکتر چلبی و همچنین با اضافه نمودن متغیرهای جمعیت شناختی پرسشنامه اولیه تهیه گردید که این پرسش‌نامه ابتدا با روش انجام مصاحبه‌ای، به وسیله هشت دانش‌آموز واجد شرایط تست گردید. این کار برای اصلاح مفهومی انجام گردید. پس از اطمینان از قابل درک بودن نسبی مفاهیم و انجام مراحل (روایی و اعتبار) در نهایت پرسش‌نامه مزبور شامل ۷۸ سؤال که با احتساب طیف‌های مختلف، مجموعاً شامل ۱۲۸ گویه می‌شد، ابزار نسبتاً مناسبی برای این مطالعه شد.

در این تحقیق پرسش‌نامه شامل پرسش‌های باز، چندگزینه‌ای و دوگزینه‌ای می‌باشد. در بخش مقیاس‌ها، سؤالات غالباً پنج گزینه‌ای می‌باشند. پرسش‌نامه حاوی سوالاتی است که در سطوح سنجش (اسمی،

رتبه‌ای، فاصله‌ای) قابل سنجش می‌باشد. در طراحی پرسش‌نامه سعی گردید از روش کیفی استفاده شود و سؤالات راحت‌تر و آسان‌تر در ابتدا آورده شود. نداشتن نام و نشانی در پرسش‌نامه به دانش‌آموزان اعتماد نسبی برای پاسخ‌گویی به سؤالات خصوصی را فراهم می‌آورد.

اعتبار^۱

اعتبار به پاسخ به این سؤال می‌پردازد که آیا واقعاً همان چیزی را می‌سنجیم که قصد سنجش آن را داریم؟ باتوجه به اینکه اعتبار سنجش بر تطابق مفهوم با معرف‌های تجربی سنجش آن بستگی دارد، در اعتبار سعی می‌شود به تعیین همبستگی بین مفهوم و معرف‌های منتخب برای سنجش اقدام شود. روش فنی آن رسیدن از نظریه به متغیرهای اصلی و از آن به معرف‌ها می‌باشد، (طی کردن درخت انتزاع). باتوجه به اینکه از نظریات خاص (مونچ و لی‌پلی) استفاده شد، در ساختن گویه‌ها نیز همین نظریه‌ها عملیاتی شدند و سپس با استفاده از روش اعتبار صوری^۲ ابتدا با کسب نظر اساتید و سپس کسب نظر تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد اعتبار مقدماتی حاصل گردید. در مرحله بعد، پس از جمع‌آوری اطلاعات و پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش تحلیل عامل، برای تجزیه به مؤلفه، اقدام به تست مجدد اعتبار پرسش‌نامه گردید، که خوشبختانه معرف‌های مربوط به مفاهیم و متغیرهای تحقیق بسیار نزدیک به همان اعتبار اولیه بودند که البته اختلافات بعدی نیز مبنای اصلی مطالعه قرار گرفت.

1 - Validity.

2 - Face validity.

روایی^۱

ساده‌ترین تعریف پایایی عبارت است از میزان همسانی نتایج سنجش مکرر (کارمینز و زیلر، ۱۹۷۹، ۱). برای پایایی دو مرحله سنجش انسجام درونی پرسش‌نامه و سنجش انسجام بیرونی پرسش‌نامه صورت می‌گیرد. برای سنجش انسجام بیرونی پرسش‌نامه، می‌توان از روش پیش‌آزمون^۲ یا از روش آزمون باز آزمون^۳ استفاده نمود. در این پژوهش، پیش‌آزمون به روش معمول صورت نگرفت، اگر چه پرسش‌نامه‌های اولی که مربوط به منطقه^۴ ۱۹ بود پس از جمع‌آوری مورد آزمون قرار گرفتند و آلفای قابل قبولی داشتند، ولی برای اطمینان از صحت انسجام بیرونی از روش آزمون باز آزمون استفاده گردید. برای این کار به تعداد ۲۰ نفر از دانش‌آموزان پرسش‌نامه داده شد و پس از یک ماه به همان افراد مجدداً پرسش‌نامه داده شد. سپس اطلاعات مربوط به مرحله اول به عنوان یک متغیر وارد برنامه‌ی (SPSS)^۴ گردید و اطلاعات مربوط به مرحله‌ی دوم نیز به عنوان متغیر دوم وارد گردید. با استفاده از روش مقایسه میانگین با معنادار نبودن این آزمون نتیجه گرفته شد که میان میانگین‌های دو متغیر (پاسخ‌گویی) تفاوت معناداری وجود ندارد و به عبارتی واریانس‌های دو گروه تفاوت معناداری ندارند. همچنین برای به‌دست آوردن روایی درونی^۵ از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید.

1 - Reliability.

2 - Pre_test.

3 - Test.R.Test.

4 - SPSS. Statistical Package For Social Science

1 - Internal Consistency.

روایی درونی این پرسش‌نامه با ۷۸ سؤال و ۱۲۸ آیتم، به صورت زیر به دست آمد:

Reliability coefficients ۱۲۸ item

$$\text{Alpha} = ۰/۷۳۳۵ \quad \text{Standardized item alpha} = ۰/۹۱۶۲$$

که آلفای استاندارد شده (۰/۹۱) بیانگر وجود روایی بالا و قابل قبول این پرسش‌نامه می‌باشد.

کدگذاری و استخراج داده‌ها

پس از پر شدن پرسش‌نامه‌ها برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم، و تهیه جدول مادر، کلیه پرسش‌نامه‌ها مورد بازبینی قرار گرفتند و پرسش‌نامه‌هایی که ناقص تکمیل شده بودند از رده خارج شدند. با توجه به اینکه تعداد پرسش‌نامه‌های تهیه شده بیش از حجم نمونه محاسبه شده بود، مشکلی در این زمینه به وجود نیامد. پس از کدگذاری، اطلاعات وارد برنامه^۱ گردید.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و تحلیلی، انجام شد. در بخش توصیفی با تحلیل یک متغیری و با توجه به سطوح سنجش از انواع شاخص‌های گرایش مرکزی نظیر (میانگین، میانه، نما) و پراکندگی (واریانس، انحراف معیار، انحراف استاندارد) استفاده گردید. برای تعیین نوع توزیع پاسخ‌ها از هیستوگرام نیز استفاده گردید.

در بخش تحلیلی از انواع تحلیل دومتغیره و چند متغیره استفاده گردید. تحلیل دومتغیره برای آزمون فرضیه‌ها که با توجه به سطوح

۷۹ ■ روش‌شناسی پژوهش ▶

سنجش از آزمون‌های (تاوولی و سی‌کندال، اسپیرمن، پیرسون) استفاده شد. و در تحلیل چند متغیره از روش رگرسیون و نیز در نهایت برای آزمون مدل تحقیق از تحلیل مسیر استفاده شد. مقدمه انجام چنین روش‌هایی، شاخص‌سازی، عامل‌بندی نهایی، مدل‌سازی‌های پژوهش می‌باشد.

فصل سوم یافته‌های پژوهش

الف - توصیف متغیرها

توصیف وضعیت منابع در خانواده‌های تهرانی

نمره عمومی خانواده

متغیر مستقل در این مطالعه ساختار خانواده می‌باشد که به وسیله مقیاسی که در آن هفت معرف: عشق، اطلاعات، منزلت، پول، مهارت، ابزار و مدیریت مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر خانواده در سطح سنجش فاصله‌ای حاصل مجموع نمرات هفت معرف یاد شده می‌باشد. متغیر خانواده در پنج طبقه عمومی گروه‌بندی گردید که شامل نمرات بسیار پایین تا بسیار بالا می‌باشد. منحنی خانواده با کمی چولگی به سمت راست، بیانگر وجود شرایط خانواده در جامعه آماری به سمت نمرات پایین می‌باشد. بیشترین فراوانی با ۵۰ درصد شامل خانواده‌هایی می‌باشد که امتیازات به دست آمده از مجموع نمرات هفت معرف: عشق، منزلت، ابزار، خدمات، اطلاعات، پول و مدیریت در محدوده پایین قرار دارند. ۲۷/۳ درصد از خانواده‌ها واجد امتیازاتی در محدوده متوسط می‌باشند و ۴/۹ درصد از ایشان در سطح بسیار پایین قرار داشته، تنها ۱/۴ درصد از خانواده‌های پاسخ‌گویان در زمینه تأمین هفت معرف یاد شده، دارای وضع خوب و بسیار خوب می‌باشند. بنابراین اطلاعات به

دست آمده در زمینه شرایط خانواده‌ها دارای چشم‌انداز روشنی در رابطه با معرف‌های این مطالعه نمی‌باشند.

منزلت

منزلت یکی از معرف‌های متغیر خانواده می‌باشد. منزلت به‌وسیله‌ی طیفی با (۵) گویه در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفت. با توجه به روش نمره‌دهی به طیف مربوطه، میانگین نمرات منزلت در محدوده متوسط و بالاتر قرار دارد، یعنی وضع منزلت نوجوانان به‌طور متوسط در خانواده‌ها در محدوده متوسط تا بالا قرار دارد و ایشان از احترام نسبی در محیط خانواده برخوردار می‌باشند.

عشق

مفهوم عشق به‌وسیله طیفی با شش گویه در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

با توجه به نحوه امتیازدهی به معرف عشق میانگین مربوطه در محدوده بالا قرار دارد. و این بیانگر آن است که در خانواده‌ها منبع عشق و محبت و علاقه به خوبی مبادله می‌شود. از آنجایی که یکی از مهمترین کارکردهای خانواده‌ها عشق و صمیمیت می‌باشد، از این جهت خانواده‌های موجود دارای وضعیت نسبتاً مناسبی می‌باشند.

ابزار

مفهوم ابزار به‌وسیله‌ی طیفی با (۱۱) گویه در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

میانگین مربوط به وضعیت ابزار در خانواده بیانگر آن است که به طور متوسط خانواده‌های موجود، ابزار و امکانات مورد نیاز نوجوانان را در سطحی بین پایین و متوسط تأمین می‌نمایند. از جهت در دسترس بودن ابزار و امکانات مورد نیاز به طور متوسط نوجوانان دارای محدودیت نسبی می‌باشند. این درحالی است که آزمون مقایسه میانگین این معرف در مناطق سه‌گانه معنادار می‌باشد، یعنی ابزار و امکانات در منطقه یک وضع مناسب‌تری در مقایسه با سایر مناطق دارد و منطقه نوزده دارای بیشترین محرومیت می‌باشد.

اطلاعات

مفهوم اطلاعات به وسیله طیفی با (۷) گویه در سطح فاصله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت.

نحوه امتیازدهی به این طیف بیانگر آن است که میانگین به دست آمده در محدوده متوسط قرار دارد، یعنی وجود گفتگو در خانواده و وجود منابع اطلاعاتی نظیر کتاب، مجله و...، آزادی اندیشه برای نوجوانان در خانواده‌های جامعه آماری به طور نسبی وجود دارد.

خدمات

مفهوم خدمات یکی از معرف‌های متغیر خانواده می‌باشد که به وسیله طیفی با (۵) گویه مورد سنجش قرار گرفت.

میانگین مربوط به خدمات در خانواده بیانگر وجود امکانات حمایتی و تیمارگری در خانواده می‌باشد که در محدوده میانی متوسط و بالا قرار

دارد، یعنی نوجوانان از حمایت خانواده در مواقع مورد نیاز و تأمین رفاه و آسایش نسبی در حد متوسط متمایل به بالا برخوردار می‌باشند.

پول

پول یکی دیگر از معرف‌های متغیر خانواده می‌باشد که به وسیله طیفی با (۴) گویه در سطح سنجش فاصله‌ای مطالعه گردید.

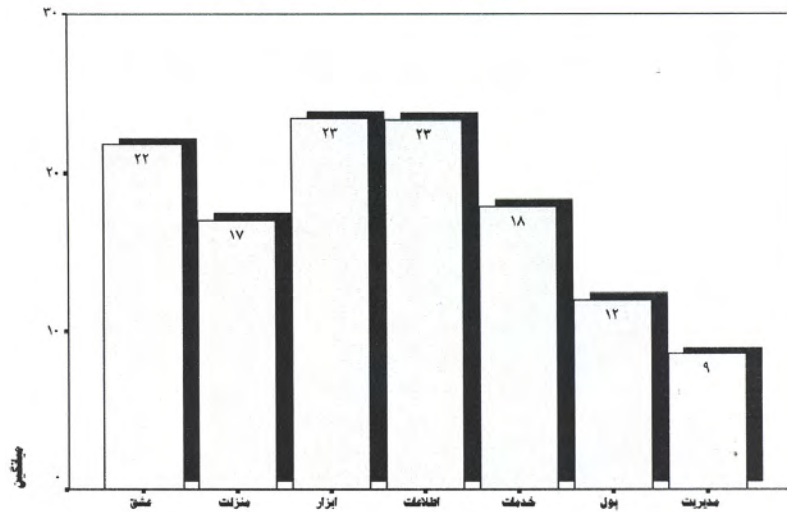
داده‌ها بیانگر آن است که میانگین وضعیت تأمین پول نوجوانان توسط خانواده در محدوده متوسط قرار دارد. و خانواده‌ها به‌طور نسبی پول مورد نیاز نوجوانان را تأمین می‌نمایند، اگرچه در مقایسه میان مناطق سه‌گانه وضع نوجوانان منطقه ۱ در مقایسه با سایرین بهتر می‌باشد.

مدیریت

مدیریت به عنوان یکی از معرف‌های خانواده به وسیله دو سؤال مورد سنجش قرار گرفت.

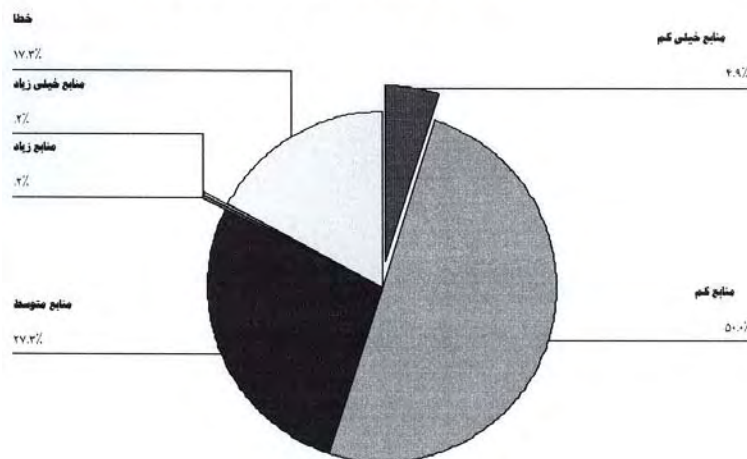
مدیریت، بیانگر شیوه تصمیم‌گیری در خانواده می‌باشد. هرچه خانواده دارای شیوه مدیریت دمکراتیک‌تری باشد دارای امتیاز بالاتری نیز می‌باشد. میانگین امتیاز مدیریت در جامعه آماری بیانگر وجود وضع موجود در محدوده امتیاز بالا و متوسط می‌باشد، یعنی به‌طور متوسط ارزشیابی شیوه تصمیم‌گیری و میزان اهمیت به نظر و رأی نوجوانان در خانواده در نزد پاسخ‌گویان در سطح بالا خوب ارزیابی شده است.

نمودار ۴ مقایسه بینگین منبع موجود در خانواده های تهرانی



توصیف وضعیت شخصیت نوجوانان تهرانی

نمودار (۵) فراوانی خانواده های تهرانی بر حسب پر خورده‌اری از منبع



نمره‌ی عمومی شخصیت

متغیر وابسته در این مطالعه شخصیت پیشرفته می‌باشد که براساس تئوری مونچ به‌وسیله‌ی شش معرف فعال‌گرایی، کوشش برای موفقیت، خردورزی، کنش بر پایه عاطفی عام و کنترل محیط درونی و بیرونی و خودتنظیمی مورد سنجش قرار گرفت.

متغیر شخصیت حاصل جمع داده‌های مربوط به این شش معرف می‌باشد که در سطح سنجش فاصله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت.

برای توصیف بهتر متغیر شخصیت مجبور به طبقه‌بندی آن شدیم، که شخصیت نیز در ۵ گروه با نمرات بسیار پایین تا بسیار بالا مورد طبقه‌بندی قرار گرفت. با توجه به اینکه از روش مجموع نمرات استفاده شده است، اقدام به طبقه‌بندی براساس امتیازات به دست آمده با استفاده از روش (Min -Max) نمودیم. بر این اساس نمرات به دست آمده در ۵ طبقه، بسیار بالا، بالا، متوسط، پایین و بسیار پایین قرار گرفتند. میانگین به دست آمده بیانگر آن است که به‌طور متوسط نمره جامعه‌ی آماری در محدوده‌ی متوسط قرار دارد. این درحالی است که مجموعاً ۳۶/۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای نمره شخصیت در محدوده بسیار بالا و بالا می‌باشند و ۳۳/۷ درصد از پاسخ‌گویان دارای امتیاز در محدوده‌ی پایین و بسیار پایین می‌باشند. منظور از این ارزش‌گذاری میزان برخورداری نوجوانان از تمایلات فعال‌گرایی، کوشش برای موفقیت، خودتنظیمی، کنترل محیط درونی و بیرونی، خردورزی و کنش عاطفی عام می‌باشد.

فعال‌گرایی

فعال‌گرایی به عنوان یکی از معرف‌های متغیر شخصیت طیفی با (۷) گویه می‌باشد که در واقع در سطح سنجش فاصله‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است.

برای تفسیر میانگین، نیازمند به طبقه‌بندی یافته‌ها می‌باشیم، بنابراین از روش واقع‌گرایانه برای محاسبه امتیازات که در بخش قبل یاد شد (۵/ Max-Min) استفاده نمودیم. میانگین بعد فعال‌گرایی شخصیت پاسخ‌گویان در محدوده متوسط قرار می‌گیرد. یعنی به‌طور متوسط نوجوانان از نظر لذت‌طلبی و استفاده بهینه از فرصت‌ها که معرف فعال‌گرایی هستند، دارای تمایل در حد متوسط می‌باشند. البته این امر می‌تواند ناشی از ارزش‌گذاری منفی در این زمینه‌ها در فرهنگ دینی و ملی باشد، درحالی که این خصوصیات در نظریه شخصیتی مونچ مثبت تلقی شده است و بیانگر رابطه موفق ارگانسیم با محیط اثباتی می‌باشد. بنابراین اقدام به فرهنگ‌سازی مناسب در چنین زمینه‌ای در نهادهای خانواده، مدرسه و رسانه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

کوشش برای موفقیت

کوشش برای موفقیت نیز یکی از معرف‌های متغیر وابسته می‌باشد که به‌وسیله طیفی با (۶) گویه در سطح سنجش فاصله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت.

با استفاده از روشی که قبلاً ذکر شد، کوشش برای موفقیت را نیز به ۵ طبقه از بسیار بالا تا بسیار پایین گروه‌بندی نمودیم. میانگین به دست آمده بیانگر آن است که تمایل کوشش برای موفقیت در نوجوانان به‌طور متوسط در محدوده بالا قرار دارد. نوجوانان ما در زمینه انگیزه موفقیت،

برنامه‌ریزی و هدف‌مداری در راستای رسیدن به موفقیت، در سطح خوب و مناسبی قرار دارند.

خودتنظیمی

خودتنظیمی به عنوان معرف متغیر شخصیت به‌وسیله طیفی با (۱۰) گویه مورد سنجش در سطح فاصله‌ای قرار گرفت. میانگین به دست آمده بیانگر آن است که تمایل به خودتنظیمی در شخصیت نوجوانان به‌طور متوسط در محدوده میانی متوسط و پایین قرار دارد. منظور از خودتنظیمی در این مطالعه انعطاف‌پذیری و قانون‌مداری نوجوانان می‌باشد که میانگین آن در محدوده متوسط متمایل به پایین قرار دارد که نیازمند بذل توجه نهادهای پرورشی نسبت به این مسأله می‌باشد.

خردورزی

خردورزی نیز جزو ابعاد متغیر وابسته می‌باشد که به‌وسیله طیفی با (۱۳) گویه مورد سنجش در سطح فاصله‌ای قرار گرفت. میانگین مربوط به خردورزی در شخصیت نوجوانان در محدوده متوسط و بالا قرار دارد و به‌طور نسبی تمایل به خردورزی در حد مناسبی می‌باشد. روحیاتی نظیر آینده‌نگری، تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی در حد نسبتاً مناسبی در شخصیت نوجوانان موجود می‌باشد.

کنش عاطفی عام

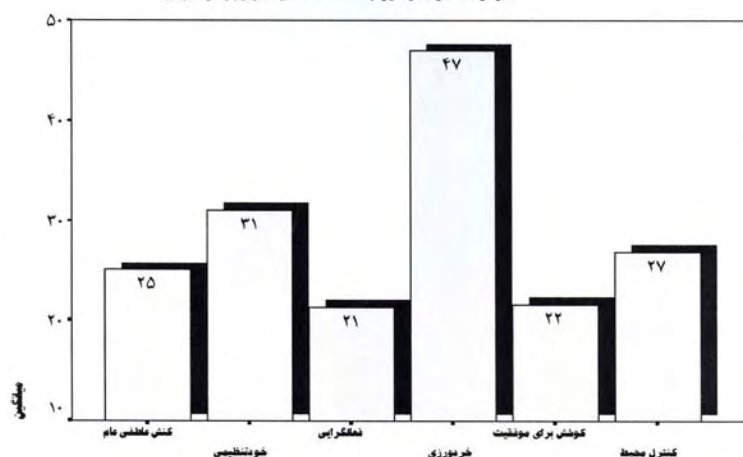
یکی از معرف‌های شخصیت پیشرفته، کنش عاطفی عام می‌باشد که به‌وسیله‌ی طیفی با (۸) گویه مورد سنجش قرار گرفت. میانگین مربوط به معرف کنش عاطفی عام بیانگر آن است که این تمایل در شخصیت نوجوانان جامعه‌ی آماری در محدوده‌ی متوسط و بالا قرار دارد، یعنی خصوصیات

چون تعهد تعمیم یافته، دل‌بستگی عاطفی و عام و نیز روحیه وفاداری در شخصیت نوجوانان در حد متوسط و نسبتاً خوبی موجود می‌باشد.

کنترل محیط درونی و بیرونی

یکی از معرف‌های شخصیت پیشرفته کنترل محیط درونی و بیرونی می‌باشد که به وسیله طیفی با (۹) گویه مورد سنجش قرار گرفت. میانگین معرف کنترل محیط درونی و بیرونی بیانگر آن است که این تمایل به طور نسبی در میان نوجوانان در حد متوسط قرار دارند، یعنی توانایی نظارت و کنترل بر محیط و نیز سازگاری و تطابق نوجوانان با شرایط بیرونی و محیطی در حد متوسطی قرار دارد. روی هم رفته می‌توان گفت به طور متوسط در شخصیت نوجوانان، تمایلات کوشش برای موفقیت، خردورزی دارای قوت می‌باشد، در حالی که کنش عاطفی عام در محدوده متوسط و بالا و کنترل محیط درونی و بیرونی در حد متوسط وجود دارد و نیز تمایلاتی نظیر فعال‌گرایی و خودتنظیمی در حد متوسط و پایین و دارای ضعف نسبی در مقایسه با سایر تمایلات شخصیتی می‌باشد. علی‌رغم اینکه امتیاز خانواده در سطح توصیفی در مناطق سه‌گانه دارای تفاوت می‌باشد، امتیاز مربوط به شخصیت در ۳ منطقه یاد شده دارای میانگین تقریباً برابر می‌باشد، یعنی در مناطق بالا، متوسط و پایین امتیاز شخصیت نوجوانان دارای تفاوت معناداری نمی‌باشد. این به آن معناست که عوامل بیرون از خانواده تأثیر بیشتری بر شخصیت نوجوانان می‌گذارد.

نمودار (۶) توزیع سطوح شخصیت پاسخگویان بر حسب نمرات شخصیت
نمودار (۷) مقایسه میانگین امتیاز مختلف شخصیت در نوجوانان تهرانی



تحلیل دو متغیره

رابطه متغیرهای کنترل با شخصیت

رابطه همسالان با شخصیت

گروه همسالان یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شخصیت نوجوانان می‌باشد. یکی از کارکردهای مهم گروه همسالان ایجاد احساس ایمنی برای نوجوان در خارج از محیط خانواده است. این احساس ایمنی به نوجوان امکان می‌دهد تا از نظر عاطفی از والدین مستقل شود. وابستگی اغلب نوجوانان به همسالان از روی مدت زمانی که با هم می‌گذرانند، علایق مشترک برای انواع خاصی از موسیقی، مدل لباس و زبان آشکار می‌شود. در این مطالعه گروه همسالان به وسیله‌ی طیفی با ۶ گویه سنجیده شد. سپس رابطه آن با شخصیت، مورد آزمون قرار گرفت.

فرضیه کلی: میان تناسب نوجوانان با گروه همسال و رشد شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

Pearson correlation = ۰/۲۸۸**

sig (s-tailed) = ۰۰۰

N = ۳۳۴

بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان فرضیه مورد نظر تایید می‌شود، یعنی میان تناسب گروه همسالان و رشد شخصیت در نوجوان رابطه مثبت و

معنادار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. منظور از تناسب با گروه همسالان، تعدد دوستان و رابطه مثبت با دوست و انجام فعالیت مشترک با دوستان می‌باشد که رابطه به دست آمده معنادار، ولی نسبتاً ضعیف می‌باشد.

رابطه مدرسه با شخصیت

مدارس از دو طریق بر اجتماعی کردن نوجوانان و رشد شخصیتی ایشان تاثیر می‌گذارند. نخست آنکه محیطی را فراهم می‌آورند که در آن نوجوانان بیشتر وقت خود را در آن صرف می‌کنند و مرکزی فرهنگی برای همسالان می‌باشد. دوم اینکه مدارس متولی تعلیم و تربیت رسمی می‌باشند. اگر چه در این تحقیق جنبه‌های آموزشی و تربیتی غیررسمی نظیر عضویت در گروه، فعالیت‌های انسان‌دوستانه، آموزش‌های فوق برنامه و سفرهای گروهی مورد مطالعه قرار گرفته است.

فرضیه: میان شرایط عمومی مدارس با رشد شخصیت نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد.

Pearson correlation = ۰/۱۵۸**

sig (۲-tailed) = ۰/۰۰۳

N = ۳۴۵

بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان مدرسه و رشد شخصیت رد می‌شود و فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار میان

دو متغیر یاد شده با اطمینان ۹۹ درصد (در آزمون پیرسون) مورد تایید قرار می‌گیرد. میزان شدت رابطه بسیار ضعیف می‌باشد.

رابطه‌ی اوقات فراغت با شخصیت

اوقات فراغت به عنوان فرصتی مناسب برای آموزش‌های مفید و سرگرم‌کننده که زمینه‌ی مناسبی را برای رشد و پرورش شخصیت انسانی فراهم می‌آورد، مطرح می‌شود. پرورش مسئولیت‌پذیری و قانون‌مندی رفتار در روابط اجتماعی می‌تواند در اوقات فراغت نهادینه شوند. همچنین عادت به مطالعه و کتاب خواندن تحت تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و سطح هوش و تجربه‌های درسی نوجوان شکل می‌گیرد.

چگونگی گذران اوقات فراغت نیز تابعی از شرایط اقتصادی و اجتماعی نوجوانان می‌باشد. هر چه فرصت برای مسافرت بیشتر باشد، امکان درونی کردن محیط‌های اثباتی متنوع و توسعه و رشد شخصیت نوجوانان بیشتر می‌شود.

مطالعه نقش اوقات فراغت در رشد شخصیت به‌وسیله‌ی طیفی با ۷ گویه مورد سنجش قرار گرفت.

فرضیه: میان چگونگی گذران اوقات فراغت با رشد شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

$$= ۰/۲۸۲**$$

Pearson correlation

sig = .000

(۲-tailed)

N = ۳۴۴

بنابراین با رد فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان دو متغیر یاد شده، زمینه مربوطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات می‌گردد. و البته میزان رابطه نسبتاً ضعیف می‌باشد.

رابطه‌ی متغیرهای زمینه‌ای با شخصیت

رابطه‌ی مناطق با شخصیت

در آزمون رابطه مناطق آموزشی (۱، ۶ و ۱۹) با امتیاز شخصیت، در سطح سنجش تربیتی و اسمی نتیجه معناداری به دست نیامد و هیچکدام از آزمون‌های χ^2 ، تای بی‌کندال معنادار نبود. یعنی میزان رشد یافتگی شخصیت نوجوانان در مناطق بالا، وسط و پایین شهر تفاوتی نداشت.

رابطه‌ی جنسیت با شخصیت

باتوجه به اینکه جنسیت در سطح سنجش اسمی می‌باشد، میانگین نمره‌ی شخصیت در گروه پسران و دختران تقریباً برابر می‌باشد. میانگین بیانگر رشد شخصیت در حد متوسط می‌باشد. اگرچه اندازه‌های میانگین در دو گروه نزدیک می‌باشد، با این وجود آزمون کی ۲ تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

جدول دو بعدی (۸) رابطه جنسیت با شخصیت

سطوح شخصیت	جنسیت		جمع کل
	پسر	دختر	
فراوانی	۷۰	۴۲	۱۱۲
درصد امتیاز پایین شخصیت	۶۲/۵	۳۷/۵	۱۰۰
درصد کل	۳۶/۵	۲۶/۳	۳۱/۸
فراوانی	۱۱۵	۱۰۷	۲۲۲
درصد امتیاز متوسط شخصیت	۵۱/۸	۴۸/۲	۱۰۰
درصد کل	۵۹/۹	۶۶/۹	۶۳/۱
فراوانی	۷	۱۱	۱۸
درصد امتیاز بالای شخصیت	۳۸/۹	۶۱/۱	۱۰۰
درصد کل	۳/۶	۶/۹	۵/۱
فراوانی کل	۱۹۲	۱۶۰	۳۵۲
درصد نسبی مجموع	۵۴/۵	۴۵/۵	۱۰۰
درصد کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

فرضیه = میان جنسیت و رشد شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

$$= ۱۳/۸۲$$

Chisquair

$$df = ۴$$

$$sig = ۰/۰۰۸$$

آزمون شدت فی، شدت این رابطه را به شکل زیر نشان می‌دهد:

$$phi = ۰/۱۹۸$$

$$sig = ۰/۰۰۸$$

بنابراین فرضیه مربوط اثبات می‌شود. اگرچه شدت رابطه بسیار جزئی می‌باشد، و همانگونه که قبلاً گفته شد آزمون مقایسه میانگین‌ها معنادار نبوده، ولی جدول دوبعدی بیانگر رابطه معنادار جزئی میان جنسیت و شخصیت در سطح اسمی و به نفع دختران می‌باشد.

رابطه‌ی نوع مدرسه با شخصیت

با توجه به اینکه نوع مدرسه (دولتی - غیرانتفاعی) در سطح سنجش اسمی مطالعه گردید و شخصیت نیز در سطح سنجش فاصله‌ای، با استفاده از آزمون کی دو، اقدام به سنجش رابطه میان آنها نمودیم که آزمون معنادار نبود. یعنی نمره شخصیت نوجوانان مشغول به تحصیل در مدارس دولتی تفاوتی با نمرات شخصیت نوجوانان مشغول به تحصیل در مدارس غیرانتفاعی نداشت. لذا نوع مدرسه در این مطالعه بر رشد یافتگی نوجوانان بدون تاثیر ارزیابی می‌شود.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

تاثیر خانواده بر شخصیت

فرض اصلی این تحقیق مبنی بر تاثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته می‌باشد. همانگونه که در بخش مقیاس‌سازی توضیح داده شده، مقیاس خانواده و شخصیت به وسیله طیف‌های مربوط در سطوح سنجش فاصله‌ای و تربیتی مورد مطالعه قرار گرفت.

در اینجا ابتدا تاثیر ساختار کلی طیف خانواده بر شخصیت را می‌سنجیم و سپس تاثیرات هر یک از معرف‌های دو طیف یاد شده را بر یکدیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فرضیه کلی ۱: میان کیفیت منابع در خانواده با رشد شخصیت در نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد.

$$= ۰/۳۸۲**$$

Pearson correlation

sig = ۰۰۰

(۲-tailed)

N = ۳۰۳

بنابراین با رد فرض صفر مبنی بر عدم وجود ارتباط میان دو متغیر یاد شده، فرض تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات می‌گردد. یعنی میان منابع خانوادگی و رشد شخصیت نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. میزان رابطه در حد نسبتاً متوسطی قرار دارد. به این معناکه هرچه منابع خانوادگی غنی‌تر باشد رشد شخصیت در نوجوانان مثبت‌تر می‌باشد.

رابطه منزلت با شخصیت

منزلت یکی از معرف‌های متغیر خانواده می‌باشد که ۷ فرضیه درمورد آن می‌توان عنوان نمود.

فرضیه کلی ۲: میان منزلت فرد در خانواده با رشد شخصیت وی رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی ۱-۲- میان منزلت فرد در خانواده با کوشش برای موفقیت رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲- میان منزلت فرد در خانواده با فعال‌گرایی فرد رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳-۲- میان منزلت فرد در خانواده با خودتنظیمی در شخصیت فرد رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۲- میان منزلت فرد در خانواده با کنترل محیط درونی و بیرونی توسط فرد رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی ۵-۲- میان منزلت فرد در خانواده با کنش عاطفی عام شده فرد رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی ۶-۲- میان منزلت فرد در خانواده با خردورزی فرد رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه مفهوم منزلت به وسیله طیفی با (۵) گویه سنجیده و سپس مجموع نمرات به دست آمده براساس داده‌های تجربی به ۵ قسمت تقسیم شده‌اند، این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای و ترتیبی قابل آزمون می‌باشد. لذا به وسیله آزمون پیرسون (r) و تای بی‌کندال اقدام به سنجش رابطه متغیر منزلت با متغیر شخصیت و ابعاد آن گردید.

$$= ۰,۳۶۶**$$

Pearson correlation

$$\text{sig} = ۰۰۰$$

(۲-tailed)

$$N = ۳۵۳$$

(تعداد مشاهدات)

بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان منزلت و شخصیت فرد رد و فرض تحقیق (کلی) در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات می‌گردد. میزان رابطه نسبتاً متوسط می‌باشد.

جدول (۹) آزمون رابطه همبستگی مفهوم منزلت با معرف‌های شخصیت

منزلت	کنترل محیط درونی و بیرونی	کنش بر پایه عاطفی عام	خودتنظیمی	فعال‌گرایی	خردورزی	کوشش برای موفقیت
Pearson corr.	۰/۱۶۲**	۰/۱۳۱**	۰/۱۶۷**	۰/۰۹۳	۰/۱۹۷**	۰/۰۷
Sig (2- tailed)	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۶۴	۰۰۰	۰/۱۶
N	۳۸۴	۳۸۶	۳۸۰	۳۹۷	۳۸۶	۳۹۵
Kenedall's	۰/۱۹۴**	۱۶۲**	۰/۱۷۱**	۰/۰۵۵	۰/۲۷۹**	۰/۱۸۵**
Sig (2- tailed)	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰/۱۱	۰۰۰	۰۰۰
N	۳۸۴	۳۸۶	۳۸۰	۳۹۷	۳۸۶	۳۹۵

همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود از ۶ فرضیه‌ی فرعی ارایه شده، چهارفرضیه تایید و دو فرضیه آن رد می‌شود، یعنی به‌وسیله‌ی آزمون پیرسون رابطه میان منزلت و کوشش برای موفقیت و نیز رابطه میان منزلت و فعال‌گرایی معنادار نمی‌باشد.

با استفاده از آزمون ناپارامتری کندال، تنها فرضیه فرعی دوم رد می‌شود، یعنی رابطه میان منزلت و فعال‌گرایی اثبات نمی‌گردد و سایر فرضیه‌ها تایید می‌شوند. همبستگی منزلت با معرف‌های شخصیت در قویترین حالت خود مربوط به خردورزی و در ضعیف‌ترین حالت مربوط به کنش بر پایه عاطفی عام می‌باشد.

رابطه‌ی عشق با شخصیت

عشق یکی دیگر از معرف‌های متغیر خانواده می‌باشد که به‌وسیله‌ی طیفی متشکل از (۵) گویه در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفت. البته با کدگذاری مجدد با استفاده از داده‌های تجربی این متغیر به ۵ طبقه از امتیاز خیلی پایین تا امتیاز خیلی بالا طبقه‌بندی گردید، بنابراین تحلیل دو متغیری با استفاده از هر دو دسته آزمون پارامتری و ناپارامتری صورت می‌گیرد.

- فرضیه کلی ۳: میان وجود عشق در خانواده با رشد شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۳- میان وجود عشق در خانواده با بُعد فعال‌گرایی شخصیت، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۳- میان وجود عشق در خانواده با بُعد خردورزی شخصیت، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۳-۳- میان وجود عشق در خانواده با بُعد کنش بر پایه عاطفی عام شخصیت، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۴-۳- میان وجود عشق در خانواده با بُعد خودتنظیمی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۵-۳- میان وجود عشق در خانواده با کنترل محیط درون و بیرون فردی، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۶-۳- میان وجود عشق در خانواده با کوشش برای موفقیت در فرد، رابطه معنادار وجود دارد.

= ۰/۲۵۸**

Pearson correlation

sig = ۰۰۰

(۲-tailed)

N = ۳۴۷

بنابراین فرض صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه میان متغیر عشق با متغیر شخصیت به کلی رد و در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه میان این دو متغیر معنادار می‌باشد. میزان رابطه نسبتاً ضعیف می‌باشد.

جدول (۱۰) آزمون همبستگی مفهوم عشق با معرف‌های شخصیت

عشق	کنترل محیط درونی و بیرونی	کنش بر پایه عاطفی عام	خودتنظیمی	فعال‌گرایی	خردورزی	کوشش برای موفقیت
Pearson corr.	۰/۰۷۹	۰/۱۵۸**	۰/۱۳۰**	۰/۰۷۵	۰/۲۱۲**	۰/۲۳۳**
Sig (2- tailed)	۰/۱۲۸	۰/۰۰۲	۰/۰۱۲	۰/۱۸۴
N	۳۷۶	۳۷۶	۳۷۱	۳۸۸	۳۷۴	۳۸۴
Kenedall's	۰/۱۶۲**	۰/۱۷۰**	۰/۱۵۳**	۰/۰۲۸	۰/۱۹۰**	۰/۲۱۶**
Sig (2- tailed)	۰/۴۲
N	۳۷۶	۳۷۶	۳۷۱	۳۸۸	۳۸۴	۳۸۴

با استفاده از آزمون پیرسون فرضیه‌های فرعی او ۵ رد می‌گردند و نتایج، حاکی از عدم وجود رابطه‌ی معنادار میان متغیر عشق در خانواده با مفاهیم فعال‌گرایی و کنترل محیط درونی و بیرون می‌باشد. سایر فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات شد، اگرچه شدت رابطه ضعیف می‌باشد.

رابطه‌ی خدمات با شخصیت

مفهوم خدمات که یکی از معرف‌های تغییر خانواده می‌باشد، به‌وسیله‌ی طیفی با (۵) گویه در سطح فاصله‌ای سنجیده و سپس با توجه به داده‌های تجربی به‌دست آمده با روش $(Max - Min)/5$ به پنج طبقه مساوی تقسیم گردید. لذا این متغیر هم در سطح فاصله‌ای و هم در سطح ترتیبی مورد آزمون قرار گرفت.

فرضیه کلی ۴: میان خدمات ارایه شده در خانواده با رشد شخصیت فردی رابطه معناداری وجود دارد.

**

Pearson correlation = ۰/۲۶۴

sig = ۰۰۰

(۲-tailed)

N = ۳۵۳

همانطور که مشهود است فرضیه مربوط با استفاده از آزمون‌های پیرسون و تای بی‌کندال ثبت می‌گردد. یعنی با ۹۹ درصد اطمینان میان متغیر خدمات با شخصیت رابطه‌ی معنادار وجود دارد و فرض صفر (HO) مبنی بر عدم وجود ارتباط میان این دو متغیر رد می‌شود. یعنی میان خدمات ارائه شده در خانواده با رشد شخصیت رابطه‌ی ضعیفی وجود دارد.

رابطه خدمات با ابعاد متغیر شخصیت نیز مورد سنجش قرار گرفت، مفروضات فرعی این بخش عبارتند از:

فرضیه فرعی ۱-۴- میان خدمات ارایه شده در خانواده با بُعد فعال‌گرایی شخصیت فرد، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲-۴- میان خدمات ارایه شده در خانواده با بُعد خردورزی شخصیت فرد، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳-۴- میان خدمات ارایه شده در خانواده با بُعد کوشش برای موفقیت شخصیت فرد، رابطه معناداری وجود دارد.

۱۰۱ ■ یافته‌های پژوهش ▶

فرضیه فرعی ۴-۴- میان خدمات ارایه شده در خانواده با بُعد خودتنظیمی شخصیت فرد، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۵- میان خدمات ارایه شده در خانواده با کنش عاطفی عام شده در فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۶- میان خدمات ارایه شده در خانواده با کنترل محیط درونی و بیرونی توسط فرد، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱۱) همبستگی مفهوم خدمات با معرف های شخصیت

خدمات	کنترل محیط درونی و بیرونی	کنش بر پایه عاطفی عام	خودتنظیمی	فعال‌گرایی	خردورزی	کوشش برای موفقیت
Pearson corr.	۰/۱۰۵*	۰/۱۱۹*	۰/۱۱۵*	۰/۰۵۱	۰/۱۴۵**	۰/۰۵۹
Sig (2)	۰/۰۰۴	۰/۰۱۹	۰/۰۲۶	۰/۳۱	۰۰۰	۰/۲۴
N	۳۸۲	۳۷۹	۳۷۹	۳۹۶	۳۸۳	۳۹۲
Kenedall's	۰/۱۷۰*	۰/۱۵۴**	۰/۱۳۸**	۰/۰۲۳	۰/۲۷۱**	۰/۱۵۲**
Sig (2)	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰/۵۱	۰۰۰	۰۰۰
N	۳۸۲	۳۸۴	۳۷۹	۳۹۶	۳۸۳	۳۹۲
** وجود رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد * وجود رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد						

همانگونه که مشخص است همبستگی خدمات با معرف‌های شخصیت در حد ضعیف می‌باشد.

آزمون پیرسون درمورد رابطه خدمات با متغیرهای کنترل محیط درونی و بیرونی، کنش عاطفی عام، خودتنظیمی و خردورزی معنادار می‌باشد و فرض صفر رد می‌شود.

در آزمون تای بی‌کنندال تنها رابطه میان خدمات و فعال‌گرایی رد شده است و سایر فرضیه‌های فرعی این بخش تایید شده‌اند، اگر چه بالاترین میزان، مربوط به رابطه میان خدمات و خردورزی می‌باشد، کلیه روابط در سطح ضعیف می‌باشند.

رابطه ابزار با شخصیت

ابزار فیزیکی از معرف‌های متغیر مستقل خانواده می‌باشد که به‌وسیله طیفی با (۱۱) گویه مورد سنجش قرار گرفته و پس از جمع‌آوری داده‌های تجربی با استفاده از روش (Max-min)/۵ به یک طیف پنج قسمتی شامل وجود ابزار در خانواده در حد (بسیار پایین تا بسیار بالا) طبقه‌بندی گردیده است. لذا هم از آزمون‌های پارامتری و هم از ناپارامتری استفاده گردید.

فرضیه کلی ۵: میان فراوانی و کیفیت ابزار در خانواده با رشد شخصیت فردی رابطه معناداری وجود دارد.

**

Pearson correlation = ۰/۲۵۹

sig = ۰۰۰

(۲-tailed)

N = ۳۱۹

نتایج آزمون‌های فوق بیانگر آن است که رابطه میان کیفیت ابزار در خانواده با رشد شخصیت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد و فرض (۰) مبنی بر عدم وجود همبستگی رد می‌شود. اگر چه میزان این رابطه کمتر از ۰/۳ و در حد ضعیف می‌باشد.

تحلیل دومتغیری رابطه ابزار با ابعاد شخصیت نیز مورد سنجش قرار گرفت.

فرضیه فرعی ۱-۵ میان کمیت و کیفیت ابزار در خانواده با بُعد فعال‌گرایی شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

۱۰۳ ■ یافته‌های پژوهش ▶

فرضیه فرعی ۲-۵ میان کمیت و کیفیت ابزار در خانواده با بُعد خردورزی شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳-۵ میان کمیت و کیفیت ابزار در خانواده با بُعد کوشش برای موفقیت در شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۵ میان کمیت و کیفیت ابزار در خانواده با بُعد خودتنظیمی شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۵-۵ میان کمیت و کیفیت ابزار در خانواده با بُعد کنترل محیط درونی و بیرونی شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۶-۵ میان کمیت و کیفیت ابزار در خانواده با بُعد کنش عاطفی عام شده شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱۲) همبستگی مفهوم ابزار با معرف‌های مختلف شخصیت

ابزار	کنترل محیط درونی و بیرونی	کنش بر پایه عاطفی عام	خود تنظیمی	فعال‌گرایی	خردورزی	کوشش برای موفقیت
Pearson corr.	۰/۱۳۰*	۰/۱۹۰*	۰/۰۷۷	۰/۰۷۱	۱/۱۴۵**	۰/۰۵۸
Sig (2)	۰/۰۱	۰۰۰	۰/۱۵	۰/۱۷	۰	۰/۲۷۹
N	۳۴۶	۳۴۷	۳۴۴	۳۵۷	۰/۰۰۷ ۳۴۸	۳۵۶
Kenedall's Sig (2)	۰/۱۳۱*	۰/۱۵۱**	۰/۰۵۳	۰/۳۹	۱/۱۴۸**	۰/۰۷
N	۰۰۰ ۳۴۶	۰۰۰ ۳۴۷	۰/۱۵ ۳۴۴	۰/۲۸ ۳۵۷	۰ ۰۰۰ ۳۴۸	۰/۰۵۶ ۳۵۶

نتایج آزمون‌های فوق بیانگر آن است که وجود ابزار در خانواده با ابعاد کنترل محیط درونی و بیرونی، کنش عاطفی عام و خردمندی دارای رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد و شدت (جزیی) می‌باشد.

درحالی که فرضیه‌های مربوط به رابطه ابزار با ابعاد خودتنظیمی، فعال‌گرایی و کوشش برای موفقیت توسط این آزمون‌ها رد می‌شوند. فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان این متغیرها پذیرفته می‌شود.

رابطه پول با شخصیت

پول یکی دیگر از معرف‌های متغیر مستقل خانواده می‌باشد که به وسیله طیفی با (۴) گویه مورد سنجش در سطح فاصله‌ای قرار گرفت. سپس با استفاده از داده‌های تجربی به دست آمده اقدام به طبقه‌بندی مجدد آن گردید. طیف به دست آمده شامل امتیاز (خیلی پایین تا خیلی بالا) می‌باشد. بنابراین فرضیه‌های مربوط به این قسمت نیز در سطح فاصله‌ای و ترتیبی مورد آزمون قرار گرفتند.

فرضیه کلی ۶: میان پول (وجه مادی) موجود در خانواده با رشد شخصیت فردی رابطه معناداری وجود دارد.

**

Pearson correlation = ۰/۲۲۶

sig = ۰۰۰

(۲-tailed)

N = ۳۴۹

بنابراین رابطه میان پول در دسترس با رشد شخصیت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد و فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان دو متغیر یاد شده رد می‌گردد. شدت ارتباط این دو متغیر در حد ضعیف می‌باشد.

۱۰۵ ■ یافته‌های پژوهش ▶

رابطه متغیر پول با ابعاد مختلف شخصیت نیز مورد آزمون قرار گرفت.

فرضیه فرعی ۱-۶ میان پول دردسترس خانواده با بعد کنترل محیط درونی و بیرونی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲-۶ میان پول دردسترس خانواده با بعد عام‌گرایی عاطفی شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳-۶ میان پول دردسترس خانواده با بعد خودتنظیمی شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۶ میان پول دردسترس خانواده با بعد خردورزی شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۶-۶ میان پول دردسترس خانواده با بعد کوشش برای موفقیت شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد..

جدول (۱۳) همبستگی مفهوم پول با معرف‌های مختلف شخصیت

پول	کنترل محیط درونی و بیرونی	کنش بر پایه عاطفی عام	خودتنظیمی	فعال‌گرایی	خردورزی	کوشش برای موفقیت
Pearson corr.	۰/۰۹	۰/۱۶۲**	۰/۰۷۱	۰/۰۸۶	۰/۱۸۰**	۰/۱۲۰*
Sig (2)	۰/۰۷	۰/۰۰۲	۰/۱۷	۰/۰۸	۰۰۰	۰/۰۱
N	۳۸۰	۳۷۹	۳۷۶	۳۹۲	۳۸۱	۳۹۰
Kenedall's	۰/۱۱۸**	۰/۱۵۲**	۰/۰۶۹	۰/۰۵۸	۰/۱۷۵**	۰/۱۲۴**
Sig (2)	۰/۰۰۱	۰۰۰	۰/۰۵۳	۰/۰۹	۰۰۰	۰۰۰
N	۳۸۰	۳۷۹	۳۷۶	۳۹۲	۳۸۱	۳۹۰

نتایج آزمون‌های پیرسون و تای بی کندال بیانگر آن است که میان پول و ابعاد کنش عاطفی بر پایه عام، کنترل محیط درونی و بیرون، خردورزی و کوشش برای موفقیت، رابطه معناداری وجود دارد. و فرضیه‌های مربوط به سایر روابط (پول و خودتنظیمی، فعال‌گرایی) با

قبول فرض صفر، رد می‌شوند. البته شدت همبستگی میان پول و معرف‌های شخصیت در محدوده ضعیف (کمتر از ۰/۳) قرار دارد.

رابطه‌ی اطلاعات با شخصیت

اطلاعات به عنوان یکی از معرف‌های خانواده و به‌وسیله‌ی طیفی با (۷) گویه مورد مطالعه قرار گرفت. سطح سنجش آن فاصله‌ای بود و پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از روش (Max-min)/۵ به پنج طبقه، امتیازبندی گردید. طیف به‌دست آمده شامل نمرات (خیلی پایین تا خیلی بالا) می‌باشد. بنابراین به‌وسیله‌ی آزمون‌های سطح ترتیبی و فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

فرضیه کلی ۷: میان وضعیت اطلاعات در خانواده با رشد شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

**

Pearson correlation = ۰/۳۳۷

sig = ۰۰۰

(۲-tailed)

N = ۳۴۰

بنابراین با رد فرض صفر اثبات می‌گردد که میان اطلاعات و رشد شخصیت در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معناداری وجود دارد.

رابطه اطلاعات با معرف‌های شش‌گانه شخصیت پیشرفته به‌وسیله فرضیه‌های زیر مورد مطالعه قرار گرفت:

فرضیه فرعی ۱-۷ میان وضعیت اطلاعات موجود در خانواده با بُعد فعال‌گرایی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

۱۰۷ ■ یافته‌های پژوهش ▶

فرضیه فرعی ۲-۷ میان وضعیت اطلاعات موجود در خانواده با بُعد کوشش برای موفقیت شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳-۷ میان وضعیت اطلاعات موجود در خانواده با بُعد خودتنظیمی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۷ میان وضعیت اطلاعات موجود در خانواده با بُعد کنش عاطفی عام شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۵-۷ میان وضعیت اطلاعات موجود در خانواده با بُعد کنترل محیط درونی و بیرونی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۶-۷ میان وضعیت اطلاعات موجود در خانواده با بُعد خردورزی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱۴) آزمون همبستگی مفهوم اطلاعات با معرف های مختلف شخصیت

اطلاعات	کنترل محیط درونی و بیرونی	کنش بر پایه عاطفی عام	خودتنظیمی	فعال‌گرایی	خردورزی	کوشش برای موفقیت
Pearson corr.	۰/۱۲۶**	۰/۱۸۴**	۰/۱۵۸**	۰/۱۹۰**	۰/۳۱۸**	۰/۱۹۳**
Sig (2)	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
N	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۴	۳۹۰	۳۸۰	۳۸۹
Kenedall's	۰/۱۲۵**	۰/۱۲۸**	۰/۱۲۱**	۰/۱۲۶**	۰/۲۲۴**	۰/۱۶۷**
Sig (2)	۰۰۰	۰۰۰	۰/۰۰۱	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
N	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۴	۳۹۰	۳۸۰	۳۸۹

نتایج آزمون‌های پیرسون و تای بی کندال بیانگر آن است که کلیه فرضیه‌های فرعی در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات می‌شوند و فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان متغیر اطلاعات با ابعاد شش‌گانه شخصیت رد می‌گردد. رابطه اطلاعات با بُعد خردورزی دارای بیشترین همبستگی و با ابعاد خودتنظیمی و کنترل محیط درونی و بیرونی دارای کمترین شدت می‌باشد. نتایج به دست آمده منطقی است، زیرا شاخص

اطلاعات که از تبادل اندیشه‌ها و دسترسی به منابع و وجود آزادی اندیشه در خانواده به دست می‌آید کاملاً می‌تواند بر ابعاد مختلف شخصیت پیشرفته تأثیر داشته باشد، حتی اگر رابطه ضعیف باشد که البته با تمایل خردورزی این رابطه قوی‌تر می‌باشد.

رابطه مدیریت با شخصیت

در چارچوب مفهومی این طرح متغیر خانواده با استفاده از نظریه منابع لی پلی، به‌وسیله شش معرف (پول، عشق، منزلت، خدمات، ابزار، اطلاعات) موردسنجش قرار گرفت که این معرف‌ها دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بودند و از آنجایی که جای بُعد سیاسی در این نظریه خالی بود، محقق معرف مدیریت را به عنوان نماینده بُعد سیاسی خانواده به مدل اضافه نمود. این معرف به‌وسیله دو گویه شیوه تصمیم‌گیری و میزان اهمیت دادن به نظرات نوجوان در خانواده مورد سنجش قرار گرفت.

فرضیه کلی ۸: میان شیوه مدیریت در خانواده با رشد شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

**

Pearson correlation = ۰/۲۴۷

sig = ۰۰۰

N = ۳۴۷

رابطه بعد مدیریت در خانواده با ابعاد شخصیت به‌وسیله فرضیه‌های زیر مورد مطالعه قرار گرفت.

۱۰۹ ■ یافته‌های پژوهش ▶

- فرضیه فرعی ۱-۸ میان شیوه مدیریت در خانواده با بُعد فعال‌گرایی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۲-۸ میان شیوه مدیریت در خانواده با بُعد خردورزی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۳-۸ میان شیوه مدیریت در خانواده با بُعد خودتنظیمی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۴-۸ میان شیوه مدیریت در خانواده با بُعد کنش عاطفی عام شده در شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۵-۸ میان شیوه مدیریت در خانواده با بُعد کنترل محیط درونی و بیرونی و بیرونی شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۶-۸ میان شیوه مدیریت در خانواده با بُعد کوشش برای موفقیت شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱۵) آزمون همبستگی مفهوم مدیریت با معرفت‌های شخصیت

مدیریت	کنترل محیط درونی و بیرونی	کنش بر پایه عاطفی عام	خودتنظیمی	فعال‌گرایی	خردورزی	کوشش برای موفقیت
Pearson corr.	۰/۱۰۸*	۰/۲۱۹*	۰/۱۳۴*	۰/۰۷۲	۰/۲۱۴**	۰/۱۲۳**
Sig (2)	۰/۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۱۷۲	۰۰۰	۰/۰۲۱
N	۳۶۵	۳۵۴	۳۵۲	۳۶۳	۳۸۰	۳۵۵
Kenedall's	۰/۰۹۵	۰/۲۶۷**	۰/۲۱۱**	۰/۰۹۸	۰/۱۳۸**	۰/۱۴۰**
Sig (2)	۰/۰۶۹	۰۰۰	۰۰۰	۰/۰۶۱	۰/۰۱	۰/۰۰۸
N	۳۶۵	۳۵۴	۳۵۲	۳۶۳	۳۵۱	۳۵۵

بنابراین به وسیله آزمون پیرسون رابطه شیوه مدیریت با ابعاد فعال‌گرایی، خردورزی، کوشش برای موفقیت، کنترل محیط درونی و بیرونی و کنش عاطفی عام تایید می‌شود و به وسیله آزمون تآی بی کندال،

رابطه‌ی شیوه مدیریت با ابعاد خردورزی، کنترل محیط درونی و بیرونی، خودتنظیمی و کنش عاطفی عام تایید می‌گردد.

بالاترین سطح همبستگی، میان شیوه مدیریت با خردورزی وجود دارد و پایین‌ترین سطح همبستگی، شیوه مدیریت با بُعد فعال‌گرایی و خودتنظیمی می‌باشد. کلیه روابط کمتر از (۰/۳) و در محدوده رابطه ضعیف می‌باشند.

ج - تحلیل چند متغیری

تحلیل رگرسیونی شخصیت پیشرفته

در بخش تحلیل دو متغیری، به آزمون فرضیه‌ها و بررسی رابطه دو به دوی متغیرها پرداختیم. ولی در تحلیل رگرسیونی تاثیر کلیه متغیرهای مستقل و کنترل را به صورت یک‌جا و به‌طور همزمان بر روی متغیر وابسته شخصیت، بررسی می‌نماییم. برای انجام تحلیل رگرسیون دو پیش فرض اساسی داریم: اول اینکه فرض بر این است که متغیرها با هم رابطه خطی دارند. و دیگر اینکه توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد. با انجام آزمون F رابطه خطی میان متغیرها مشخص می‌شود. و نیز هیستوگرام نمودار بیانگر تایید پیش فرض دوم در مطالعه حاضر می‌باشد.

سپس برای انجام تحلیل رگرسیون، ابتدا تمام متغیرهای موجود را که بر رشد شخصیت موثر فرض شده‌اند، در دستور تحلیل رگرسیون قرار داده، با استفاده از روش اینتر (Enter) در نهایت تمام متغیرها را وارد مدل کردیم. ترتیب درمورد متغیرها در روش اینتر اهمیتی ندارد. مربع همبستگی یا (r^2) بیانگر درصدی از تغییرات کل متغیر پاسخ است که

۱۱۱ ■ یافته‌های پژوهش ▶

به‌وسیله مدل خطی بیان می‌شود. با توجه به اینکه در این مطالعه، متغیرهای مستقل و کنترل به‌وسیله ۱۰ طیف مورد سنجش قرار گرفته بودند، تحلیل رگرسیون با استفاده از متغیرهای زمینه‌ای و کنترل و مستقل به صورت جداگانه، انجام و سپس متغیرها همگی با هم وارد معادله رگرسیون شدند.

جدول (۱۶) تحلیل واریانس رگرسیون خطی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجموع مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۰۰۹۶/۴	۱۸	۱۱۱۶/۴۷	۵/۱۷۳	Sig: ...
باقیمانده	۴۹۲۰۸/۰۲	۲۸	۲۱۵/۸۲		
مجموع	۶۹۳۰۴/۵۰	۴۶			

تحلیل واریانس متغیر وابسته شخصیت به‌وسیله متغیرهای مستقل (۷۴) گویه) در این مطالعه تبیین شده است. در این تحلیل فرض بر این است که متغیرها با هم رابطه خطی دارند. آزمون F در این مطالعه معنادار می‌باشد.

نتیجه آزمون رگرسیونی این مطالعه عبارت است از:

Multiple R=۰/۵۳۸ (ضریب همبستگی چندگانه)

R square=۰/۲۹۹ (ضریب تعیین)

Adjusted R square=۰/۲۴۳ (ضریب تعیین تعدیل شده)

Standard Error=۰/۶۷۲ (اشتباه معیار)

براساس نتایج نهایی به‌دست آمده، ضریب نهایی رگرسیون چندگانه

$M. . R = ۰/۵۳۸$ و ضریب تعیین یعنی مجذور آن برابر $=۰/۲۹۹$

R^2 می‌باشد، یعنی ۳۰ درصد از تغییرات رشد شخصیتی توسط متغیرهای

مستقل و کنترل موجود در معادله تبیین و پیش‌بینی می‌شود و ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته به علت تاثیر عوامل و متغیرهای خارج از

جدول (۱۷) ضرایب رگرسیونی متغیرهای مدل

اسامی متغیرها	B	Std. Error	Beta (s)	T	Sig
اطلاعات	۰/۶۸۵	۰/۳۳	۰/۱۷	۲/۴۳۹	۰/۰۴
همسالان	۱/۰۴۶	۰/۲۸۱	۰/۲۳	۳/۷۰۶	۰۰۰
اوقات فراغت	۱/۴۷۵	۰/۵۷۳	۰/۱۹	۲/۵۷۳	۰/۰۱۷
منزلت	۰/۲۶۸	۰/۰۸۵	۰/۲۸۶	۳/۱۴۶	۰/۰۰۲

چارچوب ما بوده است.

در جدول بالا، به وسیله‌ی آزمون معناداری، **T** بیانگر معنادار بودن اثر متغیرهای یاد شده می‌باشد و ضرایب **B** بیانگر اهمیت هر یک از متغیرها می‌باشد. یعنی از میان ده طیفی که وارد معادله نمودیم رابطه چهار طیف معنادار بود.

در این مطالعه از مقیاس خانواده، دو طیف اطلاعات و منزلت دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته شخصیت بودند که بیانگر اهمیت فراوان این دو متغیر در تکوین و پرورش شخصیت پیشرفته در خانواده می‌باشد. گروه همسالان نیز تأثیر بسزایی در رشد شخصیت دارد. گروه همسالان در این مطالعه عبارت است از تعداد دوستان، وجود رابطه مثبت با دوست و انجام فعالیت‌های مشترک با دوستان. گروه همسالان در فرآیند جامعه‌پذیری سبب می‌شوند سازگاری اجتماعی نوجوان افزایش یابد و از این طریق می‌تواند بر کنش عاطفی و خودتنظیمی و فعال‌گرایی تأثیر بسزایی داشته باشد.

اوقات فراغت نیز از جنبه آموزشی و هنری مؤثر می‌باشد. هیچ یک از معرف‌های مربوط به متغیر مدرسه وارد معادله رگرسیون نگردیدند، و این بیانگر عدم وجود تأثیر مدرسه بر رشد شخصیت نوجوانان می‌باشد، درحالی که مدرسه به عنوان یکی از نهادهای متولی جامعه‌پذیری محسوب می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم مدارس در جامعه ما کارکرد مناسب خود را ندارند. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای موجود در معادله را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

$$E_i = 0/22 + 0/19 + 0/23 + 0/17 = \text{شخصیت پیشرفته}$$

منظور از E_i متغیرهای دیگری می‌باشند که خارج از محاسبه و چارچوب پژوهشی موجود می‌باشند. ضرایب مربوط به متغیرهای وارد شده در معادله بیانگر آن است که بیشترین اهمیت مربوط به طیف همسالان و خانواده می‌باشد. در درون خانواده منزلت و اطلاعات دارای اهمیت بسیار زیادی در رشد شخصیت نوجوانان می‌باشد. لذا در خانواده‌هایی که برای فرزندان احترام و قدر و ارزش بالاتری قائلند و نیز در تهیه ابزار و امکانات فرهنگی نظیر کتاب و مجله و... و وجود گفتگوی متقابل مثبت میان اعضای خانواده توفیق بیشتری دارند، شانس پرورش شخصیت پیشرفته در چنین خانواده‌هایی افزایش می‌یابد.

تحلیل مسیر مدل پژوهشی

تحلیل مسیر، آزمون مدل تئوریک پژوهش مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است. در تحلیل مسیر با استفاده از دستور رگرسیون ابتدا از متغیر وابسته نهایی شروع می‌کنیم. در مرحله بعد متغیرهای مستقلی که روی آنها پیکان رفته به عنوان متغیرهای وابسته محسوب

می‌شوند و متغیرهایی که به آنها مربوط می‌شوند، به عنوان متغیر مستقل وارد معادله می‌شوند. به این ترتیب میزان مناسب بودن مدل، ارزیابی می‌شود و با استفاده از وزن بتا که در تحلیل مسیر، ضریب مسیر^۱ خوانده می‌شود، مقدار اثر هر متغیر تعیین می‌شود. به علاوه تحلیل مسیر ما را قادر می‌سازد که به اثر متغیرها بر یکدیگر پی ببریم، همچنین مشخص می‌کند که اثر هر یک از متغیرها تا چه حد مستقیم و تا چه حد غیرمستقیم است.

در این مطالعه به سبب پیچیده بودن مدل تئوریک، تحلیل مسیر در ۵ مرحله انجام گردید. یعنی ابتدا مدل‌های مربوط به متغیرهای مستقل و کنترل به صورت جداگانه تهیه و سپس مدل نهایی ترسیم شد.

ابتدا شخصیت به عنوان متغیر وابسته نهایی در نظر گرفته می‌شود و متغیرهای مستقل و کنترل به عنوان متغیر مستقل لحاظ می‌شوند، و سپس هر یک از متغیرهای مستقل و کنترل به عنوان متغیر وابسته نهایی و سپس شاخص‌های مربوط، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود.

نتایج تحلیل رگرسیون این بخش عبارت است از:

MR: ۰/۴۸۵: همبستگی چندگانه

R : ۰۲/۲۳۵: ضریب تعیین

AR: ۰/۲۲۴: ضریب تعیین تعدیل شده

Std. Error : ۰/۷۱: خطای استاندارد

آزمون F نیز معنادار می‌باشد. یعنی حداقل میان یکی از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه خطی وجود دارد.

1_Path _ coefficient.

۱۱۵ ■ یافته‌های پژوهش ▶

جدول (۱۸) تحلیل واریانس مدل پژوهشی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره‌ی F	Sig
رگرسیون	۴۳/۱۴۶	۴	۱۰/۷۸۷	۲۰/۹۴	۰۰۰
باقیمانده‌ها	۱۴۰/۵۹۸	۲۷۳	۰/۵۱		
جمع کل	۱۸۳/۷۴۵	۲۷۷			

متغیرهای وارد شده در معادله عبارتند از:

جدول (۱۹) ضرایب رگرسیونی متغیرهای تحلیل مسیر (متغیر وابسته شخصیت)

نام متغیر	B	Std. Error	Beta (s)	T	Sig
مدرسه	۳/۶۶ E ۰/۴	۰/۰۴۹	۰۰۰	/۰۰۷	۰/۹۹۴
اوقات فراغت	۰/۱۴۲	۰/۸۷	۰/۲۶	۳/۶۳۱	۰/۰۰۴
خانواده	۰/۴	۰/۸۴	۰/۲۹۸	۴/۷۸۹	۰۰۰
همسالان	۰/۲۱	۰/۰۴۵	۰/۳۲	۴/۸۷۴	۰۰۰

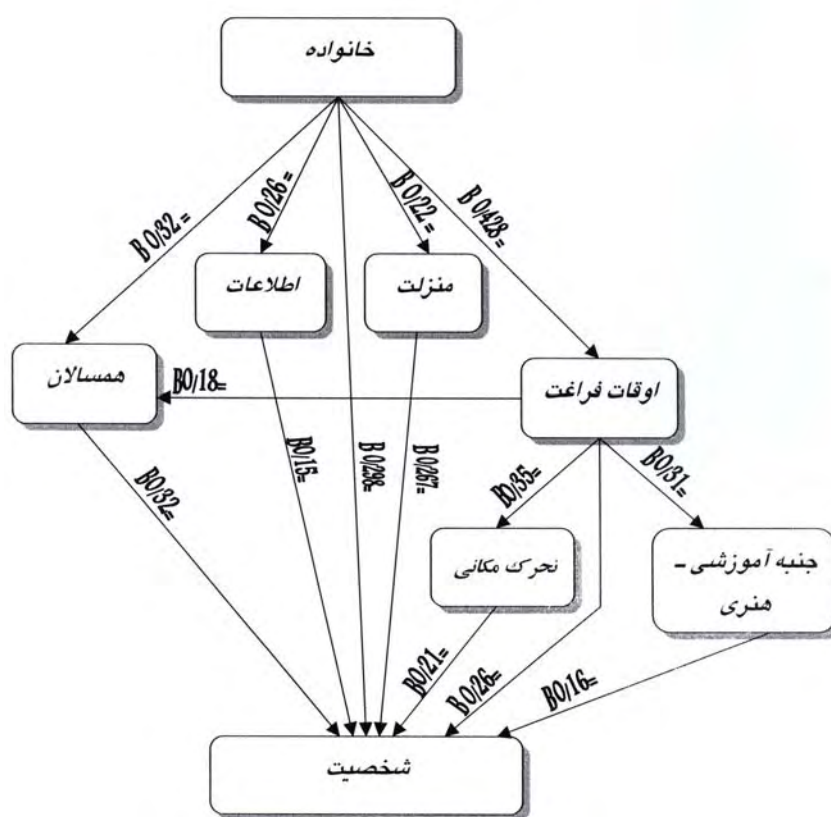
در اینجا جهت رعایت اختصار از آوردن جزئیات مراحل تحلیل مسیر متغیرهای خانواده، اوقات فراغت و گروه همسالان اجتناب شده است. و تنها با استفاده از داده‌های بدست آمده نمودار تحلیل مسیر مدل پژوهشی ترسیم شده است.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که کل مدل پژوهشی، حدود ۳۰ درصد از تغییرات متغیر شخصیت را توضیح می‌دهد و یا پیش‌بینی می‌کند و ۷۰ درصد از تغییرات به عواملی بستگی دارد که در مدل پژوهشی آورده نشده است. در این میان متغیر خانواده به تنهایی حدود ۲۰ درصد از تغییرات شخصیت را توضیح می‌دهد. در آزمون مدل پژوهشی که به وسیله تحلیل مسیر انجام شده، با استفاده از وزن بتاها میزان تأثیر و اهمیت متغیرهای مستقل و میانی که در مدل آورده شده و بر شخصیت مؤثر می‌باشند نشان داده شده است. مدل، بیانگر آن است

که متغیر اوقات فراغت و چگونگی گذران آن بیشتر تحت تأثیر خانواده قرار دارد. از سویی وزن بتای متغیر همسالان در مقایسه با سایر متغیرها بیشتر می‌باشد و لذا بر اهمیت این متغیر در توسعه و رشد شخصیت نوجوانان دلالت می‌کند که البته با توجه به اینکه پاسخ‌گویان در سن نوجوانی‌اند که سن استقلال‌طلبی و گرایش به عضویت در گروه می‌باشد، امری بدیهی و طبیعی می‌باشد. از میان معرف‌های خانواده منزلت و اطلاعات، بیشترین تأثیر را بر رشد شخصیت نوجوانان می‌گذارد و بنابراین وجود فضای سالم در خانواده که در آن به نوجوان ارزش و احترام شایسته گذاشته و نیز فضای مناسب گفتگو و مبادله افکار و نظرات و تنویر افکار موجبات توسعه و رشد شخصیت پیشرفته را در جامعه ما ایجاد می‌نماید که در این میان منزلت، اهمیت بیشتری دارد.

نحوه گذران اوقات فراغت نیز اگرچه تابعی از وضعیت خانوادگی و تصمیم‌گیری در خانواده می‌باشد اما، تحرک مکانی و مسافرت به دلیل مواجهه با محیط‌های اثباتی متنوع و تعریض افق هنجاری و تأثیر بر کنش عاطفی عام و کنترل محیط درونی و بیرونی و خردورزی و... بر رشد شخصیت مؤثر می‌باشد. در این مطالعه مشخص شد که انجام مسافرت و تحرک مکانی اهمیت بیشتری در مقایسه با جنبه‌های آموزشی و هنری در گذران اوقات فراغت دارد. اگرچه یکی از مهمترین کارکردهای اوقات فراغت توسعه شخصیت به وسیله هنر، ورزش، مطالعه و... می‌باشد.

نمودار (۲۰) تحلیل مسیر مدل پژوهشی



فصل چهارم خلاصه بحث و تفسیر

نتیجه‌گیری

سرمایه انسانی یکی از مهمترین عوامل در روند توسعه تلقی می‌شود. در ادبیات توسعه برخی به ساختار اجتماعی و ابعاد آن نظر دارند و برخی به فرد و ابعاد شخصیتی او درحالی‌که توسعه اجتماعی بدون افرادی با شخصیت رشدیافته امکان‌ناپذیر می‌باشد و ظهور چنین شخصیتی وابسته به تکامل ساختاری است.

از طرفی مهمترین نهادهای متولی جامعه‌پذیری و تولید شخصیت، خانواده، مدرسه و رسانه‌ها می‌باشند. بنابراین رشد ساختاری هماهنگ و همه‌جانبه خصوصاً در سه نهاد یاد شده می‌تواند زمینه‌ساز ظهور سرمایه انسانی مناسب باشد. باتوجه به اهمیت موضوع یاد شده، تأثیر ساختار خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته مورد مطالعه قرار گرفت. چنانچه بخواهیم نظریه‌های متنوع پیرامون موضوع فوق را بررسی نماییم،

در یک طبقه‌بندی کلی دو رویکرد خوش‌بینانه و بدبینانه قابل تمییز می‌باشند.

برخی معتقدند که تغییرات ساختاری رخ داده در خانواده باعث افت قابل توجهی در میزان اجتماعی شدن فرزندان در خانواده شده است. پوپینو (۱۹۹۳ و ۱۹۸۸) در اثرش «سقوط خانواده» با اخذ رویکردی بدبینانه تغییرات ساختاری در خانواده را تحت عنوان «زوال خانواده» مطرح نموده است.

جامعه‌شناسان جدا شدن بسیاری از کارکردهای آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و... از خانواده را نشانه‌ای از کاهش کارایی خانواده در اجتماعی نمودن فرزندان قلمداد می‌نمایند. با وجود انتقاداتی که به کاهش کارکردهای خانواده می‌شود، هنوز برای کارکردهای خانواده اهمیت بسیار بالایی قائلند، زیرا اگر چه خانواده امروزی بسیاری از کارکردهای سابق خود را از دست داده، اما به جای آن کارکردهای بسیار مهم و جدیدی به دست آورده است، زیرا «به سبب تبدیل خانواده به یک محیط خصوصی، جدایی آن از جامعه بزرگ و کاهش وابستگی‌اش به محیط خارج، به وابستگی درونی متراکم‌تری دست یافته است. روابط انسانی درون خانواده عمیق‌تر شده و در روابط خانوادگی، احساسات زیادی پیدا شده است. به زعم کونیک «خانواده مهمترین گروه صمیمی می‌باشد که مهمترین کارکرد آن تولید شخصیت اجتماعی - فرهنگی می‌باشد که خانواده آن را با عناصر فرهنگی جامعه خود و با رفتارهای اجتماعی و قابلیت‌های اجتماعی به جامعه تحویل می‌دهد». (اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳)

ما نیز با اخذ رویکردی خوش‌بینانه نسبت به خانواده بر این عقیده‌ایم که خانواده دارای کارکرد اساسی در تولید شخصیت پیشرفته می‌باشد. برای تبیین این بخش از موضوع با استفاده از نظریه منبع‌لی‌پلی اقدام به مطالعه‌ی خانواده نمودیم. لی‌پلی معتقد است، خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی که بر همه ویژگی‌های مهم اجتماعی تأثیر دارد، طی فرآیند، تولید و مصرف منابع در خانواده بر رفتار اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. چگونگی مواجهه خانواده با نیازهای مادی و غیرمادی فرد، معیاری برای عملکرد اجتماعی است. لی‌پلی معتقد است که خانواده به عنوان یک منبع مهم مادی، معنوی و انرژی اطلاعاتی است و این دینامیک‌ها برای درک کلی تجربه انسانی مهم هستند. لی‌پلی در تئوری منبع، شش گونه از منابع را مشخص می‌کند که همه آنها برای تأمین عملکرد مناسب خانواده موردنیاز هستند. منبع هر وسیله و سمبلی است که با رفتار بین فردی انتقال می‌یابد و به عنوان یک وسیله برای برآورده شدن مثبت یا منفی نیازها قابل دسترسی می‌باشد. این منابع که در نحوه اجتماعی کردن کودکان مؤثر می‌باشند عبارتند از: عشق، وضع اجتماعی (منزلت)، اطلاعات، پول، ابزار و خدمات. با توجه به شش منبع یاد شده، متوجه شدیم که این منابع پوشش‌دهنده ابعاد عاطفی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خانواده می‌باشند. درحالی‌که به بعد سیاسی پرداخته نشده و از سویی در تعریفی که از خانواده متعادل ارایه کردیم، وجود همزمان ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ضروری می‌باشد. لذا، معرف مدیریت به عنوان نماینده بعد سیاسی خانواده اضافه گردید. سپس سعی در عملیاتی نمودن و سنجش این مفاهیم نمودیم.

متغیر وابسته در این مطالعه شخصیت پیشرفته می‌باشد. رسیدن به توافق در مورد تعریفی مشترک از چنین شخصیتی با توجه به وجود نظرگاه‌های متنوع نسبت به انسان و دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف و متنوع نسبت به شخصیت امری ساده نمی‌باشد. لذا با اخذ روش قیاسی، از میان نظریه‌های موجود اقدام به عملیاتی نمودن نظریه شخصیت پیشرفته موندیم. تشکل و رشد شخصیت از طریق ترکیب نیازهای ارگانیک با انتظارات اجتماعی در مراحل گوناگون جامعه‌پذیری و در برخورد با محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. موندیم روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته را در سه مرحله کلی قرار می‌دهد که در بخش چارچوب مفهومی به آن اشاره شد. در اینجا تنها به شش مفهوم اساسی در این نظریه اشاره می‌نماییم که برای سنجش شخصیت پیشرفته در این مطالعه عملیاتی گردید. فعال‌گرایی، کوشش برای موفقیت، کنش بر پایه‌ی عاطفی عام، خودتنظیمی، کنترل محیط درونی و بیرونی و خردورزی. این مفاهیم با استفاده از مقیاس‌ها و گویه‌های ساخته شده توسط آقای دکتر چلبی*، مورد سنجش قرار گرفت. اگر چه با انجام تحلیل عامل، تجزیه‌ی به مولفه، با توجه به جامعه آماری، در آن تغییرات و اصلاحاتی انجام شد. بنابراین با استفاده از پرسش‌نامه، اقدام به ارزیابی ۷ منبع خانواده و ۶ مفهوم مربوط به شخصیت نمودیم. سپس با استفاده از تجزیه و تحلیل آماری اقدام به سنجش ارتباطات و آزمون فرضیه‌های ارائه شده نمودیم. جامعه آماری، نوجوانان تهرانی در مقطع

* با استفاده از کتاب بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران.

سال سوم دبیرستان می‌باشند که با توجه به اینکه از سه منطقه یک، شش و نوزده نمونه‌گیری شدند، به نوعی بیانگر طبقات اجتماعی بالا، متوسط و پایین می‌باشند، که به زعم محقق می‌تواند معرفی از میزان منابع در دسترس خانواده باشد.

درواقع یافته‌های تجربی نیز این امر را تأیید می‌نماید، چنانکه وضع منابع خانوادگی در مناطق یک و شش در مقایسه با منطقه نوزده از کمیت و کیفیت بالاتری برخوردار می‌باشد. همانگونه که در بخش تجزیه و تحلیل شرح داده شد، با توجه به یافته‌های تجربی، نمرات به دست آمده از موقعیت خانواده در جامعه آماری در پنج‌گروه عمده قابل طبقه‌بندی می‌باشند. یعنی از نمرات خیلی پایین تا خیلی بالا، شواهد تجربی بیانگر آن است که ۴/۹ درصد از خانواده‌ها در محدوده خیلی پایین قرار دارند و ۵۰ درصد از خانواده‌ها در سطح پایین، و ۲۷/۳ درصد در سطح متوسط قرار دارند. تنها ۰/۴ درصد از خانواده‌ها در سطح بالا و خیلی بالا قرار دارند. در این میان ابعادی نظیر اطلاعات، ابزار و عشق دارای میانگین‌های بالاتری در مقایسه با منزلت و خدمات می‌باشند و پول و مدیریت در پایین‌ترین حد قرار دارند.

از طرفی میان منابع خانوادگی روابط معناداری مشهود می‌باشد. یعنی در خانواده در صورت کمبود یک منبع، منابع دیگر جایگزین آن می‌شوند. مثلاً در خانواده‌هایی که به علت عدم حضور والدین و یا روابط عاطفی ضعیف، عشق و منزلت در سطح پایینی قرار داشت، پول و ابزار در سطح بالاتری مبادله می‌شود و برعکس. خصوصاً چنین مبادله‌ای در منطقه یک

مشهود بود، یعنی باوجود سطوح تحصیلی و شغلی بالا و امکانات بیشتر، رضایت کمتری از وضع منزلت و عشق از خانواده وجود داشت.

در توصیف وضعیت شخصیت در جامعه آماری باید گفت که با توجه به داده‌های تجربی به‌دست آمده، امتیازات مربوط به شخصیت نیز درپنج گروه عمده طبقه‌بندی گردید که شامل نمرات خیلی پایین تا خیلی بالا می‌باشند. یعنی مجموع امتیازات کسب شده از مفاهیم فعال‌گرایی، کوشش برای موفقیت، کنش عاطفی عام، خردورزی و خودتنظیمی و کنترل محیط درونی و بیرونی مبنای این طبقه‌بندی می‌باشند.

توصیف وضعیت شخصیت، بیانگر آن است که ۱۶/۶ درصد از نوجوانان دارای امتیازات خیلی پایین و ۱۷/۱ درصد دارای امتیاز پایین، ۹/۱۵ درصد در محدوده متوسط و ۲۰/۲ درصد در حد بالا و ۱۶/۳ درصد در حد خیلی بالا قرار دارند و مجموعاً ۳۶/۵ درصد از نوجوانان در محدوده شخصیت پیشرفته، یعنی امتیازات بالا و خیلی بالا قرار دارند. البته آزمون مقایسه میانگین (T, Test) درمورد شخصیت نوجوانان در مناطق یاد شده معنادار نمی‌باشد، یعنی در میانگین نمره شخصیت در مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود نداشت.

شاید یکی از دلایل، این باشد که درصد بالایی از نوجوانان مناطق محروم (منطقه نوزده) به مقاطع تحصیلی بالاتر راه نمی‌یابند و به دلایل مشکلات عدیده مجبور به ترک تحصیل می‌شوند و درواقع کسانی که تا این مقاطع تحصیلاتشان ادامه می‌یابد، درواقع دارای منابع خانوادگی مناسب‌تری درمقابل دیگران می‌باشند. از طرفی مقایسه میانگین امتیاز خانواده نیز در مناطق مختلف دارای تفاوت معناداری نمی‌باشد. بنابراین،

علی‌رغم اینکه از نظر توصیفی میانگین نمرات خانواده به ترتیب در منطقه یک، شش و نوزده قرار دارد، ولی از نظر نمره شخصیت تفاوتی بین سه منطقه مشهود نمی‌باشد.

در تحلیل دومتغیره به ارتباط خاص‌تر میان منابع خانوادگی با ابعاد شخصیت پرداختیم. ابتدا فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار میان ساختار خانواده با شخصیت پیشرفته را آزمودیم که این فرضیه در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات گردید و با رد فرض صفر مبنی بر عدم رابطه معنادار فرض تحقیق اثبات می‌گردد.

($r = ۰/۳۸۲^{**}$ sig : ...)

یافته‌ها بیانگر آن است که منابع مختلف خانواده بر ابعاد مختلف شخصیت نظیر خردورزی، خودتنظیمی، کنش عاطفی و کنترل محیط درونی و بیرونی تأثیر می‌گذارد. بدیهی است وجود احترام و منزلت همراه با انتظارات متناسب با شأن سبب می‌شود چنین ابعادی در شخصیت نوجوان رشد نماید.

میان روابط عاطفی (عشق) با رشد شخصیت نیز رابطه معناداری وجود دارد، از آنجایی که یکی از مهمترین کارکرد خانواده امروزی صمیمیت و بُعد عاطفی می‌باشد، به نظر می‌رسد در امر جامعه‌پذیری دارای نقش مهمتری باشد. عشق و رابطه عاطفی در خانواده منجر به توسعه رشد ابعاد شخصیتی می‌گردد، از جمله رابطه آن با خردورزی، خودتنظیمی، کنش بر پایه عاطفی عام و کوشش برای موفقیت از طریق آزمون‌های پیرسون و کندال اثبات گردید. ($r = ۰/۲۵۸^{**}$ sig : ...)

یکی از کارکردهای دیگر خانواده، کارکرد خدمات و یاری رساندن در زمان‌های مورد نیاز می‌باشد. چنانچه نوجوان از چنین خدماتی به‌موقع بهره‌مند شود، استعداد ارایه چنین خدماتی به هم‌نوعان دیگر را از خود نشان خواهد داد. آزمون‌های آماری رابطه میان خدمات ارایه شده در خانواده با رشد شخصیت را اثبات نموده است.

($r = 0/264^{***}$ sig : ...)

خدمات، خردورزی، خودتنظیمی، کنش بر پایه عاطفی عام و کنترل محیط درونی و بیرونی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. ابزار نیز در خانواده با رشد شخصیت دارای ارتباط معناداری بود.

($r = 0/209^{***}$ sig : ...)

ابزار و امکانات بر خردورزی، کنش عاطفی عام و کنترل محیط درونی و بیرونی شخصیت تأثیرگذار می‌باشد.

میان کمیت پول در دسترس نوجوان با رشد شخصیت ایشان نیز رابطه معناداری وجود داشت. ($r = 0/226^{***}$ sig:...) پول به عنوان نماینده وضع اقتصادی خانواده بر ابعاد خردورزی، کوشش برای موفقیت و کنش بر پایه عاطفی عام اثرگذار می‌باشد.

منبع اطلاعات در مورد خانواده دارای تأثیرات وسیع‌تری در مقایسه با سایر منابع می‌باشد. یعنی بعد فرهنگی منابع خانوادگی دارای اثر وسیعی بر رشد ابعاد شخصیتی می‌باشد.

($r = 0/337^{***}$ sig : ...)

گفتگو در خانواده و وجود منابع مطالعاتی نظیر مجلات، کتابخانه و نیز برخی رسانه‌ها نظیر اینترنت و ماهواره در خانواده با رشد شخصیت و

به‌طور خاص‌تر بر روی هر شش بُعد شخصیت مؤثر می‌باشند. و البته بیشترین شدت رابطه بر روی بُعد خردورزی می‌باشد.

میان شیوه مدیریت در خانواده و رشد شخصیت نیز رابطه معناداری وجود دارد. (... : sig = ۰/۲۴۷** r) هرچه مدیریت در خانه شکل دموکراتیک‌تری یابد، بر امتیاز شخصیت افزوده می‌شود. شیوه مدیریت با ابعاد کنش عاطفی، خردورزی، فعال‌گرایی و کنترل محیط درونی و بیرونی دارای رابطه مثبت و معناداری می‌باشد. البته منظور از شیوه دموکراتیک رهایی و آزادی محض از کنترل نمی‌باشد، بلکه دخالت دادن نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها سبب می‌شود خود در انجام تصمیم‌ها پای‌بندی و تعهد لازم را نشان دهد. به‌کارگیری عقلانیت در هنگام تصمیم‌گیری و کوشش برای به حداکثر رساندن مشارکت و تعهد به‌وجود آمده همه ناشی از وجود مدیریت دموکراتیک می‌باشد.

می‌دانیم که خانواده تنها عامل تولید و اجتماعی نمودن شخصیت نمی‌باشد. نهاد مدرسه و رسانه‌ها و چگونگی گذران اوقات فراغت و گروه همسالان نیز در نظریه‌های مختلف به عنوان عوامل بسیار مهم و مؤثر شناخته شده‌اند. در این مطالعه اشاره مستقیم بر اثر رسانه‌ها نگردید، زیرا معتقدیم که به دلیل اثر گسترده و متنوع آن به یک تحقیق جامع نیاز دارد. اگر چه در بخش منابع خانوادگی، وجود رایانه، اینترنت، ماهواره نیز در بخش منابع اطلاعاتی وجود کتب و مجلات مورد مطالعه قرار گرفته است. از طرفی نهاد مدرسه، گذران اوقات فراغت و گروه همسالان نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. اینها به عنوان متغیرهای کنترل وارد چارچوب تئوریک گردیدند. امروزه به اهمیت مدارس افزوده شده

است و مدارس نه تنها به عنوان مرکزی برای سوادآموزی بلکه به عنوان یکی از مهمترین مراکز تربیتی و پرورشی درآمده است. مدرسه مراحل رشد شخصیت را با کمک خانواده و جامعه تسهیل می‌نماید و به موازات انتقال دانش‌ها و مهارت‌ها به پرورش عقلی، عاطفی، اجتماعی ... نوجوانان می‌پردازد. فعالیت‌هایی فراتر از آموزش رسمی در پرورش شخصیت نوجوانان تأثیر بسزایی دارد. آموزش‌های فوق برنامه، فعالیت‌های هنری، تجمعات و انجمن‌های مختلف، گردش‌های دسته‌جمعی، مشارکت در امور انسان‌دوستانه و... در برنامه‌ی کار مدارس موجب می‌شود که مدارس از جایگاه معتبری برای تحقق رشد همه‌جانبه شخصیت نوجوانان برخوردار باشند. مدارس با تأکید بر رشد متوازن و جامع شخصیت می‌توانند محل مناسبی برای تمرین رفتارهای مدنی و آداب شهروندی باشند. چنانچه مدارس برخوردار از جو فرهنگی مناسب و ادبیات آمیخته با کرامت و محبت باشند و دانش‌آموزان را به عنوان انسان پذیرفته، و با مسالمت و احسان و اغماض در جهت رفع کاستی‌های ایشان کوشند، زمینه‌ی مساعد برای مشارکت نوجوانان مهیا می‌گردد. و در سایه تعامل و فعالیت‌های مشترک مقدمات رشد شخصیتی نیز فراهم می‌گردد.

باتوجه به نمونه‌گیری از دو نوع مدرسه دولتی و غیرانتفاعی، متوجه وجود رابطه معنادار میان نوع مدرسه و نمره شخصیت گشتیم، اگر چه گزینش دانش‌آموزان در مدارس غیرانتفاعی براساس معدل و... چنین نتیجه‌ای را قابل پیش‌بینی می‌نماید. آنچه که از یافته‌های تجربی دستگیرمان شده این است که علی‌رغم وجود رابطه معنادار میان نمره

مدرسه و رشد شخصیت با استفاده از آزمون همبستگی جزیی و کنترل سایر متغیرها میان مدرسه و رشد شخصیت رابطه معناداری وجود نداشت. البته به زعم محقق این امر ناشی از ناموفق بودن مدارس در ارائه برنامه‌های پرورشی می‌باشد. چنانچه هیستوگرام مربوط به متغیر مدرسه دارای چولگی به سمت راست می‌باشد و بیانگر وجود امتیازات پایین و بسیار پایین در مورد مدارس می‌باشد. در واقع دانش‌آموزان دیدگاه منفی نسبت به وضعیت مدارس داشتند که بیانگر کاهش اثربخشی مدارس می‌باشند.

این امر سبب گردید که متغیر مدرسه از مدل رگرسیونی نیز خارج شود، به این معنا که در رشد شخصیت در جامعه ما اثرگذار نمی‌باشند. درحالی‌که یکی از کارکردهای مهم و اعلام شده مدارس انتقال فرهنگ جامعه و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان می‌باشد. که البته در این مطالعه اثبات نگردید. نظیر چنین مطالعه‌ای توسط کلمن در دهه ۱۹۶۰ در مدارس آمریکا تحت عنوان برابری فرصت‌ها انجام شد، که در آن تأثیر علل سازمانی مدرسه بر کارایی دانش‌آموزان مطالعه شد و کلمن نیز دریافت که در واقع تأثیر طبقه اجتماعی دانش‌آموزان مقدم بر تأثیر مدرسه می‌باشد.

بنابراین ثابت می‌شود که علی‌رغم کاهش کارکرد خانواده در امر تعلیم و تربیت، هنوز هم بسیاری از اصول، افکار، ایده‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های نوجوانان در محیط خانواده همراه با تجربیات ناشی از شرایط عینی خانوادگی می‌باشد.

یکی دیگر از متغیرهای کنترل چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد. فراغت، به مجموع فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که شخص پس از رهایی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آنها می‌پردازد و غرضش استراحت، تفریح همراه با توسعه دانش خود یا به کمال رساندن شخصیت خویش یا به ظهور آمدن استعدادها، خلاقیت‌ها و بالاخره بسط مشارکت آزادانه اجتماعی است.

اوقات فراغت در واقع ساعاتی است که باید بدون اجبار صرف اموری شود که شخص به آن تمایل دارد و تا حد ممکن نباید با نفع اقتصادی همراه باشد یا منبع درآمدی با آن همراه شود، بلکه باید به کسب تنوع، ایجاد سرگرمی و فراهم آوردن امکانات، رشد فکری و جسمی در راستای تعالی و رسیدن به ارزش‌های شخصیت منجر گردد. بنابراین اوقات فراغت تأثیری بس شگرف بر رشد شخصیت دارد.

در این مطالعه نیز در سطح تحلیل دومتغیری میان اوقات فراغت و رشد شخصیت رابطه معناداری وجود داشت. درحالی‌که با استفاده از همبستگی جزیی و کنترل سایر متغیرها اوقات فراغت همانند مدرسه دارای رابطه معناداری نبود. وضعیت توصیفی اوقات فراغت در جامعه آماری بیانگر آن است که هیستوگرام دارای چولگی به سمت راست می‌باشد و بیشترین فراوانی در محدوده امتیاز پایین قرار دارد. اگر چه نحوه‌گذران اوقات فراغت در مناطق شش و یک دارای امتیازات بالاتری در مقایسه با منطقه نوزده می‌باشد. در تحلیل رگرسیونی نیز از کلیه معرف‌های مربوط به اوقات فراغت تنها، مطالعه در فراغت با رشد شخصیت دارای رابطه می‌باشد.

این امر بیانگر آن است که در جامعه ما در نحوه گذران اوقات فراغت برنامه‌ریزی مناسب و دقیقی وجود ندارد و دانش‌آموزان از این فرصت‌ها برای رشد و تکامل شخصیتی بهره‌ای مناسب نمی‌برند. به زعم دنیس گیور: «انسان آنقدر که با سختی‌ها و مشکلات می‌تواند کنار بیاید و شرایط را بپذیرد، قادر نیست با اوقات فراغت وسیع و بی‌برنامه مواجه شود. اوقات فراغت، فرصتی به نوجوان می‌دهد تا انرژی‌هایش را آزاد کند و به خلاقیت و خودشکوفایی نایل شود، ولیکن در صورتی که این فرصت‌ها به هرز رود و نتواند نوجوان را به مشغولیت برانگیزد، زمینه‌ساز انحرافات و کجروی‌های او خواهد بود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اوقات فراغت در جامعه ما بیشتر دارای کج کارکرد است تا کارکردهای مثبت نظیر رشد شخصیت. چه بسا وقتی گذران اوقات فراغت نوجوانان رابطه‌ای با رشد شخصیت ایشان ندارد، و از طرفی به عنوان مهمترین زمانی تلقی می‌شود که انرژی‌ها و پتانسیل‌های نهفته نوجوانی در آن آزاد می‌شود، در صورت نبودن برنامه‌ریزی مناسب، برای استفاده صحیح از این اوقات، رشد کارکردهای منفی آن بدیهی می‌نماید. از طرفی با کاهش اهمیت اوقات فراغت بر رشد شخصیت در جامعه ما تأثیر خانواده اهمیت خود را افزایش می‌دهد. نایدهارت معتقد است «مهمترین ویژگی خانواده هسته‌ای، دوکارکرد گذران اوقات فراغت جمعی خانواده با یکدیگر و اجتماعی کردن و تربیت کودکان است که هر دو به سبب حاکمیت روابط عاطفی خاص خانوادگی تنها در خانواده هسته‌ای به بهترین شکل امکان‌پذیر می‌باشد. او معتقد است که افزایش صمیمیت و روابط درونی خانواده با افزایش

انسجام درونی، سبب رشد همبستگی اجتماعی در افراد می‌شود». (اعزازی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵)

گروه همسالان نیز جزو عوامل بسیار مؤثر در اجتماعی شدن می‌باشد، گرچه هدف عمده گروه‌های همسال همبازی شدن و سرگرمی می‌باشد، اما اینگونه گروه‌ها پس از خانواده جزو مؤثرترین عوامل اجتماعی شدن هستند. گروه همسالان نیز به عنوان متغیر کنترل وارد این مطالعه گردید. نتایج بیانگر آن است که همسالان در رشد شخصیت نوجوانان تأثیر بسزایی دارند. ($\text{sig} = 0/262^{**}$ partialcor =)، برخلاف مدرسه و اوقات فراغت، هیستوگرام مربوط به متغیر همسالان دارای چولگی به سمت چپ می‌باشد و این به معنای وجود نمرات بالاتری در مورد این متغیر می‌باشد. لذا در جامعه آماری حاضر گروه همسالان از سایر متغیرها دارای اهمیت بالاتری می‌باشد.

در تحلیل چندمتغیری رگرسیونی شخصیت با استفاده از روش اینتر تاثیر کلیه متغیرهای اصلی زمینه‌ای و کنترل را به طور همزمان بر روی شخصیت مطالعه نمودیم که ضریب تعیین ($R^2 = 0/299$) بیانگر تبیین ۳۰ درصد از تغییرات متغیر شخصیت به وسیله معرف‌ها و شاخص‌های این مدل تحقیقی می‌باشد و حدود ۷۰ درصد از تغییرات به وسیله سایر عواملی که خارج از چارچوب این پژوهش قرار دارند تبیین می‌شود. عواملی نظیر خرده‌فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، مهاجرت، تجربیات خاص نظیر طلاق، جرم، فوت، بیماری در خانواده، شیوه‌های تربیتی از جمله تشویق و تنبیه در خانواده، ساختارهای اجتماعی تحولی نظیر تجربه اجتماعی نوجوانان با بزرگسالان، تأثیرگیری از گروه‌های مرجع، معلمان به غیر از

حافظه تاریخی و ملی، ارزش‌ها و باورهای ملی و مذهبی، اسطوره‌های دینی و ادبی و غیره جزو عوامل تاثیرگذاری هستند که در مدل این تحقیق حضور نداشتند، ولی به نظر می‌رسد تاثیر بسزایی در نحوه اجتماعی شدن و رشد شخصیت نوجوانان داشته باشند.

در تحلیل مسیر مدل پژوهشی مشخص شد که تاثیر خانواده و همسالان در شخصیت، در مقایسه با سایر عوامل دارای اهمیت بیشتری می‌باشد. منزلت و اطلاعات دارای مهمترین تأثیر در رشد شخصیت می‌باشند. همسالان با بتای ۰/۳۲ بالاترین تأثیر را در مقایسه با متغیرهای خانواده و اوقات فراغت دارد. بعد از همسالان متغیر خانواده با بتای ۲۹۸/۰ مهمترین عامل مؤثر بر رشد شخصیت می‌باشد. در واقع بیشترین تأثیر در نحوه گذران اوقات فراغت تحت تأثیر خانواده می‌باشد. تأثیر خانواده بر اوقات فراغت با بتای ۰/۴۲۸ بیانگر ارجحیت عامل خانواده می‌باشد. نحوه گذران اوقات فراغت نیز بر نوع رابطه با گروه همسالان تأثیرگذار می‌باشد که البته این رابطه در مدل تحلیل مسیر نشان داده شده است. تحرک مکانی و جنبه آموزشی مهمترین عوامل مؤثر بر شخصیت می‌باشند که جزو معرف‌های اوقات فراغت در این تحقیق می‌باشند. تحرک مکانی دارای اهمیت بیشتری در مقایسه با جنبه آموزشی و هنری می‌باشد. در این مطالعه مدرسه از مدل رگرسیون خارج گردید. که این مسأله ضرورت توجه سیاست‌گذاران آموزشی کشور را به کارکردهای پرورشی مدارس گوشزد می‌نماید. یافته‌ها بیانگر اهمیت وجود منابع اساسی یاد شده در خانواده و نقش کیفیت و کمیت این منابع بر رشد شخصیت می‌باشد. از آنجایی که جامعه آماری نوجوانان سال سوم

دبیرستان می‌باشند و مشخصه این سن بلوغ و استقلال خواهی و جایگزینی روابط با همسالان به جای روابط خانوادگی می‌باشد، نقش گروه همسالان به شکل بارزتری اهمیت می‌یابد.

با توجه به اینکه میانگین نمره خانواده در حد پایین‌تری در مقایسه با میانگین نمره عمومی شخصیت در نمونه آماری می‌باشد، باید توجه نمود که نهاد خانواده در جامعه ما به صورت سنتی خود باقی مانده است و بسیاری از کارکردهای مورد انتظار نوجوانان را در سطح مناسب ارائه نمی‌کند. علی‌رغم پایین بودن میانگین نمره خانواده می‌بینیم میانگین امتیاز شخصیت در نوجوانان افزایش یافته است. این بیانگر آن است که عوامل بسیار مهمی در خارج از خانواده وجود دارد که موجبات رشد شخصیتی نوجوانان را فراهم آورده است که البته این عوامل خارج از متغیرهای یاد شده در مدل پژوهشی ما می‌باشد. از طرفی این دوگانگی می‌تواند موجب ایجاد تعارض در جامعه شود، چیزی که امروزه تحت عنوان شکاف نسل‌ها مطرح می‌شود.

می‌توان پیش‌بینی نمود که با تغییر سریع و رشد شخصیت و از طرفی ثابت ماندن نهادهای جامعه نظیر نهاد خانواده، نهاد آموزش و... این تعارض در سطح جامعه نیز کشانده شود، یعنی شاهد تلاش روزافزون نوجوانان در ایجاد تغییر در نهادهای سنتی باشیم در نتیجه جامعه ما شدیداً در وضع بی‌ثباتی و آماده‌ی دگرگونی و تغییر شدید توسط نیروهای جوان آن می‌باشد. چنانچه کارگزاران، برنامه‌ریزی نظام مندی جهت ایجاد هم‌نوایی و یکنواختی میان نهادهای موجود و نیروی انسانی رو به رشد را نداشته باشند، جامعه درگیر گسست و بی‌ثباتی خواهد شد.

پیشنهادها

در این مطالعه به تاثیر ساختار خانواده بر رشد شخصیت پرداخته شد. باتوجه به اینکه تئوری لی پلی مبتنی بر وجود منابع ارزشمند در خانواده می باشد که یک فرد به تناسب بهره برداری بیشتر از این منابع ظرفیت های وجودی اش غنی گشته و هرچه دارای ظرفیت های پرتری از منابع باشد در روابط اجتماعی نیز نقش های مثبت تری را ایفا می نماید. بنابراین این تئوری به تاثیر ذاتی خانواده اشاره دارد. لذا پیشنهاد می شود در مطالعات آتی با استفاده از رویکردهای ساختاری - تحولی که در آن به ماهیت سلسله مراتبی میان والدین و فرزندان، و شیوه های تربیتی و انواع شناخت های اجتماعی پرداخته می شود موضوع رشد شخصیت تبیین شود. شناسایی ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه و دستیابی به مقولات و گزاره های اخلاقی و غیراخلاقی در جامعه کنونی، وجود تنوع شخصیتی را بهتر تبیین می نماید.

تاثیر طبقات اجتماعی، مذاهب، قومیت ها می تواند تا حدی حیطه اجتماعی خانواده را تبیین نماید. عضویت در گروه ها و انجمن ها، مهاجرت ها و دایره روابط خانوادگی همگی جزو اموری هستند که نیازمند توجه بیشتر می باشند. از طرفی در مطالعه شخصیت، تئوری مونچ مورد استفاده قرار گرفت. از آنجایی که این تئوری دارای مفاهیم پیچیده ای بود و تشابه و ترکیب مفاهیم موجب بروز مشکلاتی در عملیاتی ساختن آن گردید، استفاده از تئوری های مربوط به سایر رویکردهای جامعه شناختی می تواند ما را در دستیابی به سایر یافته ها مدد بنماید. لزوم انجام مطالعاتی در زمینه شخصیت ایرانی می تواند موجب

دستیابی به نتایج واقع‌گرایانه‌تری گردد. تنها در صورت داشتن چنین اطلاعات زمینه‌ای است که امکان مقایسه وضع موجود با وضع ایده‌آل فراهم می‌آید. انجام تحلیل محتوا بر منابع و ادبیات ملی و مذهبی می‌تواند آیتم‌های واقع‌گرایانه‌تری از شخصیت بومی ایرانی ارائه دهند. در اینجا با توجه به یافته‌های پژوهش نکاتی را یادآور می‌شویم:

— توجه جدی مسئولان به وضع پرورشی مدارس و شناسایی دلایل عدم کارایی مدارس در نهادینه کردن ویژگی‌های شخصیتی مورد نظر در نوجوانان.

— دادن اطلاع و آگاهی مناسب به خانواده‌ها در جهت اهمیت منابع خانوادگی و جبران کمبودها با منابع جایگزین.

— انجام مشاوره و راهنمایی مناسب نوجوانان در زمینه دوست‌یابی و نحوه ارتباط مفید و موثر با همسالان بگونه‌ای که جنبه‌های مثبت شخصیت را رشد دهد.

— برنامه‌ریزی مناسب و دقیق مسئولان، خانواده‌ها و اولیای مدارس در زمینه‌گذران اوقات فراغت و راهنمایی و مشاوره نوجوانان در این زمینه، در دسترس قرار دادن امکانات مختلف و نیز مشارکت و نظرخواهی از خود نوجوانان برای غنی ساختن اوقات فراغت ایشان.

— بررسی دقیق موارد ضعف شخصیتی نوجوانان و اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی صحیح جهت رفع ضعف‌ها و نقص‌ها و نیز چاره‌جویی برای تقویت خصوصیات شخصیتی که برای آینده ملی کشور ضروری می‌باشد.

- بررسی تفاوت‌ها و تشابهات شخصیتی برحسب جنسیت در نوجوانان.
- تعمیم چنین مطالعاتی در سطح کلان با توجه به پیش فرض‌های مطروحه در این پژوهش برای توسعه. و انجام مطالعات مشابه در سطح سایر شهرستان‌ها و در سطح کشور.
- مقایسه ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان ایرانی با نوجوانان سایر کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه.
- انجام مطالعات طولی و بررسی تاثیر سیاست‌ها و اقدامات انجام شده در رشد شخصیتی نوجوانان.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- استوتزل، ژان، (۱۳۷۱)، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه علی کاردان، محمد، تهران، انتشارات دانشگاه.
- ۲- آشوری، داریوش، (۱۳۸۰)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، انتشارات آگه.
- ۳- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۴- آگ برن، نیمکف، (۱۳۲۳)، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه آریانپور، تهران، شرکت سهامی افست.
- ۵- امیری، حسن، بنی جمال، شکوه (۱۳۷۶)، *روان‌شناسی رشد*، تهران، چاپ و نشر بنیاد.
- ۶- بلانکن، هرن، (۱۹۹۰)، *تغییر در خانواده، دوباره‌سازی خانه، یک پیمان جدید برای خانواده‌های آمریکایی*، نشریه خدمات خانواده.
- ۷- بوردیو، پیر، (۱۳۸۰)، *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نقش و نگار.
- ۸- پرهیزکار، کمال، (۱۳۷۲)، *نظریه‌های مدیریت*، تهران، انتشارات سازمان مدیریت دولتی.
- ۹- تریان‌دیس، هری، اکس، (۱۳۷۶)، *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، تهران، پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد.
- ۱۰- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- ۱۱- چلبی، مسعود، (۱۳۸۱)، *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- ۱۲- داوری، رضا، (۱۳۵۷)، *وضع کنونی تفکر در ایران*، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، تهران، مجموعه اندیشه معاصر (۲)، انتشارات سروش.
- ۱۳- روسک، جوزف، وارن، رولند، (۲۵۳۵)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی*، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران، فروردین.
- ۱۴- روشه، گی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران، نشر.
- ۱۵- روشه، گی (۱۳۷۹)، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۶- سرایی، حسن، (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۷- قانع‌راد، محمد امین، (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران*، تهران، مؤسسه انتشارات مدینه.
- ۱۸- کلین، جیمز، (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر بهبودی، تهران، نشر نی.
- ۱۹- کوئن، بروس، (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس، دکتر غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۰- گرث، هانس، میلز، سی‌رایت، (۱۳۸۰)، *منش فرد و ساختار اجتماعی*، ترجمه اکبر افسری، تهران، انتشارات آگه.
- ۲۱- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۱)، *جامعه‌شناسی عمومی*، تهران، کتابخانه طهوری.

منابع لاتین

- 1-Carmines & Winston, E.G. Zeller, R.A, (1979),” *Reliability and validity Assessment sage university paper series o quative applications in the social science*”, Beverly Hills, sage publications.
- 2-Coleman, j. (1988) “*Social Capital In The Creation Of Human Capital*”, American Journal Of Sociology.

- 3-Dewey. John, (1937), "*Education and Social change*"
The social froteriner may.
- 4-Feldman, E, & Dodge. K.A. (1987), "*Social Information
precessing & Sociometric status : sex , age, & situational
effects*". journal of Abnormal child, psychology, 75.
- 5-Munch. Richard, (1988)."*Understanding Modernity*":
London: Routledge.
- 6-Musgrave, P.W. (1966) "*The sociology of Education*"
(Methuen 1965) reprinted.
- 7-Musgrove, F.V. (1965), "*The family, Education and
society*" Routledge.
- 8-Parsons, T.(1956) "*Family, socialization & Interaction
Prosses*" free press.
- 9-Rettige, Kathery .v& Ront .(1999) "*A general Theory For
Perceptual Indicators Of Family*" "Social Indicators Research ;
47.
- 10-Swift, D.F.(1969) "*The sociology of Education*"
Routledge.
- 11-Vide fletcher, R, (1966), "*The family and marriage in
britain*": An Analysis and moral Assessment (Penguin books),
revised edition.
- 12-Zeigler & HeJelle.(1992) "*Personality Theories*" Mc
Graw hill ,Third Edition.
- 13-Sztompka,piotr(1974) "*System & Function:To ward a
Theory of Society*" , New York: academic press.